

مسائل خمس

اصل وجوب خمس ضروری اسلام است

س

- اگر شخص شیعه، منکر خمس شود کافر می‌شود یا نه؟.

ج

- اصل وجوب خمس، اجمالا ضروری اسلام و انکار آن موجب کفر است.

در اداء خمس قصد قربت لازم است

س

- شخصی با این که خمس و زکاء بر او واجب است از اداء آن امتناع دارد دیگری در مقام امر به معروف برآمده و حتی به مرتبه ضرب هم رسیده و آن شخص، خمس و زکاء خود را از ترس پرداخته است، حال با این که قصد قربت، با این گونه، پرداخت، متمشی نمی‌شود، آیا مجزی هست و ذمه او بری می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر او را امر به معروف نماید و او در اثر ترس و تهدید، خمس و زکاء را بدهد ولی قصد قربت او مورد شک باشد، محمول بر صحت است و اگر عدم قصد قربت، معلوم باشد، مجزی بودن، محل اشکال است. بلی اگر با اذن حاکم شرع، به اجبار از او بگیرند مجزی است.

س

- وکالت در اداء خمس و زکاء- یعنی کسی را وکیل کند که خمس و زکاء او را بدهد- چگونه است؟.

ج

- با قصد قربت وکیل، در موقع اداء، اشکالی ندارد. و احتیاط آنست که هم وکیل و هم موکل قصد قربت نمایند.

س

- کسی که سرمایه و مستغلات اولیه او متعلق خمس بوده و یا سرمایه و مستغلات اولیه او متعلق خمس نبوده ولی آنها را از چیزی که متعلق خمس بوده زیاد کرده و خمس آنها را نداده و با آنها کسب کرده و چند سال باین طریق گذشته و بعضی اشیائی که مؤنه محسوب می‌شود و بعضی دیگر که مؤنه محسوب نمی‌شود از کسبش تهیه کرده تکلیف او چیست؟.

ج

- سرمایه، خمس دارد مگر آن که از چیزی تهیه کرده باشد که متعلق خمس نیست و زیاد کردن سرمایه نیز مثل اصل سرمایه است، و چیزهایی که تهیه نموده اگر از مؤنه است و یقین ندارد به این که قیمت آن متعلق خمس بوده اداء خمس آن، واجب نیست بلی احتیاط، به اداء خمس آن یا مصالحه با مستحقین آن، خوب است و آن چه زائد بر مؤنه است باید خمس آن داده شود.

س

- شخص زارع، مقداری زمین زراعتی و تعدادی اصله نخل خرما حدود پانزده هزار تومان در مدت چند سال تدریجا از درآمد همان زمین و نخل و بعضی اوقات از وام گرفتن از بانک دولتی خریده و نقدی هم نداشته که یک سال بر آن گذشته باشد و سال خمس هم نداشته و از درآمد کشت زمین و محصول نخل، در این مدت، بطور متوسط امرار معاش می‌کرده در این صورت آیا به زمین و نخل و منزل مسکونی و اثاثیه خانه - که تدریجا در سالهای گذشته بطور قرض و نقد خریده و اکنون اگر بخواهد از قیمت زمینها و نخلها و منزل مسکونی و اثاثیه خانه، خمس پرداخت کند ممکن است لطمه به زندگیش برسد - خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، منزل مسکونی و اثاثیه خانه و لوازم مورد احتیاج زندگی، خمس ندارد ولی زمین زراعتی و نخلها و اثاث زراعت، از سرمایه، محسوب است و باید خمس آن داده شود. بلی آن چه از وجه آنها که قرض است تا اداء نشود مقابل آن خمس ندارد.

س

- ماشین و موتور سیکلت و یا دوچرخه که جهت سواری و یا برای

صفحه : ۲۹۰

کسب، خریداری شده متعلق خمس است یا جزء مؤنه؟.

ج

- اگر برای کسب باشد جزء سرمایه است و خمس آن را باید بدهد و اگر برای سواری است جزء مؤنه است و خمس ندارد.

س

- آیا مقصود فقهاء کثر الله أمثالهم از وجوب یا احتیاط در دادن خمس سرمایه و مستغلات و آلات کسب این است که از ابتداء شروع به کسب باید خمس آنها را بدهد یا بعد از گذشتن سال؟ و بر فرض این که مقصود، ابتداء سال باشد اگر کسی تا آخر سال، خمس آن را نداده باشد تکلیفش چیست؟.

ج

- سرمایه و آلات کسب، حکم سائر ارباح را دارد چنانچه یک سال بر آن گذشته باید خمس آن را بدهد و تأخیر نیاندازد و تأخیر اداء خمس آن نیز مثل تأخیر اداء خمس سائر ارباح است.

س

- زمینی که از اراضی موات بوده، شخص، حیازت کرده مخارج زیادی هم نموده و آن را آباد کرده آیا منافع آن زمین متعلق خمس است یا خیر؟ و در صورت فروش این زمین باید خمس آن را بدهد یا نه؟ و هم چنین مخارج آباد کردن را باید کسر نماید یا نه؟.

ج

- اگر زمین مذکور را بصورت باغ درآورده تا از میوه آن خود و خانواده‌اش مصرف نمایند و منظور فروش میوه نبوده و زائد بر حاجت او نیز نباشد خمس ندارد. بلی چنانچه آن را بفروشد، زائد بر قیمت اولین سالی که بصورت باغ در آمده و مورد استفاده قرار گرفته، از منافع سال فروش محسوب است که اگر تا آخر آن سال صرف در مؤنه نشود، خمس دارد و اگر زمین را به منظور زراعت آباد کرده چه بفروشد و چه نفروشد خمس آن واجب است و مخارجی را که برای آباد کردن زمین نموده اگر از مال خمس داده بوده می‌تواند آن مبلغ را کسر نماید.

س

- شخصی طلا فروشی دارد، در سال ۱۳۶۰ مقدار طلا هزار و ششصد مثقال بوده، که به قیمت روز (مثقالی ۵۰۰ تومان) خمس آن را داده و در سال ۱۳۶۱ وزن طلا کم شد و به ۷۵۰ مثقال رسید، و قیمت، مثقالی ۱۳۰۰ تومان بود یعنی وزن طلا کم و قیمت بالا بود ولی خمس آن را داده، و در سال ۱۳۶۲ وزن طلا ۶۷۰ مثقال شد و قیمت، مثقالی ۱۶۵۰ تومان و چون خانه مسکونی

صفحه : ۲۹۱

بنا کرده بود و از طرفی هم، وزن طلا کم بود، خمس نداده و در سال ۶۳ وزن طلا ۷۱۰ مثقال شد و قیمت مثقالی ۲۳۵۳ تومان که اضافه طلا فقط ۴۰ مثقال بوده و خمس آن را داده و در سال ۶۴ وزن طلا ۷۲۸ مثقال شد و قیمت مثقالی ۱۹۲۰ تومان که مبلغ ۳۰۲ هزار تومان، قیمت، از سال قبل کمتر و طلا از جهت وزن ۱۸ مثقال، اضافه بوده، یعنی یک بار طلا کمتر و قیمت بالا بوده و گاهی عکس آن، آیا اجازه می‌فرمایید اصل سرمایه را فعلا وزن طلا قرار دهم چون قیمت تابع سیاست دولت و مراعات مصالح مملکت

است؟.

ج

- در فرض مسأله نظر به این که در موقع حساب، سرمایه بحسب قیمت ملا-حظه می‌شود و خمس نیز بحسب قیمت از غیر سرمایه داده می‌شود و علاوه، عین سرمایه تبدیل بعین دیگری می‌شود، باید سرمایه در موقع حساب بحسب قیمت ملاحظه شود و چنانچه از سال گذشته چیزی اضافه بر قیمت سال سابق دارد خمس اضافی را باید بدهد گر چه بحسب وزن کمتر باشد و اگر اضافه نشده، چیزی بر ذمه او نیست گر چه بحسب وزن اضافه داشته باشد.

س

- بنده از درآمد سالیانه تقریباً یک هزار متر مربع زمین جهت کارگاه و محل کسب و توسعه آن خریداری نمودم، اکنون سال خمس بنده رسیده است و از طرفی هم زمین مذکور در مسیر خیابان واقع شده، و دولت نمی‌گذارد که در آن تصرف نمایم. با توجه به این که ممکن است کل زمین را خیابان بگیرد، یا مقداری از آن باقی بماند، ولی فعلاً اصل زمین موجود است، در این صورت آیا پول اولیه زمین که تقریباً چهار صد هزار تومان می‌باشد باید الان تخمیس شود یا خیر؟.

ج

- در صورت مفروضه اگر تمام زمین خیابان شد در حکم تلف است و خمس ندارد و اگر چیزی باقی ماند خمس باقی مانده به قیمت فعلی لازم است.

س

- شخصی با ۲۵ هزار تومان سرمایه که خمس آن را نداده، چند سال معامله نموده و در این مدت، سرمایه و سود ۲۰۰ هزار تومان شده، ۱۰۰ هزار تومان آن را خرج منزل مسکونی خود نموده و ۱۰۰ هزار تومان، باقی مانده، چقدر خمس باین شخص واجب است؟.

ج

- در فرض مسأله اگر تمام دویست هزار تومان سال بر آن گذشته و بعد

صفحه : ۲۹۲

مقداری از آن را صرف منزل کرده، همه‌اش خمس دارد، و اگر در بین سال دخل، صرف منزل شده آن مقدار که صرف منزل شده خمس ندارد.

س

- موزائیک نمودن مغازه یا خرید لوازم آن از قبیل صندوق و تلفن و غیر آن - از چیزهایی که لازم است - در وسط سال، جزء سرمایه حساب می‌شود و خمس دارد یا نه؟.

ج

- صندوق و تلفن و نظائر اینها که اعیان آنها باقی است جزء سرمایه محسوب و باید خمس آنها را داد اما تعمیر مغازه اگر طوری باشد که در ازاء آن چیزی نماند و از بین رفته، حساب شود از مخارج کسب، محسوب است و خمس ندارد. لکن اگر موجب افزایش قیمت مغازه یا زیادی مال الاجاره آن گردد که نفع آن عائد خرج کننده شود خمس مقداری را که به قیمت مغازه از جهت تعمیرات و غیرها افزوده شده - نه از جهت قیمت سوقیه - باید بدهد.

س

- زمینی است که در آن تلمبه نصب کرده‌اند. شخصی یک دانگ از آن تلمبه را بمبلغ پانزده هزار تومان می‌خرد و سه هزار تومان هم بابت ده یک به مالک می‌دهد. آیا این سه هزار تومان، از پانزده هزار تومان کم می‌شود یا خمس همه پانزده هزار تومان را باید بدهد؟.

ج

- اگر پولی که به مالک داده و مصرف خرید چاه نموده متعلق خمس بوده است باید خمس تمام آن پول را بدهد و اگر از عوائد بین سال بوده باید خمس قیمت فعلی چاه و تلمبه را پردازد.

س

- زمینهای غیر مزروعی و بلا مالک (اراضی اموات) که شخص، آنها را جهت زراعت، احیاء کرده خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه و علی فرض تعلق خمس، آیا خمس قیمت قبل از احیاء را باید بدهد یا خمس قیمت بعد از احیاء را؟.

ج

- بلی خمس، به آن تعلق می‌گیرد و خمس بعد از احیاء را باید بدهد.

س

- تصرف و نماز در زمینهای خالصه که دولت در اختیار مردم گذاشته یعنی به آنها فروخته که به اقساط، وجه را از آنها دریافت بدارد چه صورت دارد؟ چون سابقه این زمینها برای اکثر مردم مجهول است و اقساطی که بعنوان

ج

- اگر مسبوق به معلوم الغصبیه نباشد مجازند در تصرف، و هر مقداری که بعنوان قیمت آنها از عوائد خود پرداخته‌اند خمس معادل آن از زمین را باید بدهند.

س

- شخصی ملکی را خریده که در آن، زراعت گندم و جو برای مصرف خانوادگی می‌کند و چیزی از محصول آن را نمی‌فروشد آیا خمس این ملک را باید بدهد یا نه؟

ج

- بلی، خمس آن را باید بدهد.

س

- زارع مقداری زمین زراعتی را می‌خرد تا از مَنّت غیر، نجات یابد آیا این زمین، جزء مؤنه است یا باید آن را تخمیس نماید؟

ج

- زمین زراعت، جزء سرمایه است و بنظر حقیر خمس سرمایه، واجب است.

س

- موتور آلانی را انسان، معامله می‌کند. پیش قسط آن از مال مخمس و بعد بقیه قیمت آن را می‌پردازد. آیا قسطهای بعدی را که پرداخت می‌کند باید خمس آن را بدهد یا نه؟

ج

- در فرض مسأله، اقساط بعد را اگر از مال خمس نداده بدهند خمس معادل آن از موتور آلات را باید بپردازند نهایت هر مقدار تا موقع اداء قسط از موتور کسر شد جز مؤنه است که خمس آن مقدار لازم نیست.

س

- شخصی است که قنّاء آبش خشک شده و برای شدّت احتیاج به آب، چاه عمیق زده و در ضمن، دارای حساب سال هم هست. آیا این چاه که به وسیله موتور یا غیر موتور، آب می‌دهد، جز سرمایه، محسوب است یا از مؤنه و اگر جزء سرمایه باشد باید روز خرید را حساب کند یا روز سال را؟

ج

- جزء سرمایه، محسوب است و باید خمس قیمت سر سال را بدهد.

س

- شخصی است کاسب و جهت نگاهداری اجناس و لبتیات، یخچال و لوازم دیگر می‌خرد، آیا این لوازم، جزء مؤنه است و یا جزء سرمایه؟.

ج

- اشیاء مذکوره که برای لوازم کسب، خریده شده جزء سرمایه محسوب و تخمیس آن، واجب است.

صفحه : ۲۹۴

س

- شخصی در یک قطعه زمین بمقدار دویست متر، با دیگری شریک است و مشترکا مشغول بناء ساختمان شدند و فعلا هم در آن، ساکن می‌باشند و مبلغ بیست و هشت هزار تومان مشترکا خرج کرده‌اند و هنوز سهام مخارج ایشان معلوم نشده و در این ساختمان، دو اتاق و یک آشپزخانه و پنج باب دکان احداث و به اجاره داده شده، آیا به این مغازه‌ها و مخارج خانه مسکونی، خمس، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- باید خمس قیمت فعلی مغازه‌هایی را که احداث نموده‌اند بدهند و نسبت به مخارجی که برای خانه مسکونی کرده‌اند اگر احتمال می‌دهند سال بر آن نگذشته چیزی واجب نیست.

س

- زارعین بعنوان کارافه یا حق طبر تراشی، املاکی را در تصرف دارند و همه ساله - این زمین را زراعت بکنند یا نکنند- باید بهره مالکانه به مالک بدهند و رسم است که حق مزبور را بغیر می‌فروشند حال این خرید و فروش، شرعا به چه عنوان صحیح است و دیگر این که خمس هم به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟ و هم چنین اگر زارع، فوت کرد این حق به ورثه، منتقل می‌شود و زن هم از این حق-ارث می‌برد یا نه؟.

ج

- واگذار کردن این حق، بعنوان مصالحه، صحیح و خمس به آن تعلق می‌گیرد و اگر زارع، فوت شد این حق به ورثه، منتقل

می‌شود و زن هم از این حق، ارث می‌برد.

س

- آغل گوسفندان و جایگاه حیوانات، جزء سرمایه است یا جزء لوازم زندگی و ما یحتاج می‌باشد؟.

ج

- اگر گوسفند، سرمایه است آغل هم جزء سرمایه است و اگر برای مصارف شخصی خانه است جزء مؤنه می‌باشد.

س

- چهل سال قبل مقداری زمین مباح بلا معارض اطراف آبادی را بقصد تصرف، تحجیر و حیازت نموده سپس به ثبت رساندم و امروز مالک آن هستم. پولی که بابت اجرت تحجیر و حفر چاه و هزینه ثبت پرداخته‌ام مخمس بوده اکنون زمین گران شده و خیلی بیش از مبلغی که خرج کرده‌ام ارزش دارد. آیا ترقی

صفحه : ۲۹۵

قیمت سوقیه آن، خمس دارد یا نه؟ و در صورت تعلق خمس، پس از فروش، پرداخت نمایم یا هم اکنون ارزیابی نموده خمس آن را پردازم؟.

ج

- در فرض مسأله اگر اراضی مزبوره را بقصد تملک احیا کرده‌اید فعلا خمس به آنها تعلق گرفته و باید هم اکنون ارزیابی نموده و خمس آن را بدهید و اگر قبل از فروش خمس آن را پردازید باید خمس ثمن را پردازید و در این صورت باید حاکم شرع فروش مقدار خمس را اجازه نماید و در هر دو صورت مقداری را که بابت اجرت تحجیر و غیره از پول مخمس داده‌اید کسر نمایید.

موارد تعلق یا عدم تعلق خمس به خانه

س

- کسی خانه‌ای دارد، قسمتی از آن را اجاره داده و قسمت دیگر را خودش ساکن است آیا این قسمت مورد اجاره، خمس دارد و یا چون اصل خانه، مورد احتیاج بوده اصلا خمس ندارد؟.

ج

- اگر مقداری که اجاره داده زائد بر احتیاج باشد خمس دارد و اگر مورد احتیاج است خمس ندارد.

س

- در صورت وجوب خمس، فقط قیمت اطاقهایی که اجاره داده حساب کند یا به سهم اطاقها از قیمت حیاط و حوض و برق و سائر لوازم منزل هم باید خمس داده شود؟.

ج

- باید دو اطاق را با توجه به حق استفاده از اشیاء مذکوره در سؤال حساب کند.

س

- شخصی خانه‌ای دارد که والدهاش دو دانگ آن را به او صلح کرده و او هم یک دانگ آن را مهریه عیالش قرار داده و نیز یک دانگ دیگر را والدهاش به او صلح کرده مشروط بر این که تا خودش زنده است اختیار فسخ داشته باشد. پس از فوت والدهاش آن یک دانگ دیگر هم به او رسیده و در این خانه با برادرش شریک بوده و چون برادرش حاضر به تفکیک یا تعمیر نشده و از این نظر در زحمت بوده خانه دیگری خریداری نموده و نصف پول آن را از منافع سال جاری پرداخته و بقیه آن را قرض الحسنه گرفته که بتدریج پردازد، اکنون به کدام قسمت آن خانه، خمس، تعلق می‌گیرد؟ به یک دانگی که مهر عیالش است که ابتدا از طرف

صفحه : ۲۹۶

والدهاش به او صلح شده تعلق می‌گیرد و یا به دو دانگ دیگر؟.

ج

- بنظر حقیر اگر خانه قبلی، امکان فروش، نداشته به خانه قبلی که در موقع صلح، مورد احتیاج بوده و به خانه ابتیاعی فعلی، خمس تعلق نمی‌گیرد و اگر فروش آن ممکن بوده است خمس قیمت دو دانگ خانه قبلی را باید پردازد و یک دانگی را که صدق زوجیه کرده مطلقاً خمس ندارد.

س

- شخصی خانه مسکونی برای خود و عائله‌اش دارد و چون پسرش در تهران محصل است، جهت سکونت او هم خانه‌ای در تهران بمبلغ سی هزار تومان خریده، آیا باین خانه یا پول آن، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر به نحوی باشد که عرفا این خانه، مورد حاجت شمرده شود خمس ندارد ولی چون اهل عرف بیشتر این گونه احتیاج موقت را برای تحصیل فرزندان‌شان در شهر دیگر با اجاره خانه، رفع می‌نمایند ظاهراً سهم سادات و سهم مبارک امام علیه السلام را از قیمت فعلی خانه باید پردازد.

س

- شخصی، خانه برای زندگی خود دارد و حال در بین سال خود، خانه دیگری طبق مدل جدید بنا نموده و وسائل ساختمانی از قبیل آهن و سیمان و غیره، تهیه کرده و مشغول کار است، مقداری از این وسائل به مصرف رسیده و مقداری باقی مانده، آیا وجوهات به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال که خانه مورد حاجت خود را دارد، به ساختمان نو و وسائلی که سال بر آن گذشته خمس، تعلق می‌گیرد.

س

- شخصی خانه مسکونی یا مؤنه دیگر را که از درآمد بین سال تهیه کرده است پس از چند سال می‌فروشد که خانه دیگری خریداری نماید. لطفاً مرقوم فرمائید تکلیف خمسش نسبت به اصل پول که مؤنه با آن تهیه شده است و سودی که پس از فروش بدست آمده چیست؟.

ج

- قیمت اصل خانه خمس ندارد و مقدار ترقی قیمت اگر در همان سال فروش به مصرف مؤنه برسد خمس ندارد و چنانچه سال بر آن بگذرد و به مصرف مؤنه نرسد باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی خانه مسکونی خود را فروخت که خانه دیگر بخرد،

صفحه : ۲۹۷

پولش را چند ماه به کسب زد و سود برد و قبل از سال، خانه خرید. تکلیفش نسبت به اصل پول و سود چیست؟ خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض مذکور خمس واجب نیست.

س

- اگر ساختمانی با لوازم متعلقه به آن از پول ذخیره سالهای قبل، تهیه شود تکلیف خمس آن چیست؟.

ج

- اگر پول ذخیره از سالهای قبل را صرف ساختمان خانه مسکونی و لوازم متعلقه به آن کرده باشد خمس آن پول را بدهد.

س

- زمینی است که به قیمت ۳۵۰۰ تومان خریده شده و بعد ساختمان شده است و الآن چهل هزار تومان، ارزش دارد و خمس قیمت خرید، پرداخت گردیده اکنون که قصد فروش آن زمین را دارند به قیمت فعلی آن که چهل هزار تومان است خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر برای سکونت، ساخته‌اند و از سکونت در آن، منصرف شده‌اند خمس پولی را که صرف ساختمان آن کرده‌اند بدهند و هر وقت آن را فروختند خمس ترقی قیمت آن را در صورتی که ما زاد بر مؤنه سال باشد ادا کنند.

س

- شخصی ساکن ده است و در تهران هم خانه‌ای دارد دارای هفت اطاق، دو اطاق آن - برای مواقعی که به تهران می‌رود - تحت اختیار خود او است و بقیه اطاقها در دست مستأجر است آیا خمس، به خانه مزبور، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که دو اطاق، بر حسب شأن، مورد احتیاج باشد و از مؤنه، محسوب شود خمس ندارد و در بقیه آن، خمس، واجب است.

س

- شخصی خانه‌ای جهت سکونت خود خریده، و مورد احتیاج اوست ولی فعلاً در اجاره دیگری است و مستأجر، تخلیه نمی‌کند آیا پولی که در مقابل این خانه، داده اگر از منافع خمس نداده باشد، خمس آن را باید بدهد یا این که چون در مقابل این خانه داده جزء مؤنه است؟.

ج

- در فرض مسأله، خمس ندارد، مگر آن که از سکنی گرفتن در آن، منصرف شود.

صفحه : ۲۹۸

س

- هر گاه کسی خانه‌ای دارد موافق شأن و در آن ساکن است حال به جهت ترمیم معاش، می‌خواهد آن را بفروشد و خانه ارزانی بخرد و از بقیه وجه آن، استفاده امور معاش خود نماید، در این تبدیل و تبدل وجوهاتی تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ضمناً مقداری از این وجه را در بانک می‌گذارد و از بانک بهره می‌گیرد و استفاده می‌کند اصل استفاده از بانک و بهره‌ای را که از بانک می‌گیرد چه صورت دارد؟.

ج

اگر منزل قبلی مورد حاجت او بوده است به قیمت آن که به مصرف خرید خانه دیگر رسیده و به زیادی آن که رأس المال قرار داده و یا در بانک گذاشته، خمس تعلّق نمی‌گیرد ولی اگر خانه قبلی را به بیش از قیمت خرید فروخته باشد، زائد بر قیمت خرید از عوائد سال فروش است که اگر در آن سال صرف مؤنه نشود خمس دارد و آن چه را که در بانک می‌گذارد و شرط سود نمی‌کند و بانک خودش چیزی می‌دهد علی‌الظاهر اشکال ندارد و اگر به منظور سود گرفتن به بانک می‌دهد گرفتن سود حرام است.

س

کسی برای سکونت خود تدریجاً خانه‌ای ساخته هر سال، مقداری از درآمد آن سال را صرف یک قسمت این خانه نموده، آیا همه آن چه صرف این خانه شده مؤنه، حساب می‌شود و خمس ندارد یا آن چه را که در سال آخر - که استفاده از خانه می‌نماید - خرج کرده خمس ندارد؟.

ج

عوائدی که در سال سکونت خود، صرف در آن خانه نموده خمس ندارد و لکن عوائدی که در سالهای قبل، مصرف نموده خمس دارد. بلی اگر مقداری مصالح، خریداری نموده و مشغول بنایی است و در این بین، سال خمس او حلول نموده بعید نیست که خمس نداشته باشد لکن احتیاط، خوب است ولی اگر بغیر این طریق نمی‌تواند خانه مورد احتیاج را تهیه کند خمس ندارد.

س

کارمند یا کارگری در مؤسسه یا شرکتی مشغول کار است و در خلال مدّت اشتغالش از طرف مؤسسه، خانه‌ای با تمام تجهیزات، بعنوان اجاره یا مجّانی در اختیارش گذارده‌اند، ولی چون خانه شخصی ندارد خانه‌ای از درآمد خود تهیه می‌کند که پس از بازنشستگی، به خانه خود برود آیا این خانه، خمس دارد یا جزء مؤنه، حساب می‌شود؟.

صفحه : ۲۹۹

ج

چون فعلاً مورد حاجت او نیست باید خمس آن را بدهد.

س

اگر در ضمن سال خمس، خانه‌ای که مورد احتیاجش هست بخرد ولی تا اوّل سال جدید، فروشنده، منافع خانه را در این مدّت،

برای خودش استثنا کرده باشد به طوری که خریدار فعلاً نتواند از خانه، استفاده کند آیا این خانه، جزء مؤنه امسال محسوب می‌شود یا این که باید خمس خانه را بدهد؟.

ج

- اگر تا اول سال جدید خمس، یا کمی بعد از آن را استثنا کرده باشد به طوری که عرفاً بگویند لازم است فعلاً پول خانه را بدهد بعید نیست از مؤنه سال جاری، محسوب شود، لکن اگر مدّت زیادی بعد از گذشتن سال خمس، خانه را تحویل می‌گیرد باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی خانه‌ای جهت سکونت خود و خانه‌ای هم برای اجاره دادن و جزء سرمایه کسب، دارد هر گاه خانه مسکونی خودش را بفروشد که برای سکونت خود، خانه دیگر بخرد و هنوز خانه، خریداری نشده سال خمس او می‌رسد که باید حساب نماید و خمس عایدی خود را پردازد، آیا خمس این پولی را که برای خرید خانه در محل مناسب با کسب خود نگهداشته باید پردازد؟.

ج

- در فرض مسأله، معادل مبلغی که خانه مسکونی را به آن مبلغ خریده خمس ندارد و از ترقّی قیمت، هر مبلغ که در سال فروش، صرف خرید خانه مسکونی و مؤنه دیگر گردد خمس ندارد و خمس ما زاد بر مؤنه مثل فوائد دیگر باید پرداخت شود و خانه‌ای را که اجاره می‌دهد، سرمایه است و به نظر حقیر خمس آن لازم می‌باشد.

س

- شخصی مبلغ یک صد هزار تومان مال مخمس موجودی دارد، این مبلغ مخمس را در آخر سال اول و در سال دوم مصرف خانه جدید البنا نمود و در خلال سال دوم بناء خانه تمام نشد. سر سال، یک صد هزار تومان دیگر مصرف خانه شد یعنی خانه جدید البنا و سال سوم نیز مبلغ یک صد هزار تومان مصرف همین خانه جدید البنا نمود و در آن ساکن شد و البتّه خانه مسکونی قدیمی نیز داشت و در آن ساکن بوده است و جدیداً به خانه جدید البناء مذکور منتقل شده است، آیا این مبالغ سال دوم و سوم که مصرف خانه جدید البنا نموده باید تخمیس شود یا خیر؟ و آیا

صفحه : ۳۰۰

بعد از ساکن شدن در خانه جدید، خانه قدیم را باید به قیمت درآورد و آن را مخمس نماید یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر خانه جدید مورد حاجت او است و وقفه‌ای در ساختمان آن حاصل نشده فقط معادل قیمت فعلی خانه قدیمی بعد از کسر یک صد هزار تومان وجه مخمس باید تخمیس شود.

س

- کسی خانه‌ای دارد که در آن زندگی می‌کند، و صاحب اولاد می‌باشد که با ازدواج نمودن یکی از آنها که وقت ازدواج او می‌باشد و محل سکونت می‌خواهد در مضیقه قرار می‌گیرد، اکنون مدت سه سال است که خانه‌ای آبرومندتر و بزرگتر می‌سازد که بعد از تمام شدن آن به خانه جدید برود آیا این خانه جدید خمس دارد یا خانه قدیم اگر بفروشد یا هیچ کدام؟.

ج

- بقدر قیمت خانه قدیمی خمس واجب است و زائد بر آن چون محل حاجت است خمس ندارد.

حکم باغ و اشجاری که برای مصرف شخصی یا فروش میوه یا اشجار، احداث یا خریداری شده

س

- شخصی بیست قفیز زمین خمس داده را باغ انگور کرده جهت تجارت که از محصول آن، استفاده تجارتي نماید آیا خمس به این باغ، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- خمس درختهای انگور و تفاوت قیمت زمین که به واسطه کار- در آن زمین - از قبیل تسطیح و هم چنین دیوار کشی و امثال آن، حاصل شده باید بدهد ولی اگر قیمت زمین به واسطه ترقی سوقيّه زیادت‌تر شده باشد تا نفروخته خمس آن، لازم نیست.

س

- در محلی، کشاورزان به منظور درآمد و فروش محصول، احداث باغ می‌کنند و چون زمین زراعتی ایشان جهت گندم کاری، کم است ممکن است در بعضی از اراضی، وقتی احداث باغ شد ترقی قیمت پیدا نشود یعنی باغ، و زمین بدون اشجار، یک قیمت باشد در چنین مورد، رشد و نمو و قیمت اشجار، خمس دارد یا نه؟.

صفحه : ۳۰۱

ج

- در فرض سؤال اگر زمین، مال خود احداث کننده باغ است خمس قیمت فعلی زمین و باغ را بدهد کافی است و پس از آن اگر نمو جدیدی پیدا کرد خمس آن نمو را نیز باید بدهد و اگر زمین، از دیگری است که به اذن مالک یا اجاره زمین از او احداث باغ در آن کرده در این صورت باغ را بدون زمین، قیمت کنند و خمس آن را بدهند و بعد هم خمس نمو آن را ادا نمایند و اگر زمین ملک خودش باشد و خمس آن را قبلاً داده و حال که باغ کرده به واسطه احداث باغ، بر قیمت آن چیزی افزوده نشده خمس ندارد.

س

- شخصی فوت نموده و اشجاری داشته که می‌دانیم خمس نمو آنها را نداده آیا خمس این اشجار را باید بدهند و یا خمس نمو آنها را؟.

ج

- در فرض سؤال خمس نمو اشجار را بدهند کافی است.

س

- کسی که حساب سال ندارد، زمین موروثی خود را با قرض بصورت باغی درآورده، که از فروش میوه آن گذران کند، پس از حدود بیست سال، درآمد میوه باغ از خرج زندگی اضافه آمده است، حالا که تازه می‌خواهد حساب سال قرار دهد، آیا اصل باغ از حیث نمآت و ترقی ساقیه هم باید حساب شود، یا فقط درآمد آن باید تخمیس شود؟.

ج

- در فرض سؤال اصل زمین خمس ندارد و امّا اشجار موجود که علی‌الفرض به ثمر رسیده اگر قرض آن، پرداخت شده و در مقابل آن بدهکار نیست خمس آن واجب است و راجع به ثمره باغ، آن مقدار که در سال به مصرف خوراک خود و عائله برسد یا با فروش به مصرف مؤنه سال برساند خمس ندارد، و زائد بر مؤنه خمس دارد.

س

- اگر کسی زمین زراعتی خود را تبدیل به باغ نموده و اطراف باغ را با سیم کشی، حصار کند در این صورت نهالهایی که از عوائد بین سال، خریداری کرده و غرس نموده در آخر همان سالی که برای خمس، داشته باید تخمیس کند یا برای آنها سال خمس جداگانه قرار دهد یا چون احداث باغ، به منظور استفاده از میوه آن است نه فروش، باغ اصلاً مورد تعلق خمس نیست و هکذا قیمت سیمها را باید تخمیس کند یا نه؟.

صفحه : ۳۰۲

ج

- اگر برای مصرف شخصی است خمس ندارد و اگر برای فروش میوه آن است باید خمس نهال و سیم کشی و تفاوت قیمت زمین که به واسطه اصلاح آن، جهت باغ حاصل شده است بپردازد و در فرضی که از عوائد بین سال، صرف نهال و سیم کشی نموده باید در آخر همان سالی که خود داشته خمس آن را بدهد.

س

- شخصی از اول تکلیف، خمس نداده و زمینی را خریده و در آن، باغی جهت امرار معاش و زندگی خود و عائله‌اش - نه به قصد فروش و تجارت - احداث کرده حال می‌خواهد خمس اموال خود را ادا نماید در این صورت فقط باید قیمت خرید زمین را بحساب بیاورد یا قیمت نمو درختهای مثلاً مو را نیز بحساب بیاورد با توجه به این که پول محصول آن باغ، بر مؤنه سالیانه‌اش زیادی ندارد؟.

ج

- اگر زمین را از عوائد سال، خریده و احداث باغ کرده برای این که میوه آن را بفروشد، باید خمس زمین و مو و اشجار آن را پردازد و بعد هم هر چه نمو پیدا کند باید خمس آن را ادا نماید ولی به ترقی قیمت سوقی زمین و اشجار، بعد از اداء خمس، تا نفروخته خمس تعلّق نمی‌گیرد، و اگر باغی احداث کند برای مصرف شخصی - نه برای فروش میوه آن - اگر زائد بر حاجت شخصی نباشد خمس ندارد.

س

- باغهایی را جهت غرس انگور و میوه‌های دیگر برای استفاده شخصی و فروش، احداث می‌کنند در صورتی که آن ملک، موروثی باشد و یا خمس نداشته باشد مو و اشجارش اگر، زائد بر حاجت باشد، خمس دارد یا نه؟ و میزان احتیاج در باغ، تا چه اندازه است؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس مو و اشجار را بعد از رسیدن به ثمر باید بدهند و میزان احتیاج در باغ، آن مقداری است که برای مصرف خود و عائله‌اش به آن محتاج باشد و این مقدار، جزء مؤنه است و خمس ندارد.

س

- شخصی باغی خریده که جزء مؤنه زندگیش باشد و از میوه‌اش استفاده کند و ممکن است در بعضی سنوات، مقداری انگور، بیشتر از مصرف خوراک منزل داشته باشد و آن را بفروشد آیا این باغ، جزء مؤنه زندگی او است و خمس ندارد یا آن که باید تخمیس شود؟.

صفحه: ۳۰۳

ج

- اگر باغ، زائد بر مؤنه نیست و اتفاقاً در بعضی از سنوات محصول زیادتر از مصرف شخصی می‌دهد تخمیس آن، واجب نیست، بلی میوه‌ای که زائد بر مصرف شخصی است اگر عین یا قیمت آن در بین سال صرف مؤنه نشود باید تخمیس شود.

س

- اشجار غیر مثمره که منظور، استفاده از خود آنها است و برای مصرف خانوادگی می‌باشد باید تخمیس شود یا نه؟.

ج

- اگر در سالی که موقع قطع آنها است بیندازد و به مصرف زندگی برساند خمس ندارد. ولی اگر از آن سال، تأخیر انداخت خمس آن را باید بدهد.

س

- شخصی باغی را - برای آن که خود و عائله‌اش از میوه آن استفاده نمایند- بخرد و یا احداث کند آیا پولی که مصرف باغ شده خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد مگر آن که قبلاً به آن پول، خمس تعلق گرفته باشد.

س

- کسی که پنجاه سال از عمرش گذشته و از درآمد کسب خود تدریجاً دارای اموال و باغهایی گردیده و تا کنون برای خود، سال، تعیین نکرده و خمس هم نداده حالا- می‌خواهد اموال خود را تخمیس نماید آیا خمس همان مبلغ را که تدریجاً از منافع کسب، جمع نموده، و در بیست سال قبل به مصرف خرید باغ رسانیده باید بدهد و یا قیمت فعلی باغ را؟ مثلاً روز اول، باغ را به ده هزار تومان خریده ولی در اثر کوشش و آباد کردن و غرس نهال در آن، به صد هزار تومان رسیده است اکنون کدام یک را حساب کند؟.

ج

- اگر باغ بخرد و آباد کند و قصدش آن باشد که قیمت آن بالا برود و بفروشد باید بعد از آباد شدن، خمس قیمت فعلی باغ را بدهد و اگر خریده و آباد کرده که نگاهدارد و از آن استفاده کند- بدون قصد فروش - باید خمس پولی را که داده و خمس آن چه به آباد شدن، بر آن اضافه شده بدهد و اما ترقی قیمت، اگر معامله را به ذمه انجام داده و قیمت باغ را از پولی که خمس به آن تعلق گرفته بوده ادا کرده ترقی قیمت سوقی، خمس ندارد ولی چنانچه معامله را عین بعین انجام داده و قیمت را از پولی که خمس به آن تعلق گرفته بوده ادا نموده و یا این که قیمت باغ را از عوائد سال خرید، ادا کرده چه معامله را عین بعین انجام داده یا به ذمه، باید قیمت

س

- شخصی مبلغی در سال جاری، مقروض است درختی را که در سالهای قبل غرس نموده می‌فروشد و قرض خود را می‌پردازد آیا وجهی را که از فروش درخت، بدست آورده و قرض خود را با آن ادا می‌کند خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر سال اول، خمس اصل آنها را داده و در همان سال که بحدّ کمال رسیده‌اند بفروشد و به مصرف اداء قرض خود برساند خمس ندارد و لکن اگر اول، خمس آنها را نداده یا در سالهای بعد از حدّ کمال، آنها را قطع نموده یا بفروشد واجب است خمس آنها را بدهد.

س

- شخصی نهال درخت کبود و تبریزی و مانند آنها را می‌کارد و موقعی که بحدّ رشد رسید و وقت قطع کردن آنها شد آنها را قطع می‌کند و صرف در مؤنه می‌کند و در ضمن خمس نهال آنها را نداده آیا باید خمس آنها را بدهد یا خیر؟.

ج

- در مورد سؤال چنانچه عین آنها صرف در مؤنه شود خمس ندارد اگر چه خمس نهال آنها را نداده باشد ولی اگر آنها را قطع می‌کند و می‌فروشد و پول آنها را صرف در مؤنه می‌کند چنانچه خمس نهال آنها را داده باشد چیزی بر او نیست ولی اگر خمس نهال آنها را نداده باشد باید خمس آنها را بدهد.

نگهداری احشام بعنوان سرمایه یا مصرف شخصی

س

- شخصی قریب ده سال است مالش را تخمیس نموده، و اما حساب سال، نگاه نداشته و از جمله اموالش چند رأس گاو و گوسفند است اکنون مجدداً در صدد تخمیس، می‌باشد حال آیا می‌تواند فقط از اضافه تعداد گاو و گوسفند سابق، وجوه بدهد یا باید از تمام موجودی بدهد؟.

ج

- اگر آنهایی که سابق داشته و خمس آنها را داده تلف نشده باشد فقط خمس اضافه را بدهد و هم چنین اگر آنها تلف شده و اینها که باقی است در سال تلف و از ربح سال تلف، تهیه شده باشد. و اما اگر از ربح سال قبل از تلف و یا سالهای بعد از سال تلف تهیه شده خمس تمام را، بدهد و گاو و گوسفند بمقدار شیر لازم زندگی، جزء مؤنه است.

س

- کسی که تعدادی گوسفند بمقدار مؤنه نگهداری کند و بالتبع از بچه و پشم آن، استفاده غیر مؤنه کند باید به نسبت آن فائده، خمس گوسفند را بدهد یا لازم نیست؟.

ج

- لازم نیست.

س

- شخصی که می‌خواهد برای خود سال قرار دهد آیا گوسفند و بزه آن را اگر چه سال آن تمام نشده باشد سرمایه قرار دهد، یا فقط گوسفند را سرمایه قرار داده و بزه آن را تا سال، تمام نشود جزء سرمایه حساب نکند؟.

ج

- می‌تواند گوسفند و بزه را با هم حساب کند و برای مجموع، سال قرار دهد.

س

- صاحبان گوسفندان و گله‌دارها مقداری جو و کاه در زمستان به مصرف گوسفندان می‌رسانند آیا جایز می‌دانید که قیمت جو و کاه مصرف شده را از نمو آنها کسر نموده و باقی مانده را خمس بدهند یا خیر؟.

ج

- اگر از کاه و جو خمس داده مصرف کنند می‌توانند از نمو، این مقدار را کنار بگذارند و خمس باقی را بدهند ولی اگر از ریح خمس نداده در بین سال، مصرف کنند نمی‌توانند کسر بگذارند.

س

- شخصی چند رأس بز دارد و می‌خواهد به حساب خود رسیدگی کند بزغاله‌های آنها هر یک مثلاً بیست تومان قیمت می‌شود و یک سال دیگر هر یکی صد تومان، آیا قیمت فعلی را باید حساب کند یا قیمت بعدی را در حالی که ممکن است تا سال بعد، چند رأس آن را بکشد یا بفروشد؟.

ج

- در این سال، خمس قیمت فعلی را و در سال بعد، خمس نمو آن را بدهد.

س

- نتاج گاو و گوسفند را نگهداری می‌کنند که پس از دو سال مثلاً از شیرش استفاده کنند ولی در ضمن این دو سال، از پشم آنها مثلاً استفاده و رفع احتیاج خود می‌نمایند، در این صورت در عرض این دو سال، خمس به آنها تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر خود آنها مورد حاجت باشند خمس ندارد و منافع آنها اگر زائد بر

صفحه : ۳۰۶

مؤنه باشد خمس دارد.

س

- شخصی صد رأس گوسفند دارد خمس به آنها تعلق گرفته و از هر یک بزه‌ای تولید شده که جمعا دویست رأس فعلاً موجود است می‌خواهد خمس آنها را بدهد باین گوسفندان چقدر سهم سادات و سهم مبارک امام علیه السلام تعلق می‌گیرد؟.

ج

- در فرض مسأله اگر بزه‌ها هم یک سال تمام داشته باشند فعلاً تمام را باید قیمت کنند و خمس مجموع را بدهند و اگر بزه‌ها یک سال، کمتر دارند در اینجا می‌توانند خمس تمام را بدهند و می‌توانند خمس گوسفندها را بدهند و نسبت به بزه‌ها صبر کنند تا آن که یک سال آنها تمام شود آن‌گاه خمس آنها را بدهند.

س

- شخصی دارای صد رأس گوسفند و ده رأس گاو است و خمس آنها را پرداخته و در بین سال، تمام گوسفندان و گاوها را فروخته و وجه آن را صرف مؤنه کرده ولی سر سال، صد عدد بزه و ده رأس گوساله از گوسفندان و گاوهایی قبلی دارد در این صورت باید مجدداً خمس بزه‌ها و گوساله‌ها را از عین یا قیمت آنها بدهد یا این که تا بر عدد گوسفندان و گاوها افزوده نشده یا قیمت آنها بالا نرفته خمس ندارد؟.

ج

- مادامی که بر عدد گوسفندانش افزوده نشده در صورتی که سرمایه را بحسب عدد، معین کرده یا بر قیمت آنها افزوده نشده در صورتی که سرمایه، قیمت آنها باشد خمس آنها واجب نیست.

س

- شخصی حساب احشام و گوسفندان خود را کرد و خمس آن را داد و اکنون هر گوسفندی مبلغی ترقی کرده در این صورت باید قیمت فعلی را حساب کند یا قیمت سال قبل را و هم چنین نسبت به بچه گوسفندها حکم، چیست؟.

ج

- در صورتی که سال گذشته قیمت گوسفند را سرمایه، محسوب داشته همه ساله قیمت کند و خمس اضافه را بدهد ولی اگر هیچ نماء متصل و منفصل نداشته و اضافه، فقط مستند به ترقی قیمت سوقیه بوده در این صورت تا نفروخته خمس ندارد و بچه گوسفندها هم حکم خود گوسفندها را دارد.

صفحه : ۳۰۷

س

- شخصی صد رأس میش یا بز دارد و خمسش را داده سال بعد تعداد گوسفندان همان صد رأس است ولی پنجاه رأس عوض شده آیا این پنجاه رأس خمس دارد یا چون تعداد زیاد نشده خمس ندارد؟.

ج

- در فرض سؤال اگر پنجاه رأس مخمس را معاوضه نموده یا آنها را فروخته و با همان پول پنجاه رأس دیگر خریده و نماء متصل یا ترقی قیمت در موقع فروش پیدا نکرده بوده خمس ندارد و هم چنین اگر صد رأس سرمایه بوده و پنجاه رأس آنها تلف شده یا به مصرف مؤنه رسیده و پنجاه رأس مجدد، از درآمد سال تلف خریداری شده خمس ندارد.

س

- شخصی صد رأس گوسفند دارد قیمت کرده مثلاً صد هزار تومان سال بعد، تعداد، همان صد رأس است ولی قیمت، دویست هزار تومان شده خمس دارد یا نه؟.

ج

- در صورتی که زیادی قیمت در اثر ترقی قیمت سوقیه باشد و از خود گوسفندان خمس داده، زیاده خمس ندارد ولی اگر در اثر نماء متصل قیمت زیاد شده یا از قیمت گوسفندان، خمس داده، خمس زیاده را باید بپردازد.

س

- شخص چشم‌دار باید گوسفندها را جهت اداء خمس، به قیمت درآورد و یا به شماره هم می‌تواند اکتفا کند و اگر به شماره

خمس آنها را داد، سال دیگر هم تعداد آنها بیش از سال قبل نیست ولی مقداری از آنها نتایج گوسفندان مخمس می‌باشد نه خود آنها آیا لازم است خمس بدهد یا نه؟.

ج

- می‌تواند بهر یک از قیمت و عدد، سرمایه را معین کند لکن اگر با عدد تعیین نمود باید خمس نماء متصل آن را بدهد.

خمس مطالبات

س

- ما در شرکت پتروشیمی مستغلات کار می‌کنیم دولت هر ماه مقداری از حقوق ما را کم می‌کند هنگامی که حدود بیست هزار تومان شد یک دفعه آن را بما می‌پردازد دوباره از حقوق ما کم می‌کند مثلاً به ۵۰ هزار تومان می‌رسد و یک باره آن را می‌پردازد و هلمّ جزّا طرز خمس دادن این پولها چگونه است؟ آیا تا بدست آمد خمس دارد یا پس از کسر مؤنه سال و نیز بفرمایید چنانچه شخص در

صفحه : ۳۰۸

آخر سال مبلغ هزار تومان مطالبات داشته باشد آیا آن مبلغ را جزء موجودی خود بحساب آورد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اول، وجه مزبور، جزء درآمد سال دریافت می‌باشد که اگر صرف در مؤنه سال نشود باید تخمیس شود و در فرض سؤال دوم، اگر مطالبات، مدت‌دار باشد جزء درآمد سال وصول محسوب می‌شود ولی چنانچه طوری باشد که اگر مطالبه کند می‌پردازند باید خمس آن را بدهد.

س

- هر گاه حقوقی را که دولت به کارمندان می‌دهد در پرداخت آن تأخیر نماید به طوری که وقتی پرداخت می‌کند سال خمسی کارمند گذشته و حقوق، مربوط به چند ماه از سال قبل باشد بفرمایید آیا دریافتی حقوق سال قبل، از عوائد سال قبل است یا از عوائد سال پرداخت و نیز بفرمایید چنانچه حقوق در موقع خود، بحساب کارمند واریز شده لکن کارمند دسترسی به برداشت آن نداشته تا سال خمسی رسیده چطور؟.

ج

- در مورد سؤال اول، بعید نیست جزء عوائد سال پرداخت باشد و در مورد سؤال دوم، جزء عوائد سال قبل است و باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی چند سال پیش، مبلغی را بعنوان ودیعه به سازمان آب داده - البته مجبور بوده که بپردازد- و بعد از مدت چندین سال، سازمان، پول او را ردّ می‌کند آیا این شخص می‌تواند این پول را جزء درآمد سال حساب کند یا به محض گرفتن، باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس آن را بعد از وصول، باید بدهد.

س

- صاحب مغازه‌ای در موقع حساب، دارای مطالبات از مردم و بدهی به آن‌ها و مقداری نقدینه است آیا نقدینه را از بدهی، کسر نماید و مطالبات را داخل در حساب سال آینده قرار دهد یعنی هر موقع، وصول شد جزء عوائد همان سال حساب کند یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، آن چه مغازه، مقروض است باید از موجودی، کسر شود و آن چه طلبکار است اگر مدّت دارد و مدّت آن، در سال آینده است از منافع سال آینده محسوب است و آن چه مدّت ندارد و فعلاً حقّ مطالبه دارد و برای رفاه حال

صفحه : ۳۰۹

مشتری، مطالبه نمی‌کند باید حساب کند و خمس آن را بپردازد و اگر حقّ مطالبه دارد و مطالبه می‌کند و مدیون نمی‌دهد در حساب بیاورد و هر وقت نقد شد خمس آن را بدهد.

س

- معاملات نسبه که وقت پرداخت ثمن، سال بعد باشد و نیز معاملات نقدی که مهلت داده می‌شود که سال بعد قیمت دریافت شود و قرضی که وقت وصول آن، سال دیگر است جزء ربح سال قبل، حساب می‌شود یا سال بعد؟
و هم چنین اگر به سبب غصب و غیره نتواند تا سال بعد تصرّف در ربح کند چه صورت دارد؟.

ج

- معاملات نسبه که وقت اداء آن در غیر سال ربح است و هم چنین ربح مغضوب، جزء ربح سال وصول، محسوب است اما معامله نقدی که مهلت می‌دهد برای سال بعد، جزء ربح سال قبل، محسوب می‌شود، پس اگر طوری است که با مطالبه، وصول می‌شود باید آخر سال، خمسش را بدهد و اگر با مطالبه نیز، بدهکار نمی‌دهد هر وقت وصول شد خمسش را بدون انتظار گذشتن سال، ادا نماید و هم چنین است حکم در قرض ربح.

س

- مبلغی که به اشخاص بعنوان قرض الحسن داده می‌شود اگر آن را پس ندهند خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله اگر متمکن از پس گرفتن نباشد در حکم تلف است و خمس ندارد بشرط آن که مسامحه در مطالبه نکرده باشد.

س

- شخصی است کاسب مثلاً مقدار یک هزار و دویست تومان، سرمایه نقدی دارد و هزار و هفتصد تومان نسیه در دست مردم، و سال خمس هم دارد فعلاً کاسب مزبور، می‌خواهد بداند که خمس آن نسیه را از سرمایه نقد بدهد یا این که خمس، به نسیه تعلق نمی‌گیرد؟.

ج

- خمس مبلغی را که از مردم می‌خواهد باید بپردازد، لکن واجب نیست از نقد بدهد و می‌تواند صبر کند هر وقت وصول شد وجوهاتش را بپردازد.

س

- شخصی مطالبات کسبی تدریجی - در ظرف شش ماه و یک سال و کمتر و زیاده‌تر - دارد و یقین به وصول تمام آنها ندارد، این شخص برای درآمد

صفحه : ۳۱۰

خود به چه نحوی سال قرار بدهد؟.

ج

- اما مطالباتی که وعده دارد ربح آن، جزء فائده سالی است که معین شده و مطالباتی که وعده ندارد اگر به نحو است که هر وقت، مطالبه کند می‌دهند باید در آخر سال، جزء فائده، محسوب شود و آن چه را که مسامحه در اداء آن دارند هر وقت گرفت، خمس ربح آن را بدهد.

س

- کسی طلبی از دیگری دارد که مدیون، با گذشت چند سال آن را ادا نکرده و بنا هم ندارد که ادا نماید آیا دائن که دسترسی بمال او دارد می‌تواند به اندازه حق خودش از مال او بردارد یا نه؟ و بعد از اخذ مال، آیا بر دائن، اداء خمس آن واجب است یا نه؟.

ج

اگر نتواند به هیچ طریق، وصول نماید جایز است که تقاص کند و بنا بر احتیاط لازم، با اجازه مجتهد جامع الشرائط، تقاص نماید و در فرض سؤال، چون زائد بر مؤنه سال است بعد از وصول، خمس آن را باید بدهد.

س

اجناس چندی بعنوان نسیه، چند ماهه به اقساط، فروخته شده و تا آخر سال خمس، همه اقساط آن پرداخت نشده آیا منافع آن معامله، جزء سال قبل است که معامله در آن واقع شده - و لو همه اقساط، وصول نشده باشد - یا آن که آن مقداری که وصول شده جزء سال قبل و مقداری که وصول نشده جزء منافع سال جدید است؟.

ج

- منافع اقساط بعدی از منافع همان سال بعد، محسوب است.

س

- شخصی که به وسیله روضه خوانی، امرار معاش می کند و حساب سال دارد مبلغی از پول روضه خوانی از اشخاص، طلبکار است و چند روز بعد از رسیدن سال خمس، طلب او را پرداخت کردند آیا این پول از درآمد سال قبل است که باید خمسش را بدهد و یا از منافع سال بعد است که فعلا خمس ندارد؟.

ج

- بعید نیست جزء عوائد سالی که می پردازند باشد، مگر آن که خودش مسامحه در گرفتن، کرده باشد.

حکم خمس در باره کسی که چند رشته کسب دارد

س

- کسی که سال خمس دارد و در بین سال، از معادن و هم چنین

صفحه : ۳۱۱

از کشاورزی و یا شغل های دیگر، استفاده هایی می نماید و نیز گاهی بین سال، انتفاع معدن، به نصاب می رسد و از شغل های دیگرش ضرر کرده و بالعکس از اشجار باغ یا از محصول رعیتی، فوایدی بدست می آورد ولی از رشته معادنش ضرر می کند آیا می تواند از نفع یکی از شغل هایش جبران خسارت شغل دیگر را بنماید یعنی در آخر سال، نفع و ضرر رشته های مختلفش را با هم سنجیده اگر در عین حال، سودی نموده بود خمس همان را بدهد یا نه؟.

ج

- در رشته‌های کسب اگر سرمایه، یکی باشد، می‌شود ضرر یک رشته را در سال، با نفع رشته دیگر، تدارک نمود باین معنی که روی هم رفته در این چند رشته، بعد از سال اگر نفع باقی است خمس بدهد و الا خمس ندارد لکن معدن را حین تملک باید اگر بحد نصاب رسید بعد از مخارج مربوط به معدن تخمیس نماید چه از رشته‌های دیگر نفع کرده باشد، چه ضرر.

س

- شخصی چند رشته کسب دارد مثل این که قالی بافی و زراعت و باغبانی می‌کند و از یک رشته نفع برده و از دیگری ضرر کرده در آخر سال خمس آن را چگونه حساب کند؟.

ج

- احتیاط واجب آنست که خمس آن چه را که زائد بر مؤنه است بدهد و ضرر رشته‌ای از کسب خود را به منفعت رشته دیگر جبران نکند مگر آن که رأس المال در همه، یکی باشد مثل این که وجهی را، در رشته‌های مختلف، سرمایه قرار داده باشد که در این صورت جبران - بنا بر اقوی - جایز است.

س

- اگر کسی برای کسب و حساب اموال، سالی معین نموده و چند روز به آخر سال، مانده از کسب دیگری نفعی عایدش شد آیا در سالی که برای کسب اول، تعیین نموده خمس آن را هم باید بدهد و یا می‌تواند برای کسب دوم، سال دیگری را معین کند؟.

ج

- اگر برای هر دو کسب، سال واحدی دارد باید خمس ما زاد بر مؤنه از هر دو را در آخر سال پردازد ولی جایز است برای هر نوع کسب، سال مخصوصی داشته باشد.

صفحه : ۳۱۲

خمس بذر

س

- کسی که هر سال مقدار معینی گندم، کشت می‌کند در صورتی که خمس آن گندم را در اصل داده باشد هر گاه یک سال بر اثر نیامدن باران، آن گندم را کشت نکند و یا آن که نصف مقدار معین، بیشتر نتواند کشت کند پس از انقضاء سال، لازم است مجدداً خمس کلیه آن مقدار و یا نصف آن را بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس ندارد.

س

- شخصی مقدار صد من گندم مخمس می‌کارد و فعلا هزار من گندم، عوائد آن است اگر بخواهد در سال آینده از این یک هزار من، مقدار یک صد من آن را جهت بذر، استفاده کند آیا باین بذر، خمس، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، بذر مخمس، حکم سرمایه مخمس را دارد و خمس ندارد.

س

- تخمی که در پائیز و بهار به صحرا می‌پاشند و آن تخم هم از محصول سال خود زارعین است خمس دارد یا نه؟ و اگر خمس دارد در سالهای بعد، آن قدری که خمس آن را در سال قبل، داده باز خمس دارد و یا ندارد؟.

ج

- بلی خمس دارد و سال اول که خمس آن را بدهند، آن مقدار، دیگر در سالهای بعد خمس ندارد.

س

- شخص رعیت که تا کنون، سال نداشته و خمس بذر را نداده می‌خواهد مال خود را تخمیس کند فعلا- فصل بهار است آیا می‌تواند از گندم موجودی برای نان خود- تا وقت خرمن - نگاهدارد و یا باید گندم موجودی و بذر را حساب کند و خممش را بدهد؟.

ج

- اگر کسی خمس بذر را بدهد می‌تواند خمس مقدار نان تا وقت خرمن را ندهد.

س

- شخصی زمینی را با کشت گندم آن که تازه سبز شده و مقدار یک خروار بذر آن بوده بمبلغ دویست هزار تومان با پول مخمس خریده بفرماید آیا خریدار پس از برداشت این محصول، هر گاه در سال بعد بخواهد مقدار یک خروار بذر

استثناء کند و خمس بقیه را بدهد و نیز گندمی که زکاة و خمس به آن تعلّق گرفته و داده نشده اگر با همان گندم، زراعت کنند آیا حکم مخلوط به حرام را دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اوّل، بذر مذکور خمس ندارد و خمس بقیه را باید بدهد و در مورد سؤال دوّم، در محصول آن زراعت، ارباب خمس و زکاة شریکند و حکم مخلوط به حرام را ندارد و لکن اگر زکاة و خمس تخمی را که کاشته‌اند بدهند کافی است.

مؤنه خمس ندارد

س

- اگر کاسب از ربح سالش تلفن بخرد جزء ما یحتاج است یا خمس دارد؟.

ج

- تلفن منزل، خمس ندارد و تلفن محلّ کسب، حکم سرمایه را دارد و خمس آن، واجب است.

س

- مالیاتی را که دولت از اشخاص می‌گیرد به چه حساب، می‌توان منظور نمود؟.

ج

- بحساب شرعی، منظور نمی‌شود ولی خمس این مبلغ، بر ذمه او نمی‌باشد.

س

- شخص کارگر، حساب سال ندارد در بین سال مسافرت به مشاهد مشرفه مثل کربلاء یا مشهد می‌نماید آیا لازم است خمس مبلغی را که جهت مخارج این مسافرت، مصرف می‌کند ادا کند یا نه؟.

ج

- اگر منافع سال قبل را به مصرف زیارت، برساند خمس آن واجب است لکن اگر منفعتی را که بدست او آمده قبل از گذشتن یک سال بر آن به مصرف زیارت برساند خمس ندارد.

س

- هر گاه کسی که سال دارد در اوّل سال، خمس وجوه نقدی خود را بدهد و تا سال بعد، احتیاج به مصرف و خرج وجوه مذکوره

پیدا نکند و مبلغی هم بر آن افزوده نماید سالهای بعد، باید خمس تمام موجودی را بدهد یا فقط خمس

صفحه : ۳۱۴

مبلغی را که در آن سال، بدست آورده و به وجوه خمس داده ضمیمه نموده و هر گاه کسی مقداری فرش و ظرف و رختخواب و سایر لوازم زندگی خانه، که مورد لزوم و احتیاج، در بین سال نیست و برای این که فقط در بعضی مواقع مثل مجالس عزاداری و یا مجالس سرور و مانند آن محتاج به دیگران نباشد از پول خمس داده و یا در بین سال از درآمد خود، خریداری نماید و ذخیره کند در سالهای بعد، خمس به آنها تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، فقط خمس زائد را بدهد و به عین پولی که خمس آن را داده ثانیاً خمس تعلق نمی گیرد و هم چنین اگر با آن پول خمس داده، اثاث و لوازم دیگر خریداری نماید و ذخیره کند به آن اثاث، خمس تعلق نمی گیرد خواه مورد احتیاج باشد یا نباشد و اما اگر از عوائد بین سال، لوازم زندگی، را مطابق شأن خود خریداری کند، اگر چه در بین سال، فقط یک دفعه یا بیشتر مورد احتیاج شود از مؤنه محسوب و خمس ندارد و اما اگر طوری است که عاریه یا اجاره نمودن اثاث مورد احتیاج، سالی یک مرتبه مثلاً خلاف شأن او نیست باید خمس آنها را بدهد و در سالهای بعد، خمس ندارد.

س

- شخصی مبلغی از درآمدش را قبل از گذشتن سال، بر آن، داده و خانه‌ای را برای سکونت خود، ببع شرط نموده و پس از گذشتن چند سال همین پول را گرفته و بابت زمین خانه‌ای که برای سکونت لازم داشته است داده، آیا خمس آن را باید بپردازد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس، بر او لازم نیست.

س

- بنده محصّل و پدرم بی بضاعت و از عهده مخارج تحصیل دانشگاه من بر نمی آید، مجبورم دو سه ساعت کار کنم و مخارج تحصیلی خود را تأمین نمایم آیا خمس به این پول هم تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- منافی که بدست شما می رسد و زائد بر مؤنه باشد، باید خمس آن را پس از تمام شدن سال بپردازید.

س

- بنده در حدود سی سال در نزد برادر خود شاگرد بودم. سال گذشته مستقل شدم و خودم حجره باز کردم و در حدود ده هزار

تومان بعنوان سابقه

صفحه : ۳۱۵

کارم از او دریافت کردم آیا این ده هزار تومان وجوهات دارد یا نه؟.

ج

- مبلغی که دریافت نموده‌اید از منافع سال دریافت است که اگر تا آخر آن سال صرف در مؤنه شود خمس ندارد و الا خمس آن واجب است.

س

- اگر کسی خانه مسکونی خود را بفروشد و در مقام خرید منزل دیگری باشد یک یا چند سال بر آن بگذرد آیا آن پول، در حکم خود خانه مسکونی است و خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و یا آن که در حکم غنائم است و اخراج خمس آن، لازم است؟.

ج

- اگر در بین سالی که از منافع آن سال، خانه خریده آن را بفروشد باید آخر سال، خمس آن را بدهد و اگر در سال‌های بعد به فروش برساند، زائد بر قیمت خرید، از عوائد سال فروش است که اگر در آن سال صرف خرید خانه یا هر مؤنه دیگری شود خمس ندارد و الا خمس آن واجب است.

س

- پول مصالح ساختمان که سال روی آن نگذشته باشد خمس دارد یا نه؟.

ج

- قبل از گذشتن سال بر خود مصالح یا پول آن، خمس، واجب نیست و اگر در بین سال، خرید و مشغول بنای مورد حاجت شد بعد از سال هم خمس، واجب نیست لکن هر مقداری از آن به مصرف نرسیده باشد خمس دارد.

س

- شخصی در قم مثلاً یک قطعه زمین جهت منزل مسکونی خود بمبلغ یک هزار و دویست تومان خریداری نموده و خمس این مبلغ را هم داده بعداً در تهران نیز بقصد منزل مسکونی، زمینی می‌خرد و زمین قم را به دو هزار تومان و زمین تهران را هم که دو هزار تومان خریده بود بمبلغ پنج هزار تومان می‌فروشد و یک باب خانه بمبلغ پانزده هزار تومان می‌خرد، آیا به ما زاد پول زمین قم و پول زمین تهران، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ و در صورتی که خرید زمین به قصد منزل مسکونی نبوده حکم آن فرق می‌کند یا نه؟.

ج

- چنانچه زمینها را بقصد تجارت خریده، خمس ما زاد پول زمین قم و همه پول زمین تهران یعنی پنج هزار تومان واجب است و هم چنین اگر بقصد سکنی خریده و بعد از فروش، سال خمس آن رسیده باشد بلی در این صورت چنانچه قبل از

صفحه: ۳۱۶

رسیدن سال، خانه خریده، خمس هیچ یک از ما زاد پول زمین قم و همه پول زمین تهران واجب نیست.

س

- بنده منزلی دارم که مخروبه است، مقداری آجر و سیمان و غیره برای تعمیر آن خریده‌ام و در اثر نداشتن مزد بنّاء، همین طور مانده، بفرمایید آیا سر سال خمس، به این لوازم، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر قبل از رسیدن سال خمس، شروع به تعمیر نموده‌اید، به سیمان و آجر و غیره که جهت تعمیر ساختمان، خریداری شده، خمس تعلق نمی‌گیرد.

س

- کسی پول مکه را کنار گذاشته، ولی یکی دو سال موفق نشده آیا این پول خمس دارد یا نه؟ و اگر این پول را تحویل کسی داد که به نیابت به مکه برود، ولی نائب یکی دو سال موفق نشد آیا خمس دارد یا خیر؟.

ج

- در فرض اول سؤال، خمس واجب است و در فرض دوم، چنانچه آن شخص را اجیر کرده که در همان سال مکه برود، و عمل حج او را انجام دهد، و برای اجیر عذری پیش آمده، و نتوانسته در آن سال حج برود، و حصول عذر، بعد از سال خمس، بوده، خمس واجب نیست، و امّا اگر اجیر نکرده باشد، یا قبل از تمام شدن سال خمس، عذری برای اجیر پیدا شود، صاحب پول، باید خمس آن را بدهد.

س

- چنانچه پولی بابت ضرورتی، بصورت سپرده باشد و سال خمسی فرا رسد، باید خمس آن را پرداخت یا نه؟ مانند کسی که پول اتومبیلی را پرداخته ولی مدتها بعد، نوبت تحویل آن خواهد رسید.

ج

- این مسأله دو صورت دارد یکی این که پول را قبلاً در مقابل اتومبیل می‌دهد یعنی آن را می‌خرد و مثلاً بعد از دو سال تحویل می‌گیرد و دیگر این که پولی را می‌دهد که مشمول قرعه‌کشی گردد و بعد از دو سال مثلاً، قرعه، به نامش اصابت می‌کند و اتومبیل را تحویل می‌گیرد، در فرض اول، چنانچه اتومبیل برای سواری شخصی خودش مورد نیاز باشد خمس ندارد و اگر برای حمل مسافر و بار یا رسیدگی به امور شغلش خریده، خمس آن، به قیمت وقت اداء خمس و به نرخ بازار آزاد،

صفحه: ۳۱۷

واجب است و در فرض دوم، چه برای سواری شخصی و چه برای امور شغلی باشد باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی قطعه زمینی جهت ساختن خانه، خریده بعد آن را فروخته که خانه بخرد و قیمتش از زمان خرید اضافه شده، آیا خمس بر او واجب است یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زمین را در همان سالی که خریده، فروخته و در همان سال خانه خریده خمس بر او واجب نیست و اگر در سال بعد فروخته زیادی قیمت جزء عوائد سال فروش است که اگر تا آخر سال به مصرف خانه نرساند و باقی بماند سر سال باید خمس آن را بدهد و نسبت به قیمت خرید اصل زمین پس اگر با پولی که خمس نداشته یا خمس آن را داده بوده خریده خمس ندارد و الا باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی که مغازه و خانه برای اجاره دادن دارد اگر به تعمیر نیاز داشته باشد می‌تواند این هزینه را جزء مؤنه سال قرار دهد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال چنانچه تعمیرات برای بقاء خانه یا مغازه باشد مثل این که احتیاج به کاه گل دارد یا مثلاً لوله ترکیده و مانند اینها جزء مؤنه است و خمس ندارد، ولی اگر با تعمیرات سرمایه اضافه شود مثل این که مغازه کلنگی را خراب کند و با تیر آهن بسازد و مانند آن خمس آن واجب است.

س

- کسانی که ماشین سواری مورد احتیاج در زندگی می‌خرند و ربطی به شغل آنها ندارد می‌فرمایید خمس ندارد حال بفرمایید چیزهایی که مرسوم است همراه ماشین به خریدار داده می‌شود مانند بعض وسائل یدکی و لاستیک زاپاس و یخ شکن و غیرها و یا خریدار خودش جداگانه اشیاء مذکوره را تهیه می‌کند و ممکن است در عرض سال مورد استفاده قرار نگیرد آیا به آنها خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در مورد سؤال به اشیاء مذکوره خمس تعلّق نمی‌گیرد.

س

- زنی طلای خود را فروخته و به پسرش داده که خانه بخرد و بعد از آن به قیمت روز، همان مقدار طلا به آن وزن برای مادر خود بخرد بعد از مدّتی آن

صفحه : ۳۱۸

پسر فوت نموده، فعلاً بقدر قیمت طلا به قیمت روز به همان وزن می‌تواند از مال پسرش بردارد یا نه، و چون از زینت بودن بیرون رفته آیا خمس دارد؟.

ج

- اگر منظور این است که طلا را قرض داده همان مقدار طلا طلبکار است و می‌تواند از ترکه پسر وصول نماید و اگر منظور این است که طلا را فروخته و قیمت طلا را به پسر خود قرض داده و شرط کرده که به همان وزن طلا بخرد و به او بدهد این شرط مستلزم ربا و حرام است لکن در این صورت نیز بمقدار پولی که داده طلبکار است و می‌تواند از ترکه پسر بردارد و اما نسبت به خمس آن در صورتی که طلا قرض نداده بلکه فروخته و پولش را قرض داده با فرض ترقّی قیمت از روزی که خریداری شده ترقّی قیمت، ربح سال فروش است اگر در بین سال صرف در مؤنه شود خمس ندارد و اگر صرف در مؤنه نشود و سال بر آن ربح بگذرد خمس آن واجب است.

س

- یک نفر خانه‌ای را رهن کرده به پول قرضی و بعد بتدریج قرض مذکور را در مدّت چند سال پرداخت نموده آیا به آن پول که پرداخت شده خمس تعلّق می‌گیرد یا خیر؟ توضیح این که شخص مذکور، خانه لازم دارد و باید با همان پول، بعد از تمام شدن مدّت، خانه دیگری رهن کند یا مدّت رهن خانه مذکور را تمدید کند؟.

ج

- در فرض سؤال، تا زمانی که فک رهن نشده و پول در اختیار رهن است خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد و بعد از فک رهن، هر مقدار، پول در همان سال، صرف مؤنه نشد، باید خمس آن را بدهد ولی اگر از ابتدا، پولی که بابت رهن داده از ارباح باشد و قرضی نباشد، بعد از فک رهن، خمس آن واجب است و فرقی ندارد که در سال فک رهن، صرف مؤنه شود یا نه؟.

س

- مرکبی که از ربح کسب تهیه می‌شود، برای این که سوار شود به تجارتخانه، یا مزرعه یا دکان یا محل کار خود برود، بدون آن که جنس تجارت با آن حمل نماید، خمسش واجب است یا نه؟

ج

- اگر ماشین یا موتور یا چرخ برای سواری شخصی مورد احتیاج باشد، دادن خمس آن واجب نیست، هر چند به محل کار خود با آن رفت و آمد کند.

صفحه : ۳۱۹

س

- شخصی یک رأس ماده گاو دارد، ولی چون عائله‌مند است یک گاو برای مؤنه‌اش کافی نیست، گوساله همان گاو را هم می‌خواهد نگاه دارد برای خودش، خمس به آن گوساله تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، خمس ندارد.

س

- چرخ خیاطی مورد احتیاج، خمس دارد یا نه؟

ج

- چرخ خیاطی اگر فقط برای حاجت خانه باشد (نه برای کسب) خمس ندارد.

س

- شخصی که دارای حساب سال است یک قطعه قالی برای زیر پایش در، بار دارد که مصالح آن را خریده و مقداری از آن هم بافته شده فعلاً سر سال او رسیده است آیا این قالی هم جزء سرمایه، محسوب می‌شود یا نه؟

ج

- در صورتی که برای احتیاج باشد - نه برای فروش - خمس ندارد.

س

- پولی که شخص با آن، خانه رهن کرده و با اجازه صاحب منزل، در آن ساکن شده با وصف احتیاج به سکنی چنین پولی خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر در وسط سال حصول ربح، قرض داده باشد فعلاً چیزی بر او نیست اگر چه چند سال هم گذشته باشد ولی وقتی مدیون، اداء دین کرد مرتبه‌ن باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی که سال او اوّل فروردین مطابق با ۱۷ ذی قعدة و یا پنجم فروردین است حال عازم بیت الله الحرام می‌باشد و از ربح سال جاری جهت گذرنامه مکه معظمه، مبلغ سه هزار تومان، مصرف نموده و اوّل سال نو حرکت می‌کند و دو هزار تومان هم بعنوان مخارج راه، می‌برد آیا باین پولها خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- آن چه را تا روز آخر سال، جهت گذرنامه، یا گرفتن بلیط هواپیما مثلاً به مصرف رسانده خمس ندارد و آن چه را که بخواهد بعد از تمام شدن سال ربح، به مصرف برساند خمس دارد.

س

- اگر کسی در اثناء سال، چیزهایی که مورد احتیاج او در آن سال نیست و لکن عرفاً و عادتاً باید در همان سال برای سال آینده تهیه نماید، از ارباح

صفحه : ۳۲۰

مکاسب و از چیزی که متعلّق خمس است خرید آیا باید در آخر سال، خمس آن را بدهد یا لازم نیست و هم چنین چیزهایی که در اثناء سال از مورد احتیاج می‌افتد و لکن برای سالهای دیگر، مورد احتیاج است - مثل لباس زمستانی و تابستانی - آیا باید تخمیس نمود یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اوّل، در صورتی که طوری باشد که اگر امسال تهیه نشود، در وقت حاجت، فراهم نمی‌شود- نظیر این که چند روز به آخر سال مانده اگر پول گذرنامه یا کرایه هواپیما را حال ندهد در سال بعد، موفّق به حج نمی‌شود- جزء مؤنه و مخارج سال قبل است و در فرض سؤال دوّم، چیزهایی که عین آنها باقی است و از منافع آنها استفاده می‌شود مثل ظروف و لباس و امثال آنها خمس ندارد و امّا چیزهایی که استفاده از آن به تلف نمودن عین است مثل گندم و برنج و نظایر آن، خمس آن چه پس از تمام شدن سال، زیاد آمده باید داد.

س

- هر گاه کسی به فرزندش وصیت کرد که چندین سال نماز برای او استیجار نماید آیا اجرت این نمازها جزء مؤنه است یا باید خمس آن را داد؟.

ج

- جزء مؤنه است و خمس ندارد.

س

- پارچه‌ای جهت کت و شلوار خریده شده و در دکان خیاطی باقی مانده و هنوز برش نکرده که سر سال خمس او رسیده است آیا باین پارچه، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر موقع خرید، مورد احتیاج بوده و اتفاقاً دوخته نشده خمس ندارد و اگر در موقع خرید، محتاج آن نبوده بلکه برای بعدها خریده خمس دارد.

س

- شخصی جهت احتیاج کسی خود، ماشین خریداری نموده اگر برای انجام معامله یا حمل اجناس خفیفه از آن استفاده کند جزء مؤنه است یا سرمایه - چون هم مورد احتیاج شخصی است و هم استفاده کسی از آن می‌شود- یا باید قیمت آن، تقسیط شود؟.

ج

- در فرض مسأله اگر قطع نظر از کسب، محتاج بماشین باشد و زائد بر شأن او هم نباشد جزء مؤنه، محسوب است و این که در کسب، از آن استفاده می‌کند ضرر ندارد و در غیر این صورت جزء مؤنه نیست.

صفحه : ۳۲۱

س

- شخصی زمینی داشته فعلاً- قیمت آن بالا- رفته و به وسیله همین زمین مستطیع شده ولی در رفتن به حج مسامحه کرده و الآن مقداری از آن زمین را فروخته و تصمیم دارد به مکه، مشرف شود آیا مؤنه حج را باید تخمیس نماید یا نه؟.

ج

- اگر اصل زمین متعلق خمس نباشد مثل این که ارث یا صدق بوده یا آن را از پول خمس داده خریده و برای کسب و استفاده از ترقی قیمت، نخریده آن چه را فعلا فروخته و صرف رفتن به حج می نماید خمس ندارد.

س

- بیست سال قبل ملکی که هزار تومان، قیمت داشته بعنوان مهر و یا ارث به زنی منتقل شده اکنون آن زن، ملک را به چهل هزار تومان فروخته تا به زیارت حج رود آیا به اضافه قیمت، خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- اگر در بین سالی که فروخته، صرف در مؤنه - که حج هم از مؤنه است - نماید خمس ندارد.

س

- انسان قبل از سال، عازم مسافرت می شود و برای خانواده یا دوستانش اجناسی می خرد و بعد از سال، به آنها می رساند آیا در این صورت خمس، واجب است؟.

ج

- اگر در وقت متعارف، خریده باشد خمس ندارد.

س

- در رساله نوشته شده که (باید از ما زاد بر احتیاج، خمس داده شود) ما زاد بر احتیاج چه حدّ است فرضا شخص میل دارد چندین دست لباس و کفش و غیره تهیه کند و یا کتابهای گوناگون برای مطالعه بخرد و یا خوراکیهای متنوع تهیه نماید به طوری که تمام درآمد محدودش خرج شود و اضافه، باقی نماند لطفا دقیقاً توضیح فرمائید.

ج

- حدّی ندارد و نسبت به اشخاص، تفاوت می کند و مراد، مطابق شأن است و لباس و کفش و غذا و کتاب، اگر مورد حاجت متعارف باشد یعنی تهیه آنها در نظر عرف، اسراف و زیاده روی، حساب نشود خمس ندارد هر چند تمام درآمدش خرج شود و آن چه را که تهیه کرده، در سال یک مرتبه یا دو مرتبه، مورد استفاده، قرار بگیرد.

صفحه : ۳۲۲

مواردی از عایدات زائد بر مؤنه

س

- ضبط صوتی را که بعضی از مؤمنین، خریداری می‌کنند که مطالب منبری و یا دعاء کامل و امثال اینها را در آن ضبط نموده و در منزلشان از آن استفاده کنند از مؤنه، محسوب است و یا باید تخمیس نمایند؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- زمینی که به واسطه تقسیم اراضی، بدست زارعین رسیده و مبلغی پول از زارعین بعنوان قسط ملک، در هر سالی می‌گیرند و از طرفی هم معلوم نیست که زمین را به زارعین بدهند و ملک آنان بنمایند بلکه فقط لسانا می‌گویند قسط ملک است آیا آن مبلغی را که زارعین بعنوان قسط ملک می‌پردازند خمس دارد یا نه؟.

ج

- بلی پول مزبور، از عوائد سال، محسوب و زائد بر مؤنه است باید خمس آن را داد.

س

- بعضی از اشیاء جزئی مثلاً مهر نماز که از کربلا می‌آورند اگر سال بر آنها بگذرد متعلق خمس می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر از ارباح، خریده شده و یا هدیه باشد و در سال، مورد حاجت نشده خمس آن را پردازند.

س

- زمینهایی که بعنوان تقسیم اراضی بدست زارعین رسیده سه نحو است اول این که مالکین، مستقیماً زمین خود را با رضایت یا بدون رضایت، به دولت فروخته‌اند و یک جا پول زمین را گرفته‌اند و بر زارعین هم حلال کرده و یا حلال نکرده‌اند و دولت هم مبلغی پول در هر سال به عنوان قسط ملک از زارعین می‌گیرد فرض دوم این که مالکین، زمین خود را با رضایت یا بدون رضایت به زارعین فروخته‌اند و در هر سال، دولت، مبلغی بعنوان قسط ملک مالکین از زارعین می‌گیرد و فرض سوم این که مالکین، زمین خود را به زارعین اجاره داده‌اند آن هم با رضایت یا بدون رضایت و مبلغی در هر سال، مالکین خودشان و یا دولت از زارعین بعنوان مال الاجاره می‌گیرند مستدعی است بیان فرمائید در تمام این فرضها آن مبلغی که از

صفحه : ۳۲۳

زارعین می‌گیرند خمس دارد یا ندارد؟ و اگر خمس دارد زارعین باید بدهند یا مالکین؟.

ج

- پولی که در این گونه موارد بعنوان قیمت ملک صرف می‌شود مؤنه نیست زیرا اگر معامله، بوجه شرعی واقع شده باشد سرمایه، حساب می‌شود و در صورتی که بدون وجه شرعی باشد مال خود را اتلاف نموده پس در هر دو صورت خمس دارد و اگر پول را بعنوان مال الاجاره پرداخته در صورتی که بوجه شرعی باشد بر زارع چیزی نیست و اگر بوجه شرعی باشد زارع باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی کارمند اداره است و از آن اداره، مبلغ بیست هزار تومان بعنوان وام به او می‌دهند که در مدت بیست سال، از حقوق او کسر کنند و ربی هم از او نمی‌گیرند آیا به این مبلغ مذکور، خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟ و در صورت تعلّق، آیا باید خمس همه پول را یک دفعه بدهد و یا در مدت بیست سال که سر سال، خمس هر چه از حقوق او بابت این قرض داده شده است بدهد؟.

ج

- در فرض مسأله، خمس دفعه به مجموع بیست هزار تومان تعلّق نمی‌گیرد بلی چنانچه این پول را صرف در مؤنه ننماید در هر سالی هر مقدار از قرض، اداء شد خمس آن را بدهد.

س

- در این قریه آب آشامیدنی وجود ندارد مردم در خانه خود یک آب انبار درست کرده و در زمستان آب باران جهت مصرفی سال ذخیره می‌کنند گاهی کسر می‌آید لذا با تانکر، آب خریداری نموده و در آن آب انبار می‌ریزند آیا اضافی این آب هم در پایان سال باید قیمت شود و خمس آن را بدهند یا خیر؟.

ج

- اگر فعلاً که در حوض ریخته شده مالیت داشته باشد که قابل فروش باشد خمس دارد ولی معلوم نیست مال محسوب شود هر چند مورد حاجت باشد و لذا بعید نیست خمس نداشته باشد.

س

- جمعی از مؤمنین وجوهی را بعنوان مخارج زیارت اعتاب مقدّسه، در شبهای جمعه، جمع آوری نموده‌اند و در آخر سال، مبلغی از آن یا همه آن به مصرف نرسیده آیا لازم است خمس آن مبلغ داده شود یا این سفرها اگر چه در سالهای بعد هم واقع شود به منزله احتیاجات بین سال است؟

ج

- در فرض مسأله اگر وجهی که داده شده، در نظر عرف، پس گرفتن آن رکیک است که فی الحقیقه جزء مخارج سال گذشته به شمار می‌رود خمس ندارد و اگر بعنوان امانت است که هر وقت صاحب مال می‌خواهد پس بگیرد مانعی ندارد و مرسوم است که هر کس بخواهد پس می‌گیرد خمس آن واجب است.

س

- شخصی قبر آماده، برای خود می‌خرد که پس از فوت، در آنجا دفن شود، آیا به این قبر، خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- احتیاط لازم آنست که خمس قبر مزبور را بدهد، مگر آن که خریدار، در سال خرید، فوت نماید که در این صورت، عدم وجوب خمس، بعید نیست.

س

- کسی که خانه مسکونی داشته ولی در اثر ضیق مکان، خانه دیگری نسیه خریداری کرده و خانه اول را به مبلغ سی هزار تومان فروخته و پس از اداء دین خانه دومی، مبلغ پنج هزار تومان زیاد آمده آیا بر این زیاده، خمس، تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، شخص مذکور مبلغ پنج هزار تومان زائد بر مؤنه دارد و باید خمس آن را بدهد.

س

- اگر کسی پولی را برای تهیه لوازم زندگی در اختیار دیگری گذارده و وکیل، چیزهای مورد لزوم را پیدا نکند تا برای موکل بخرد و هنوز سال بر آن پول نگذشته و چیز دیگری غیر از آنهایی که موکل خواسته بوده یا نوع دیگر از آن جنس مورد لزوم را خریداری کند تا بعد تبدیل کرده شیء مورد نظر را تهیه نماید در این حال، سال آن فرا برسد آیا خمس به آن تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر به مصرف خرید چیزی که از مؤنه است در بین سال رسیده باشد خمس ندارد و اگر در آن سال صرف در مؤنه نشده است خمس دارد.

س

- شخصی که وقت حساب سالش اول تیر ماه است در خرداد ماه، یک تخته قالی می‌خرد و به منزل می‌برد و چون مورد پسند واقع

نمی‌شود آن را پس می‌دهد فروشنده وعده می‌دهد که قالی دیگر برای او بخرد و پس از پنج ماه، یک تخته قالی به او تحویل می‌دهد که در هنگام تحویل قالی، چهار ماه بعد از تیر

صفحه : ۳۲۵

ماه یعنی وقت حساب سال او است اکنون این گونه معامله که پول آن پیش از سال حساب پرداخت شده و جنس آن بعد از سال حساب، تحویل داده شده چگونه است؟ آیا پول قالی خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس پول را باید بدهد.

س

- اگر دولت ایران به دانشجوی مقیم خارج ماهانه مبلغی پرداخت نماید و شرط کند که بعد از اتمام تحصیل (الف) معادل همان مبلغ را به آنها برگرداند (ب) دو برابر مدت سالهای دریافت پول، برای آنها کار کند (ج) فقط به ایران بازگردد و کار کند. آیا به چنین پولی، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ و رفتن به حج با آن چگونه است؟.

ج

- در فرض سؤال اگر وجوهی که دولت می‌پردازد بعنوان وام باشد و شرائط مذکوره کلاً یا بعضاً در خود وام شرط گردد ربا و حرام است و گیرنده مالک آن نمی‌شود تا احیاناً خمس یا حج واجب گردد و اگر بعنوان تملیک بشرط بدهد به این نحو که دولت بگوید این پول را به دانشجو می‌دهم یعنی تملیک می‌کنم یا مثلاً مخارج او را متکفل می‌شوم به شرط بند الف و ب و ج، کلاً یا بعضاً در این صورت چنانچه وجوه مأخوذه تا بعد از وفاء به شروط مصرف شود خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و استطاعت هم حاصل نمی‌شود و اگر تا بعد از وفاء به شروط باقی بماند خمس تعلق می‌گیرد و چنانچه می‌تواند با آن به حج برود و برگردد و امور معاش او مختل نمی‌شود در آن سال مستطیع شده و حج واجب است.

س

- شخصی سال محاسبه خمسش را مشخص نموده و یک ماه قبل از حساب سالش مقداری گندم از زراعت خود عایدش می‌شود تکلیف خمس آن چه می‌شود؟.

ج

- در صورتی که برای تمام درآمد خود یک سال دارد و این گندم تا آخر سال به مصرف مؤنه نرسد باید خمس آن را بدهد و می‌تواند برای زراعت خود سال جداگانه قرار دهد.

س

- از لباس بچه که کهنه شده بود کیسه درست کردم و بعد از گذشت سال فروختم آیا خمس دارد یا خیر؟.

صفحه : ۳۲۶

ج

- بلی خمس دوخت کیسه‌ها را بدهید ولی پارچه آن خمس ندارد.

س

- شخصی به زیارت حج بیت الله الحرام مشرف شده، و اجناسی را از مکه معظمه یا مدینه منوره خریداری و با خود آورده است، از طرفی دوستان و آشنایان هم برای او اشیائی به عنوان (کادو) آورده‌اند، جنس‌هایی که خریده و آورده بعضی برای خود و خانواده‌اش می‌باشد و بعضی به عنوان سوغات برای دیگران، ضمناً اول سال شرعی او اول محرم الحرام می‌باشد، قبل از این که اجناس سوغاتی را به صاحبانش بدهد و یا چیزهایی که برای خود و خانواده‌اش آورده، از قبیل لباس و غیره بدوزد و یا استفاده کند و هم چنین قبل از استفاده از اجناسی که برای او (کادو) آورده‌اند، سال شرعی او رسیده است، آیا به این اجناس خمس تعلق می‌گیرد، یا این که آنهایی که سوغات است مال صاحبانش هست و به آنها داده می‌شود و اجناسی هم که برای خودش آورده، و یا برای او دیدنی آورده‌اند، اگر یک سال بر آنها گذشت و استفاده نکرد آن وقت باید خمس بدهد؟ وظیفه‌اش چیست؟.

ج

- در فرض سؤال خمس آنها را باید بدهد.

خمس مال موروثی

س

- اگر املاکی از طریق ارث، برای شخص بماند و بداند که مورث، خمس آن املاک را نداده باید تخمیس نماید یا نه؟ و بر فرض تعلق خمس آیا باید قیمت فعلی آن را تخمیس نماید یا قیمت زمان خرید مورث را؟.

ج

- خمس آن واجب است و با شک در این که بعین پولی که متعلق خمس شده خریده یا به پولی که از عوائد بین سال بوده یا بشمن کلی خریده و از پولی که خمس به آن تعلق گرفته ادا کرده است، خمس قیمت خرید، کافی است.

س

- ارثی که مورد خمس باشد آیا قیمت فعلی آن را باید حساب نمود یا وقت اشتغال ذمه مورث را؟.

ج

- اگر بعین، تعلق گرفته باشد قیمت فعلی را باید حساب نمود.

صفحه : ۳۲۷

حکم مال موروثی که قیمت آن ترقی کرده و حکم چیزی که با پول مخمس یا موروثی خریده شده و ترقی قیمت پیدا کرده

س

- اموالی از مورث به ورثه، منتقل شده که در موقع انتقال، ارزش زیادی نداشته ولی امروز قیمتش چند برابر شده آیا باین زیادی قیمت، تا نفروخته خمس تعلق می گیرد یا نه؟ و بر فرض این که فعلا- تعلق نگیرد بعد از فروش، آن زیادی به منزله ارباح مکاسب است یا حکم دیگری دارد؟.

ج

- در مثل زمین و آب و مستغلات که برای فروش، خریده نشده تا نفروخته زیادی، خمس ندارد و پس از فروش، زیادی قیمت، ربع سال فروش، محسوب می شود که اگر صرف مؤنه سال نشد خمس دارد و اگر اجناس، جهت فروش باشد که وارث، هم برای فروش و استفاده از ترقی قیمت آن، آن را نگاهداری نموده باشد- از قبیل اجناس دکان و مغازه - زیادی قیمت، خمس دارد و اگر صرف در مؤنه سال نشود اداء آن، لازم است.

س

- شخصی زمینی را به مبلغ هزار تومان خریده و هزار تومان هم نهال سیب، خریداری و در آن غرس نموده و خمس این دو هزار تومان را حساب کرده، و احداث باغ به منظور استفاده از میوه آن بوده که در هر سال میوه را بفروشد و از این طریق، بهره برداری نماید. بعد از چهار پنج سال چهل هزار تومان ارزش پیدا کرده و صاحب باغ، فوت نموده و باغ مزبور به ورثه او منتقل شده و فعلا شاید هشتاد هزار تومان بلکه بیشتر ارزش داشته باشد آیا خمس به چنین باغی تعلق گرفته یا نه؟
و بر فرض تعلق، تنها خمس میوه را باید بدهد یا خمس قیمت باغ هم باید داده شود، و هم چنین بر فرض وجوب اداء خمس، آیا خمس چهل هزار تومان زمان حیات مورث را باید بدهند یا خمس قیمت فعلی آن را که هشتاد هزار تومان (۸۰۰۰۰) است ادا نمایند؟.

ج

- در فرض مسأله که خمس دو هزار تومان داده شده نمؤ متصل نهالهای غرس شده، خمس دارد ولی ترقی قیمت سوقيه تا زمان فوت و هم چنین بعد از فوت، خمس ندارد بلی اگر ورثه، آن را بفروشد ترقی قیمت بعد از موت، جزء دخل روز

صفحه : ۳۲۸

فروش می‌باشد که اگر از مؤنه سال، اضافه باشد واجب است خمس آن را بدهند و میوه، جزء عوائد سال فروش خود میوه است.

س

- بنده حساب سال دارم و زمینی را ده سال قبل، با پول تخمیس شده خریدم که قیمت سوقیه فعلیش ده برابر شده و تا مقداری، ترقی قیمت، ناشی از زحمات و مصارفی - از قبیل بناء خانه و غرس اشجار و حفر چاه - است که انجام داده‌ام و فعلاً مالک قبلی، زمین را از طریق اجبار، با کمک اهل جور باین عنوان که زمین را نفروخته‌ام با پرداخت یک و نیم برابر قیمت اولی بعنوان مصالحه از من گرفت و بنده به جهت این که خیلی خسارت نکشم این پول را گرفتم با این که هشت و نیم برابر، قیمت قبلی از قیمت سوقیه فعلی کمتر است اکنون تکلیف بنده بر فرض رضایت و یا عدم رضایت چیست؟ مقصود اینست که ما زاد از قیمت اولیه، لازم التخمیس است یا نه؟.

ج

- اگر خانه و حفر چاه و غرس اشجار برای سکونت و استفاده شخصی باشد خمس ندارد و اگر برای مؤنه نبوده واجب است خمس غیر زمین داده شود اگر چه بعد از تعلق خمس و مسامحه در ادا، دیگری آن را غصب کند و امّا زیادی پول آن، با رضایت در مصالحه، جزء عوائد سال، محسوب است و در زائد بر مؤنه سال، خمس لازم است، و هم چنین است اگر مصالحه نکرده باشد و بعنوان تقاص، از غاصب گرفته باشد از عوائد سال محسوب و در زائد بر مؤنه آن، خمس لازم است.

س

- اگر شخصی مالی را به ارث، مالک شده و بعد ترقی سوقی پیدا کرد این اضافه را باید تخمیس نماید یا نه؟ مثلاً اگر زمین یا باغی مبلغ هزار تومان قیمت داشت و بعد از انتقال به وارث و پس از چند سال که در ملک او مانده ده هزار تومان قیمت باغ و یا زمین شد آن نه هزار تومان، خمس دارد یا نه؟ و سؤال دیگر این که اگر کسی زمین زراعتی دارد و خمس آن را داده یا آن را با پول مخمس خریداری نموده و چند سال بر آن گذشته و ترقی قیمت پیدا کرده چنانچه زمین مذکور را با زمین دیگر یا با خانه زائد بر مؤنه که می‌خواهد آن را نگاه دارد و اجاره دهد معاوضه نماید و مقداری هم پول بدهد یا سر به سر معاوضه کند آیا مقداری که ترقی قیمت پیدا کرده خمس دارد یا خیر؟.

صفحه : ۳۲۹

ج

- تا موقعی که آن ملک را نفروخته ترقی قیمت، خمس ندارد و هر وقت فروخت، ترقی قیمت، ربح روز فروش، محسوب است که اگر در بین سال به مصرف مؤنه رسید خمس ندارد و اگر باقی ماند خمس دارد و در مورد سؤال دوم اگر سر بسر معاوضه کند ترقی قیمت خمس ندارد ولی اگر مقداری هم پول داده به آن مقدار پولی که داده خمس تعلق می‌گیرد.

س

- اگر با پول مخمس، دو قطعه زمین خریداری کرده و هر دو قطعه، ارتفاع قیمت پیدا کرده و می‌خواهد یکی از این دو قطعه زمین را ساختمان کند و دیگری را بفروشد و تا آخر سال، بلا تکلیف ماند، اکنون خمس ارتفاع کدام زمین را باید بدهد؟

ج

- هر کدام از آن دو را که فروخت خمس ترقی آن را بدهد.

س

- شخصی زمینی را با پول مخمس، جهت ساختن خانه، خریده و قبل از رسیدن سال خمس، منصرف شده می‌خواهد آن را بفروشد و در جای دیگر، زمین بخرد و سال به آخر رسید و هنوز نفروخته در این صورت، خمس ارتفاع قیمت زمین را باید بدهد یا نه؟

ج

- تا نفروخته خمس آن، لازم نیست.

س

- شخصی چند سال قبل، دگانی را خریده و خمس پول آن را داده فعلاً آن دگان را فروخته، آیا ما زاد بر قیمت خرید خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر در همان سال که فروخته، ما زاد بر قیمت خرید، صرف در مؤنه شود خمس ندارد و الا خمس آن، واجب است.

س

- زمینی که خمس آن را داده‌اند بعد از چند روز، می‌فروشند در زیادی آن، خمس، واجب است یا نه؟

ج

- اگر جهت تجارت خریده باشد زیادی قیمت آن از عوائد سال ترقی است و اگر برای نگاهداری خریده‌اند زیادی آن، از عوائد سال فروش است و در هر دو صورت چنانچه صرف مؤنه آن سال نشود، باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی خمس برنج یا گندم را داده بعدا برنج یا گندم تخمیس شده را بفروشد حال اگر از پول آنها در آخر سال، زیاد بیاید آیا خمس آن پول

صفحه : ۳۳۰

زیادی را باید جدا کند یا نه؟ و هم چنین بعکس آن، شخصی خمس پول را داده و با پول مخمس مثلا برنج خریده و آن برنج، در پایان سال زیاد آمده خمس زیادی آن برنج را باید بدهد یا نه؟.

ج

- چیزی که خمس آن داده شده پول آن هم خمس ندارد مگر آن که به زیادتر از قیمتی که خمس آن را داده بفروشد که خمس آن زیاده - در صورتی که صرف مؤنه سال نشود- لازم است و هم چنین چیزی که به پول مخمس، خریده شده، خمس ندارد.

حکم پولی که به صندوق خیریه یا پس انداز یا قرض الحسنه و مانند اینها ریخته شده و سال بر آن گذشته

س

- اگر در راه خدا پولی را به صندوق بریزند و به طوری باشد که از ملک صاحب پول، خارج نشود آیا می توانند هنگام پرداخت، صندوقدار را وکیل کنند که اگر آن پول، از مخارج سال، زیاد آمد خمس آن را از طرف صاحبان آن، اخراج کند یا نه؟.

ج

- با فرض آن که امانت باشد اشکال ندارد که صندوقدار را وکیل در اخراج خمس نمایند.

س

- اگر صاحبان پول، به صندوقدار وکالت بدهند آیا باید سال هر یک از ایشان را جداگانه در نظر بگیرد یا این که می تواند خود، برای صندوق، سال قرار دهد؟.

ج

- با فرض امانت، باید سال هر یک از صاحبان پول را، جداگانه لحاظ نماید لکن امانت بودن، محل تأمل است.

س

- آیا به پولهای خیریه‌ای که پس از یک سال در صندوق مانده یا زائد بر نیازمندیهای خیری - که در محیطی در نظر گرفته شده - می باشد خمس، تعلق می گیرد یا نه؟ و چنانچه پول مذکور را - جهت توسعه دادن به اعمال خیریه - بکار اندازند خمس به منافع آن تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که صاحبان پول، پول را در صندوق، امانت می‌گذارند به نحوی که هر زمان بخواهند جهت خود بردارند بتوانند -
خمس تعلق می‌گیرد و

صفحه : ۳۳۱

اگر به نحوی است که سلب اختیار از صاحبان پول شده خمس ندارد. و همین طور است حکم منافع.

س

- عده‌ای صندوق تعاونی تشکیل داده‌ایم که هر کس در هر ماه، پنجاه تومان به صندوق بدهد و بعد از مدت معین اگر احتیاج پیدا کرد از صندوق بعنوان قرض الحسنه سه برابر موجود خود قرض کند و به اقساط ماهانه، به صندوق بپردازد آیا باین پولی که جمع می‌شود و سال از رویش می‌گذرد خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ و در صورتی که علم پیدا کنیم که صاحبان پول، خمس آن پول را نداده‌اند و یا شک داشته باشیم که آیا خمس آن را داده‌اند یا نه چه صورت دارد؟.

ج

- هر کسی نسبت به پول خودش اگر طوری است که هر وقت بخواهد بتواند پس بگیرد چنانچه سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهد و نسبت به پول دیگران در صورتی که بدانند عین پولی که به صندوق داده‌اند متعلق خمس شده و نپرداخته‌اند تصرف در آن جایز نیست و اگر شک در این جهت داشته باشند تصرف در آن، جایز است.

س

- در مسأله ۱۸۰۲ توضیح المسائل فرموده‌اید (کسی که با دیگری شریک است اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او خمس ندهد و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده مبلغی برای سرمایه شرکت بگذارد هیچ کدام نمی‌توانند در آن، تصرف کنند) این حکم، در شرکت تعاونی یا صندوق ذخیره جاری است یا نه؟ چون در این دو قسم، عده‌ای بتدریج، پول می‌گذارند و با نظر هیئت نظار، وام بدون سود داده می‌شود و همین طور پس می‌دهند و باز اخذ وام می‌کنند و هم چنین در بانک پس انداز ملی، خلاصه آیا این افراد باید خمس بدهند یا نه؟.

ج

- در صندوق پس انداز که بعنوان قرض داده می‌شود این حکم، جاری نیست و اما در هر موردی که عنوان شرکت باشد این حکم، جاری می‌باشد.

چیزی که بعنوان زکاة یا صدقه یا خمس یا مظالم اخذ شده، خمس یا زکاة دارد یا خیر

س

- وجهی بعنوان زکاة یا هدیه و صدقه مستحبی به شخصی داده

صفحه : ۳۳۲

شود و بعد از شش ماه دیگر باز وجهی بعنوان زکاة یا هدیه و صدقه به او می‌رسد سر سال اعطاء اول، مقداری از وجه اول و یا دوم باقی مانده و حال آن که به اعتبار سالی که در فقر معتبر شده باز فقیر است آیا باید خمس باقی مانده را بدهد یا نه؟ و بر فرض لزوم، باید همان وقت بدهد یا دومی را می‌تواند تأخیر بیاورد؟.

ج

- در زکاة، خمس واجب نیست ولی در هدیه، اگر زائد بر مؤنه سال باشد خمس، لازم است و در هدیه مفروضه نیز می‌تواند اداء خمس را تا آخر سال تأخیر بیاورد و در صدقه مستحبی اگر صرف در مؤنه نشود به احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

س

- وجهی را که شخص، از بابت ردّ مظالم عباد، گرفته و از مؤنه سال، اضافه آمده خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- آیا زکاة هم زکاة دارد و هم چنین خمس که اگر به کسی خمس بدهند و از خرج سالش زیاد بیاید باز خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس، خمس ندارد ولی نباید سید زیادتر از مخارج سال، خمس بگیرد و در زکاة اگر گندم یا جو یا کشمش یا خرما بابت زکاة به فقیر بدهند زکاة ندارد لکن اگر بمقدار نصاب طلا یا نقره یا گاو یا گوسفند یا شتر به فقیر بدهند و یک سال پیش او بماند باید زکاة آن را بدهد.

س

- اگر بمقدار نصاب زکاة طلا یا نقره یا شتر یا گاو یا گوسفند بعنوان خمس یا مظالم یا صدقه واجب دیگر یا صدقه مستحب، به فقیر بدهند و یک سال پیش او بماند باید زکاة آن را بدهد یا نه؟.

ج

- بلی باید زکاه آن را بدهد لکن اشیائی که بعنوان صدقه واجب، به کسی می دهند خمس، به آنها تعلق نمی گیرد.

س

- اگر سال، بر مالی که سیّد بعنوان خمس گرفته بگذرد باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- عین مالی که بابت خمس به سیّد فقیر می دهند خمس ندارد لکن بر منافع آن، خمس تعلق می گیرد مثلاً- اگر درختی را بابت خمس، به سیّد بدهند و

صفحه : ۳۳۳

میوه آن درخت، از مؤنه سال، زیاد بیاید باید خمس زائد را بدهد.

اگر لوازم زندگی یا چیزی را که خمس ندارد سرمایه کند

س

- چند عدد فرش که مورد حاجت بود فروختم و جای آن یک باب دکان جهت کسب، خریداری و بنا نمودم و برای این کار، مبلغ پنج هزار تومان هم خرج شده و در این مغازه، مشغول کسب هستم آیا وجه مذکور، مشمول خمس است یا نه؟

ج

- در فرض مسأله، فعلاً مقابل قیمت خرید فرش، خمس ندارد لکن خمس مقابل ما زاد بر قیمت خرید را باید بدهید و پس از تهیّه فرش، خمس قیمت خرید فرش را نیز بدهید و ما بقی وجه دکان اگر از منافع، تهیّه شده خمس دارد.

س

- شخصی، خانه مسکونی خود را که به ده هزار تومان قبلاً خریده بوده اکنون به صد هزار تومان فروخته تا پول آن را سرمایه قرار داده و تجارت کند و امرار معاش نماید آیا نود هزار تومان زائد بر قیمت خرید، خمس دارد یا نه؟.

ج

- بلی تخمیس آن، لازم است.

س

- اگر چیزی از لوازم زندگی خود، مانند خانه یا اثاث آن را بفروشد و سرمایه کسب قرار دهد تا موقعی که مثل آنها را تهیّه نکرده

و نیز احتیاجش از آنها برطرف نشده، خمس به آن سرمایه تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در مفروض سؤال، به قیمت خرید خانه و لوازم زندگی خمس، تعلق نمی‌گیرد، ولی بر ما زاد از قیمت خرید که جزء سرمایه شده تعلق می‌گیرد.

اگر پول یا عوائد دیگر برای صرف در مؤنه ذخیره شود و سال بر آن بگذرد

س

- کسی که خانه مسکونی ندارد اگر بخواهد درآمدهای چندین سال را جمع کند که با آن، خانه خریداری کند وظیفه او نسبت به خمس آن چیست؟
و آیا قبل از خریداری خانه، مستطیع می‌شود یا نه؟.

ج

- خمس فائده و عوائد هر سال را که ذخیره می‌کند باید بدهد و نسبت به حج، چنانچه به نحوی است که اگر این پول را صرف تشرف به حج نماید به واسطه نداشتن خانه، در زحمت می‌افتد استطاعت، حاصل نیست.

س

- کسی که خانه و زندگی، تشکیل نداده و احتیاج به خانه دارد

صفحه : ۳۳۴

چنانچه پولی از مخارج سالش اضافه آورد که آن پول برای خرید خانه یا فرش و یا سائر لوازم، کافی نیست و باید چند سال اضافه بر خرجش را پس انداز کند تا بتواند آنها را خریداری نماید آیا به این پول، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- بلی خمس، بوجه مزبور، تعلق می‌گیرد باید خمس آن را، بپردازد.

س

- کسی که بزه گوسفند را برای خوراک خانواده خود دو سال می‌پروراند بعد از تمام شدن سال اول، خمس، به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- خمس آن، لازم است.

خمس نماء متصل و منفصل مال مخمس یا چیزی که خمس ندارد

س

- بنده پنجاه رأس گوسفند دارم که از پول مخمس خریداری شده و غیر از این، درآمدی ندارم، در این صورت آیا در موقع حساب سال، فقط درآمد گوسفند باید حساب شود یا از خود سرمایه گوسفند که خمس آن اداء شده بود نیز حساب شود؟

ج

- بنظر حقیر آن چه به گوسفندان از نماء متصل و منفصل، اضافه شده خمس دارد.

س

- آیا نماء گاو و گوسفند و امثال اینها که مورد احتیاج و متمیم مؤنه سال باشد خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر نماء مثلاً چاق شدن گوسفندی است که شیر آن مورد احتیاج شخصی می باشد خمس ندارد و اگر مقصود، نماء منفصل آنها مثل اولاد آنها است در صورتی که برای مصرف شخصی باشد باز هم خمس ندارد و اگر مورد احتیاج نیست خمس دارد.

هر گاه پولی برای انجام عملی بگیرد و قبل از انجام عمل سال بر آن بگذرد

س

- شخصی امورش از کسبی که دارد می گذرد، ولی می خواهد به زندگانی خود توسعه بدهد یک قطعه باغ خریده و قالی نیمه بافت خود را که هنوز تمام نشده فروخته و پولش را به اضافه پانصد تومان پول مخمس، بابت قیمت باغ، پرداخته و سال خمس او هم اول تابستان است و عمل بافتن قالی بعدا انجام می گیرد ولی وجه آن

صفحه : ۳۳۵

را قبل از سر رسید، جهت خریدن باغ گرفته است بنا بر این باید خمس باغ را ابتداء بعد از ابتیاع، بدهد یا موقع سر رسید؟ و راجع باین نوع معامله آیا قبل از تحویل عمل باید خمس را پردازد یا بعد از تحویل عمل که در نتیجه، جزء منافع سال آینده او می گردد؟

ج

- در فرض مسأله بمقدار پانصد تومان مخمس، خمس ندارد و نسبت بما بقی بعد از تحویل عمل، خمس واجب می شود.

س

- کسی که از برای خود، سال قرار نداده باشد و حقوق روزمره بگیرد چنانچه روزمره چند سال را یک مرتبه بگیرد و دیگر روزانه یا ماهانه، حقوق نداشته باشد باید خمس آن حقوقی را که گرفته بدهد یا نه و آیا داشتن درآمدی غیر از حقوق کارگری یا نداشتن آن، موجب تفاوت در حکم می‌شود یا نه؟.

ج

- حقوق مأخوذه، اگر قبل از عمل، اخذ شده باشد بمقدار عمل هر سال، از عوائد آن سال، محسوب می‌شود چنانچه در آخر هر سال، از آن مبلغ چیزی زائد بر مؤنه باشد خمس به آن تعلق می‌گیرد و الا اگر صرف مؤنه شده باشد یا در سالهای قبل، آن را صرف مؤنه کرده باشد، خمس ندارد و اگر از سالهای پیش حقوق طلبکار بوده که شرعاً حق مطالبه آن را داشته و بعد از چند سال، طلب خود را وصول نموده از عوائد سنوات قبل، محسوب است و بعد از گرفتن، باید خمس آن را بدهد. ولی اگر طوری است که با مراجعه قابل وصول است و در اثر مسامحه وصول نمی‌شود باید موقعی که یک سال از تاریخ طلب گذشت خمس آن را بدهد و فرقی نیست که عوائد دیگری نیز داشته باشد یا نه؟.

س

- هر گاه کسی مبلغی از شخصی، قرض گرفت که برایش کار کند و سالش فرا رسید قدری از آن پول مانده و هنوز در مقابل آن پول، کار نکرده آیا این پول، خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- شخصی آخر سال، مال خود را حساب می‌کند و چیزی ندارد که اداء خمس نماید جز مبلغی که نقدا دریافت نموده که نماز استیجاری بخواند آیا باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

صفحه : ۳۳۶

ج

- در فرض مسأله، خمس آن مبلغ، واجب نیست مگر آن که آن پول تا سال دیگر بماند و نماز را هم تا آن وقت به جا آورده باشد.

جهیزیه خمس ندارد

س

- جهیزیه دختری که پدرش با نداشتن سال خمس، آن را فراهم کرده خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر دختر در معرض شوهر رفتن بوده و یقین ندارد که به عین آن چه پدرش به او داده خمس تعلّق گرفته چیزی بر او نیست و غالباً هم همین نحو است که یقین پیدا نمی‌شود.

س

- جهیزیه‌ای را که دختر از کسب خود تهیه می‌کند خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر در معرض تزویج و حاجت باشد و از عوائد بین سال، اشیاء لازمه را تهیه کند خمس ندارد.

س

- اگر چیزی بعنوان جهیزیه دختر اول خریداری شود و در منزل بماند برای دختر دوم، خمس دارد یا خیر؟ و نیز بفرمایید همان طور که دختر اگر در معرض شوهر کردن باشد چنانچه خودش یا پدر و مادرش از درآمد وسط سال جهیزیه تهیه نمایند خمس آن واجب نیست آیا این حکم در مورد پسر هم هست یعنی اگر پسر خودش از درآمد وسط سال قبل از ازدواج، لوازم زندگی که بعداً به آن احتیاج پیدا می‌کند تهیه نماید یا پدر و مادر برایش تهیه کنند خمس دارد یا نه؟.

ج

- آن چه از وسائل زندگی که برای دختر اول تهیه شده و در منزل مانده مشمول خمس می‌شود و حکم مذکور در سؤال دوم نسبت به پسر جاری نیست بلی چیزهایی که در همان سال ازدواج مورد احتیاج است از مؤنه محسوب می‌شود.

س

- یک مقدار اثاثیه جهیزیه داشته‌ام که اینها سال اول چون با مادر شوهرم زندگی می‌کردیم چندان مورد استفاده قرار نگرفته بوده، از قبیل مقداری ظروف مسی بوده که شاید سال اول چندان مورد استفاده قرار نگرفته و بعد کم و بیش قرار گرفته و حالیه هم چند سال است که مورد استفاده نیست آیا این ظروف خمس دارد یا نه؟ و دیگر یک سماور قدیمی هست که جزء جهیزیه‌ام بوده که

صفحه : ۳۳۷

هیچ وقت مورد استفاده قرار نگرفته و فقط جنبه دکور داشته که در سالهای اول زندگی، از آن، استفاده دکوری هم نمی‌شده و الآن

استفاده دکوری دارد آیا این سماور، خمس دارد یا نه؟.

ج

- چیزهایی که از جهیزیه، برای حفظ آبرو مورد احتیاج بوده هر چند از آن استفاده نشده باشد خمس ندارد.

پولی که برای جهیزیه ذخیره شود و سال بر آن بگذرد خمس دارد

س

- بعضی اشخاص، جهت دختر خود در یکی از بانکها حساب پس انداز باز می کنند که پس از گذشتن چند سال، مثلاً تا موقع ازدواج دختر، جهیزیه تهیه نمایند آیا باین پول، خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- اگر وجه را در بین سال به دختر بخشیده بر پدر خمس واجب نیست لکن چون دختر، پیش از گذشتن سال، بر آن، آن را به مصرف تهیه جهیزیه نرسانده باید خمس آن را بدهد، و اگر وجه را به دختر نبخشیده خود آن شخص باید خمس آن را اداء کند. و جهیزیه مورد حاجت، برای دختری که در معرض شوهر کردن باشد از لوازم است و خمس ندارد.

س

- دختر در خانه پدر قالی بافته و پول آن را جهت جهیزیه خودش جمع کرده آیا خمس به آن پول، تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- بلی باید خمس آن را بدهد.

س

- کسانی که قدرت مالی برای تهیه جهیزیه، در موقع عقد و عروسی ندارند از چند سال قبل وجهی بعنوان پس انداز، به نام دختر، در بانک می گذارند و سال بر آن می گذرد آیا خمس به آن پول، تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، خمس به آن تعلق می گیرد بلی اگر موقعی که دختر در معرض ازدواج است اجناس، بعنوان جهیزیه او خریداری نمایند خمس به آن تعلق نمی گیرد اگر چه سال بر آن بگذرد.

زینت آلات خمس ندارد

س

- به سکه طلا در صورتی که زنجیر نداشته باشد در هر سال، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

صفحه : ۳۳۸

ج

- اگر از ارباح مکاسب و جهت زینت باشد خمس ندارد.

حکم اشیائی که از محل حاجت خارج شده

س

- گهواره و اثاثیه آن که مورد استفاده کودک قرار گرفته، چند سال، بدون استفاده مانده اکنون آیا خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال که سال اول، آن را استعمال کرده‌اند خمس ندارد.

س

- دختری قبل از شوهر رفتن، پدرش مبلغ چهار هزار تومان از ظرف و فرش و سائر لوازم، بعنوان جهیزیه به او داده و به خانه شوهر برده حال قیمت آن بالا-رفته و دو برابر شده فعلا-این دختر در نظر دارد اثاثیه مذکوره را بفروشد و به مکه برود در این صورت خمس به این پول، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- چنانچه مورد حاجت بوده و فعلا مورد حاجت نیست، خمس ندارد و اگر از اول، زیادی بوده و مورد حاجت نبوده خمس ندارد.

میزان در مؤنه، معرضیت احتیاج است

س

- شخصی یک دست لباس، جهت پوشیدن خود تهیه کرده ولی اتفاق افتاده که در بین سال و لو یک دفعه هم نبوشیده است، با این که مورد احتیاجش بوده در این صورت خمس آن را باید بدهد یا نه؟.

ج

- با فرض این که احتیاج به آن داشته و لو این که نپوشیده، خمس ندارد.

س

- اهل علمی کتابخانه دارد و در عرض سال، بعضی از آن کتب، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه امکان دارد که در عرض ده سال، یک بار مورد استفاده قرار بگیرد بفرمایید که آیا این نوع کتب، مورد تعلق خمس است یا نه؟.

ج

- اگر در معرض استفاده و مراجعه باشد که بحسب حال آن اهل علم، مورد حاجت او شمرده شود خمس ندارد هر چند اتفاقاً چند سال هم مورد مراجعه قرار نگیرد.

س

- جهیزیه دختر یا لباسهایی که بعضی از نزدیکان او برایش می‌آورند یا شوهر از باب این که زن، واجب النّفقه اوست برای او خریده گاهی چند سال استفاده نشده و نپوشیده می‌ماند آیا در این سه صورت، خمس واجب است یا نه؟.

صفحه : ۳۳۹

ج

- زائد بر حاجت، خمس دارد بلی اشیائی که در معرض حاجت باشد خمس ندارد اگر چه اتفاقاً بیش از یک سال بماند و مورد استفاده قرار نگیرد.

س

- در حدود پانصد جلد کتاب دینی و علمی دارم که برای استفاده خود و دوستانم خریداری نموده‌ام آیا به این کتابها خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر بحسب حال و وضع کار و مشاغل خود و لزوم مطالعه کتب برای خودتان مورد حاجت است خمس ندارد و الا هر مقداری که زائد بر حاجت است تخمیس نمایید.

س

- در باره کتابهای طلب که گاهی می‌شود تا یکی دو سال مورد نیازش قرار نگیرد مثلاً مقدمات می‌خواند کتاب کفایه را خریده از

پول غیر شهریه آیا به این قبیل کتب، خمس تعلّق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در صورتی که بحسب عادت هیچ نیازی به آن ندارد خمس دارد و اگر طوری باشد که اگر فعلاً تهیه نکند بعداً که مورد نیازش است نمی‌تواند تهیه کند خمس ندارد.

حکم جنس یا پولی که به قرض یا نسیه گرفته شده و عین آن باقی است و سال بر آن گذشته

س

- شخصی مقداری گندم از سال ۴۲ شمسی اضافه از مؤنه سال داشته و آن را بعنوان قرض، به کسی داده در برابر گندم مزبور، قرضی هم از سال ۴۲ داشته و گندم مورد قرض، در سال ۴۳ وصول شده و قرض برابر، بحال خود باقی است در این صورت باید گندم وصول شده را در برابر قرض، حساب کند یا باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- در فرض مسأله اگر گندم را نسیه کرده و پولش را نداده و یا پول، قرض کرده و از پول قرضی، گندم خریده و قرض، باقی است، گندم، خمس ندارد و الا خمس گندم را باید بدهد.

س

- آذوقه‌ای را که انسان در بین سال با پولی که قرض کرده تهیه نموده و هنوز قرض آن را نداده است اگر از مخارج سال اضافه بیاید خمس دارد یا

صفحه : ۳۴۰

نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- اگر کسی مالی را قرض کند و سرمایه قرار دهد خمس آن مال بر او واجب است یا نه و هم چنین کسی که اجناس و اثاث مغازه و ابزار، جهت کسب خود نسیه می‌کند و قیمت آنها به ذمه‌اش می‌آید خمس آنها واجب است یا نه؟.

ج

- تا قرض را اداء نکرده خمس ندارد و اگر قرض را از منافع، اداء کرده خمس آن سرمایه را باید بپردازد و هم چنین است حکم آلات کسب.

س

- شخصی مثلاً از بانک وام گرفته برای ساختن منزل و یک سال بر آن گذشته بدون این که خانه را بسازد آیا خمس به آن وام تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- عین پول وام هر قدر بماند خمس ندارد بلی اگر مبلغی از وام را در بین سال اداء کرده و عین پول باقی است به اندازه مقدار اداء شده باید تخمیس شود، ولی پولی که موجود است و در برابر وام موجود قرار دارد خمس ندارد؟

اگر کسی که مخارج او را دیگری می‌دهد ربیعی بدست آورد

س

- در منتخب الاحکام مسأله ۴۷ فرموده‌اید: (زنی که در خانه شوهرش کسبی مثل ریسندگی و بافندگی و یا خیاطی دارد و شوهرش نفقه او را می‌دهد باید خمس منافعش را بدهد و بعنوان مخارج سال، نباید چیزی کم کند مگر آن که شوهرش نفقه او را ندهد) بسیاری از زنان هستند که مثل شریک، با شوهر در بعضی از کارها فعالیت می‌کنند و مخارج خانواده خود می‌نمایند در این صورت آیا می‌توانند برای خود سال قرار بدهند و یا بدون سال هر چه درآمد داشتند خمس آن را بدهند؟

ج

- با فرض این که مخارج خانه بنمایند خمس ندارد مگر آن چه در آخر سال، باقی بماند که خمس آن واجب است.

س

- در توضیح المسائل مسأله ۱۷۶۵ فرموده‌اید: (کسی که مخارج او را دیگری می‌دهد باید تمام آن چه را که به دست می‌آورد خمس آن را بدهد) اکنون پسرانی که در خانه پدر و مادر، کار می‌کنند و درآمد خود را به آنان می‌دهند

صفحه : ۳۴۱

می‌توانند جهت خود، برای اداء خمس سال قرار دهند؟

ج

- در فرض سؤال اگر پسر و دختر آن چه را که بدست آورده‌اند در بین سال به پدر و مادر بدهند که به مصرف مخارج منزل

برسانند خمس ندارد و آن چه بعد از سال، باقی مانده باشد خمس دارد و روز شروع به کار، اوّل سال آنها است.

س

- در اکثر منازل، مرد روزانه بابت مخارج، مبلغی بدست عیالش می‌دهد که به مصرف برساند و زن به واسطه قناعت، گاهی مبلغی در نزدش می‌ماند و آن را جهت خود، پس انداز می‌کند در این صورت آیا آخر سال خمس، این مبلغ پس انداز نزد زن، مال شوهر است که باید تخمیس شود و یا این که چون از مخارج، کسر گذاشته مربوط به اوست و خمس ندارد؟.

ج

- در هر دو صورت چه آن که ملک شوهر باشد و چه به زن آن راهبه کرده باشد در آخر سال، باید خمس آن ردّ شود.

س

- زن شوهر داری که شوهر، نفقه او را می‌پردازد و مخارج دیگری هم ندارد اگر ربی را بدست آورد آیا می‌تواند در بین سال، آن ربح را به شوهر یا به دیگری ببخشد یا چون خرج ندارد باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- اگر بخشش او، زائد بر متعارف نباشد خمس بر او واجب نیست و هم چنین اگر شوهرش محتاج باشد هر مبلغی به او ببخشد خمس بر زن واجب نمی‌باشد.

س

- اگر شوهر با علم به رضای زن، آن ربح را خرج کرده خمس دارد یا خیر؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- زنی که فرزندانش مخارج او را می‌دهند مبلغی پول دارد و با این که پیر است و از استفاده زینت افتاده با آن پولها طلا می‌خرد و جمع می‌کند که هر وقت راه کربلا باز شود بفروشد و خرج سفر کند آیا این طلاها خمس دارد یا نه؟.

ج

- بلی اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س

- پولی که پدر و مادر، به اولاد می دهند و اولاد، آن را پس انداز

صفحه : ۳۴۲

می نماید مشمول خمس هست یا نه؟.

ج

- بلی مشمول خمس می باشد.

س

- شخصی که سال ندارد اگر عیالش از پولی که این شخص، بابت مخارج به او می دهد ذخیره کند و سال بر آن پول بگذرد خمس آن را باید بدهد یا نه و این کار برای زن، مسئولیت دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر شوهر بمقدار نفقه، پول را تملیک بزن نماید و زن مصرف نکند و ذخیره نماید خمس دارد و هم چنین اگر زائد بر نفقه، تملیک کند در زیادی بعد از گذشتن یک سال بر آن، واجب است زن خمس را بدهد و اگر شوهر، پول را تملیک نکند بلکه برای نفقه، مبلغی پول در اختیار زن بگذارد که صرف در احتیاجات خود کند ذخیره آن بدون اذن شوهر، جایز نیست و آن چه ذخیره نموده ملک شوهر است و واجب است شوهر، خمس آن را بدهد.

س

- زنی قالی بافی می کند و سرمایه هم از شوهرش نیست ولی هر چه اجرت بگیرد به شوهرش می دهد آیا قبل از این که پول را به شوهر بدهد باید خمس آن را بپردازد یا نه؟.

ج

- اگر شوهر، در امر زندگی، محتاج باشد و زن در بین سال، وجه را به او ببخشد خمس ندارد و اگر به شوهر قرض می دهد یا نزد او به امانت می گذارد که سرمایه کند خمس آن بر زن واجب است.

س

- زنی که قالی بافی می کند اگر سرمایه از شوهرش باشد بعد از بافتن قالی و فروش آن، زن می تواند بگوید من خمس خودم را می خواهم شخصا بپردازم و آیا بر زن واجب است چنین مطلبی را بگوید یا نه؟.

ج

- اگر زن، سهم خود را صرف مؤنه سال نکند خمس آن بر او واجب است و باید اداء کند و می‌تواند شوهر را وکیل در اداء نماید.

چیزی که به نسیه خریده و پولی که در معامله سلف بعنوان ثمن پرداخته خمس دارد یا نه؟

س

- شخصی حساب سال دارد قبل از حلول سال، مقداری جنس به ذمه می‌خرد و پس از گذشت سال وجه آن را می‌پردازد، مثلاً اول فروردین، روز سال

صفحه : ۳۴۳

اوست در اسفند ماه جنس را می‌خرد و در اردیبهشت ماه، وجه آن را می‌پردازد آیا واجب است که خمس جنس موجود را بپردازد، یا نه؟.

ج

- تا ثمن را نپرداخته تخمیس مثن، واجب نیست مگر آن که مال التجاره باشد و قیمت آن در سر سال، زیاد شده باشد که در این صورت، تخمیس ما زاد، لازم است.

س

- کسانی که بعنوان سلف، جنس می‌خرند پول آن را قبلاً پرداخت می‌کنند و پیش از تحویل جنس، سال حساب وجوه واجبه خریدار پایان می‌پذیرد حال آیا همان طور که اگر این پول، باقی بود خمس داشت اکنون هم خمس دارد یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله به پولی که با آن جنسی را سلف خریده خمس تعلق می‌گیرد.

موقع حساب خمس، بدهی کسر می‌شود یا خیر

س

- شخصی پولی قرض کرده و وسیله کار خود را از قبیل ماشین و نحو آن تهیّه نموده و با آن، کار می‌کند اکنون موقع حساب سالش رسیده آیا آن قرض از موجودی، کسر می‌شود یا نه؟ و سؤال دیگر این که اگر کسی با دندان ساز قرار گذاشته که برای او دندان درست کند مثلاً به مبلغ ده هزار تومان و پنج هزار تومان آن را پرداخته و بنا شده پس از تحویل دندان پنج هزار تومان بقیه را بدهد و قبل از تحویل دندان سال خمسی او رسیده آیا در موقع حساب می‌تواند این بدهی را از عوائد کسر کند یا خیر؟.

ج

- بلی در مورد سؤال که دین، مقابل سرمایه است کسر می‌شود و اما دیونی که برای مؤنه زندگی است در هر سالی که اداء نمود از مؤنه آن سال، محسوب است بنا بر این بدهی بابت دندان کسر نمی‌شود.

س

- شخصی پول از بانک قرض گرفته که باید به اقساط اداء کند مثلاً ده هزار تومان قرض کرده که در ظرف پنج سال بپردازد و کاسبی می‌کند آیا می‌تواند سر سال، این اقساط بعدی را از منافع سال اول بردارد یا نه؟ فرض دیگر، کاسب اجناس را از تاجر به اقساط می‌خرد سر سال، منفعی دارد و اقساطی چند

صفحه : ۳۴۴

هم بعدا باید بدهد آیا اینها جزء قروض است که از منافع کم می‌شود یا نه؟.

ج

- اگر پول قرضی را سرمایه قرار داده در هر سالی هر مقدار از اقساط آن را پرداخته باید خمس مقابل آن مقدار را بدهد و اما مقداری که قرض آن باقی است خمس ندارد و اگر پول قرضی را سرمایه قرار نداده، و برای مؤنه بوده جائز نیست از سرمایه و عوائد آن، کسر کند بلکه در هر سالی اداء نمود از مؤنه آن سال است و هم چنین است حکم فرض دوم آن چه در مقابل اموال موجوده قرض دارد کسر می‌شود و خمس ندارد و در سال بعد که قرض آن را پرداخت از منافع آن سال محسوب است و خمس آن را باید اداء نماید.

س

- شخصی مثلاً پنج روز به آخر سال خممش، هزار تومان اجرت عمل، دریافت نموده و هزار تومان هم قرض، جهت مؤنه دارد اگر بخواهد هزار تومان را بابت قرض بدهد به ناچار باید برای معاشش از دیگری قرض بگیرد مع ذلک اگر هزار تومان را به طلبکار خود نپرداخت آخر سال باید خمس آن را بدهد یا خمس ندارد؟.

ج

- در صورتی که آن را بین سال، بابت قرض بدهد خمس ندارد و الا باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی اموالش از گوسفند و غیر گوسفند ده هزار تومان است و پنج هزار تومان هم مقروض است حال که می‌خواهد خمس بدهد قرض را از اصل مبلغ مذکور باید کسر کند یا نه؟.

ج

- اگر قرض، جهت همین موجودی باشد یعنی پول آنها را قرض کرده و نپرداخته به مقدار بدهی مذکور کسر کند و خمس بقیه را بدهد و اگر پول آنها را قرض نکرده خمس تمام را در آخر سال بدهد و قرض در صورتی که برای مؤنه باشد در هر سال که اداء کند جزء مؤنه همان سال است و خمس ندارد.

س

- شخصی که الآن حساب اموال می‌کند اگر مبلغ شش هزار تومان به بانکهای مختلف، و مقداری هم به مردم بدهکار باشد، آیا می‌تواند بدهی خود را از اصل سرمایه که پنجاه هزار تومان است کم کند یا نه؟.

ج

- اگر قرضی را که کرده جزء سرمایه است مثل آن که شخص کاسب

صفحه : ۳۴۵

جنس را خریده و عین جنس، باقی است و پولش را نداده این قرض را از مجموع سرمایه، کسر می‌نماید و هر وقت پرداخت کرد جزء فوائد آن سال، محسوب می‌شود و اگر برای جهات دیگر قرض کرده نمی‌تواند از سرمایه کم کند و هر سال، پرداخت جزء مؤنه سال پرداخت، محسوب می‌شود.

س

- شخصی حساب سال داشته و خمس اموال خود را پرداخته و پس از اداء وجوه، متوجه شد که مبلغ ده هزار تومان، بدهی داشته که می‌باید پس از چند ماه دیگر بپردازد و آن را به حساب نیاورده اکنون تکلیفش چیست؟.

ج

- اگر بدهکاری بابت سرمایه‌ای که حساب کرده نباشد نباید کسر بگذارد و اگر از بابت آن باشد در صورتی که عین آن پولی را که به عنوان خمس داده موجود باشد می‌تواند پس بگیرد و اگر عین آن، موجود نیست، گیرنده، ضامن نمی‌باشد.

س

- شخصی که مبلغی بدهکار است و مبلغی هم معادل آن و یا کمتر از آن، وجه نقد دارد و سال خمس او رسیده است آیا بمبلغ موجودی، خمس تعلقی می‌گیرد و یا چون مبلغی معادل وجه موجود و یا بیشتر، مقروض است به مبلغ موجود، خمس، تعلقی نمی‌گیرد؟.

ج

- اگر قرض در مقابل مبلغ موجود باشد معادل قرض، خمس ندارد و اگر در مقابل آن نیست مثل آن که قرض برای مصرف شخصی بوده و موجودی مثلاً از عوائد کسب باشد چنانچه بدهی خود را اداء نمود و سال بر آن گذشت خمس آن واجب است.

س

- اگر کسی مقداری مقروض است و سرمایه او غیر مخمس و نمی‌داند که قرضها مربوط به سرمایه است یا آن که بعد از تحصیل سرمایه، مقروض شده چگونه بایستی حساب خمس خود را بنماید؟.

ج

- در مقداری که شک دارد، تخمیس، واجب نیست.

س

- شخص می‌تواند بدهی سال قبل را از درآمد سال بعد، پردازد و آن را جزء مؤنه آن سال قرار دهد یا نه؟.

ج

- بدهی او اگر قرضی باشد که برای مؤنه سالهای قبل بوده و یا قرضی

صفحه : ۳۴۶

باشد که عین آن از بین رفته است در هر سال که اداء کند جزء مؤنه آن سال محسوب می‌شود.

س

- شخصی پولی را به اقساط طویل المدّه قرض می‌کند و به مکه معظمه مشرف می‌شود آیا در موقع اداء دین باید خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، هر مقدار از اقساط را در هر سال می‌پردازد جزء مخارج همان سال است و خمس ندارد ولی اگر پولی را که قرض کرده مصرف نکند تا سال بر آن بگذرد و بدهی را از عوائد، پردازد خمس به آن تعلق می‌گیرد.

مهریه زن جزء مؤنه سال پرداخت است

س

- کسی که می‌خواهد خمس بدهد آیا لازم است اول، مهریه عیال خود را بدهد بعداً خمس باقی مانده را اداء نماید یا باید خمس

مال خود را بدهد و بعد مهریه عیالش را بپردازد؟.

ج

- تا زمانی که مهریه را رد نکرده باید خمس ربح زائد بر مؤنه سال را بدهد بلی اگر در بین سال ربح، مهریه را رد کرد خمس آن ربح که به ازاء مهریه، داده واجب نیست.

س

- شخصی که می‌خواهد برای اداء خمس، سال قرار بدهد مهریه هم‌سر خود را که عند المطالبه باید بپردازد و هنوز پرداخت نکرده می‌تواند جزء قرض، حساب کند و وجوه آن را ندهد و با همان پول، کاسبی نماید یا نه و اگر حيله کند و مهریه را به او بدهد و او به شوهرش رد نماید و بگوید شما جهت امرار معاش با آن کاسبی نمایید آیا این حيله، صورت شرع دارد که خمس آن را ندهد یا نه؟.

ج

- مهریه را اگر در بین سال، نداده نمی‌تواند جزء قرض، حساب نماید و باید خمس تمام منافع را بدهد و اگر قبل از استقرار خمس ربح، مهریه را رد کند و بعد آن را قرض نماید و با آن کسب کند خمس آن مقدار، لازم نیست.

س

- شخصی مهریه زنش را می‌دهد زن قبول نمی‌کند و می‌گوید در ذمه‌ات باشد عند المطالبه، اداء کن آیا این مرد، می‌تواند در وقت خمس دادن، مهریه در ذمه را جزء مؤنه، حساب کند یا نه؟.

ج

- نمی‌تواند محسوب بدارد و در هر سال که پرداخت کرد جزء مؤنه آن

صفحه : ۳۴۷

سال است.

ترقی قیمت مهریه اگر در سال فروش آن صرف مؤنه زندگی نشود خمس دارد

س

- زنی است که مستطیع می‌باشد، و شوهرش هم حیات دارد و نفقه او را می‌دهد سال گذشته قبل از ایام حج زمینی که مهریه‌اش بوده فروخته که برود مکه ولی ممکن نشده امسال هم نشد چون اصلاً نام نویسی نبود، حالیه پول آن زمین موجود است آیا به آن

پول خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال چنانچه قیمت آن از زمان ازدواج ترقی کرده که مثلاً زمان ازدواج پانصد تومان ارزش داشته و فعلاً به هزار تومان فروخته زیاده بر قیمت زمان ازدواج، خمس دارد و هر گاه قیمت اضافه نشده باشد خمس ندارد.

اگر خمس مالی را که متعلق خمس است از غیر آن مال بدهد

س

- زمینی بمبلغ پنج هزار تومان خریداری شده در آخر سال، هزار تومان خمس زمین دست گردان شده بتدریج از عوائد بین سال، آن هزار تومان اداء می‌شود در این صورت آیا این هزار تومان دست گردان شده باید بعد از تخمیس عوائد، پرداخت شود یا مثل سائر قروض است و بدون تخمیس اداء می‌شود؟.

ج

- بلی باید خمس هزار تومان را نیز اداء کند.

س

- شخصی اول سال حسابش مثلاً پانصد تومان بدهکار است بعد از دست گردان، سال دیگر بتدریج می‌پردازد، آیا اینها جزء مؤنه است یا نه و باید خمس اینها را بدهد یا نه؟.

ج

- اگر در اول سال، سرمایه را غیر از پانصد تومان قرار داد، در سال بعد خمس مقداری که از عوائد، بابت پانصد تومان می‌پردازد لازم نیست و اگر پانصد تومان را نیز از سرمایه محسوب دارد باید خمس آن را بپردازد.

س

- تجار و کسبه که آخر سال خمس، اموال خود را رسیدگی می‌کنند معمولاً بعد از اخراج خمس، سرمایه تصفیه شده را در دفتر خود یادداشت می‌نمایند نتیجتاً اگر از منافع بین سال، وجوه را بپردازند محتاج به تخمیس منافع نیست چون از اول، خمس را از سرمایه جدا کرده‌اند ولی غیر کسبه و تجار مثلاً

صفحه : ۳۴۸

کارگران یا طلباب که ایام محرم و صفر از طریق منبر، زندگی خود را اداره می‌کنند چنانچه در آخر سال، مبلغی بابت خمس،

بدهکار شدند پس از دست گردان، بر ذمه می گیرند حال که در بین سال از منافع و درآمد خود می خواهند آن وجوه را بپردازند لازم است اول، تخمیس منافع نمایند و یا بدون تخمیس، جائز است اداء دین - که سهمین باشد- بنمایند؟.

ج

- اگر مال تخمیس شده را مصرف نماید و قرض خود را در سال بعد، از منافع بپردازد اشکالی ندارد و لکن اگر تمام مال را ذخیره نماید و بخواهد از عوائد سال بعد، قرض خمس را بپردازد باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی مقداری وجه نقد دارد که خمس به آن تعلق گرفته ولی نمی خواهد خمس آن را از وجوه نقدینه بپردازد آیا می تواند از منافع امسال، خمس موجودی را بدهد یا نه؟.

ج

- از منافع سال بعد اگر خمس ربح سال قبل را بدهد مانعی ندارد ولی خمس مبلغی را که از بابت خمس ربح سال قبل، داده نیز باید بدهد.

س

- سرمایه شخصی، ده هزار تومان است و دو هزار تومان وجوه آن را پرداخته فعلاً- سرمایه وی ده هزار تومان است یا هشت هزار تومان؟.

ج

- اگر دو هزار تومان خمس را از مال مخمس یا از مالی که متعلق خمس نبوده پرداخته سرمایه، ده هزار تومان است و اگر از خود ده هزار تومان داده قهراً سرمایه، هشت هزار تومان می شود.

چیزی که خمس به آن تعلق گرفته به قیمت خرید حساب می شود یا به قیمت وقت وجوب اداء

س

- اگر شخصی بخواهد اموال خود را حساب کند و خمس آن را بپردازد در چه صورت قیمت مال متعلق خمس را روی حساب و ارزش سابق حساب کند و در چه صورت، روی ارزش فعلی؟.

ج

- اگر به ذمه خریده و پولی که خمس، به آن تعلق گرفته به ازاء آن داده قیمت روز خرید، کافی است و اگر بعین، خریده یا به ذمه

خریده و از ربع سال، وجه آن را پرداخته قیمت روز اداء، واجب است و با شک در این که بعین، خریده یا

صفحه : ۳۴۹

به ذمه، کمترین قیمت روز اداء و روز خرید را حساب کند و این در صورتی است که اموال مذکوره مال التجاره نباشد و الا ترقی قیمت مطلقا خمس دارد.

س

- شخصی ملکی را به قیمت گران خریده فعلا ارزش آن بنصف قیمت اولی رسیده حال می‌خواهد تخمیس کند آیا قیمت اولی را باید حساب کند یا قیمت بعدی را؟.

ج

- اگر پولی را که در مقابل ملک داده سال بر آن گذشته باشد خمس پول را باید بدهد و اگر سال بر آن نگذشته خمس قیمت فعلی ملک، کافی است.

س

- جمعی از کشاورزان، مبلغی وام از بانک کشاورزی دریافت نموده و چاه عمیقی حفر کرده و به مدت پنج سال وام دریافتی را به اقساط، پرداخت نموده‌اند فعلا که چاه بملک شخصی کشاورزان درآمده برای محاسبه سرمایه، همان وجه دریافتی از بانک، باید جزء سرمایه محسوب گردد یا قیمت فعلی چاه؟.

ج

- در مفروض سؤال باید هر سالی هر مقدار از بدهی خود را از بابت چاه می‌دهند خمس معادل آن را از قیمت آن بپردازند و در صورتی که اداء خمس را تأخیر انداخته باشند باید خمس قیمت فعلی سهم خود را از چاه بپردازند.

س

- شخصی می‌خواهد پدر خود را از زیر دین، بیرون بیاورد و مال او را حساب کند آیا می‌تواند املاک پدر را بهمان قیمت که او در زمان حیات خود خریده حساب کند یا نه؟.

ج

- اگر یقین داشته باشد که پدر، خمس آنها را نداده واجب است خمس قیمت فعلی آنها را بپردازد و تفاوت قیمت را با حاکم شرع، مصالحه نماید.

س

- شخصی ماشین کار خریده و خمس آن را نداده می‌خواهد حساب کند، ماشین به قیمت خرید حساب می‌شود یا به قیمت فعلی و هم چنین شخصی زمین زراعتی و یا باغ خریده آیا قیمت خرید حساب می‌شود یا قیمت فعلی.

ج

- اگر از درآمد سال، خریده و خمس نداده قیمت فعلی را حساب کند.

س

- این جانب در سال گذشته یک دانگ و نیم از یک ماشین کمپرسی جهت امرار معاش خریداری و آن را جزء سرمایه در موقع حساب سال

صفحه : ۳۵۰

محسوب نموده‌ام اکنون ماشین به قیمت خرید باید محسوب گردد، یا به قیمت فعلی چون قیمت فعلی از قیمت خرید پائین تر آمده است؟.

ج

- در فرض سؤال اگر سال گذشته قیمت سهم خود از ماشین را جزء سرمایه حساب کرده و خمس آن را پرداخته‌اید قیمت فعلی آن را جزء سرمایه محسوب دارید و می‌توانید کسری قیمت را از عوائد سال جبران کنید و چنانچه پول ماشین قرض بوده و در سال جاری قرض آن را اداء کرده‌اید در این صورت هم قیمت فعلی آن را حساب کنید.

س

- شخصی از عوائد سال، مصالح و ابزار کسب، خریداری کرده ولی بر اثر استعمال، قیمت آنها تنزل نموده و اینک آخر سال می‌خواهد برای اداء خمس، این ابزار را جزء سرمایه حساب کند قیمت فعلی را منظور بدارد، یا قیمت روز خرید را؟.

ج

- قیمت فعلی را.

فروش یا هبه برای فرار از خمس

س

- مقداری گندم داشتم قبل از رسیدن سال، برای آن که خمس آن واجب نشود آن گندم را فروختم و احتیاجی هم به پولش

نداشتم اگر آن پول بماند تا سال گندم برسد خمس آن واجب می‌شود یا نه؟.

ج

- بلی واجب است خمس آن داده شود.

س

- کسی معاملاتی را انجام می‌داده و برای فرار از تعلق خمس، در بین سال، دارائی خود را به دیگری بخشیده و باز آن شخص به او پس داده است چند سال باین حال گذشته و چند مرتبه بخشیده و پس گرفته آیا چنین شخصی از اداء خمس، شرعا معاف شده است یا نه؟.

ج

- اگر در همان سال، موهوب له، آن را به واهب ببخشد جزء فوائد همان سال است و باید خمس آن را در آخر سال بدهد و اگر در سال بعد، آن را به واهب ببخشد جزء فوائد سال بخشش، محسوب می‌شود و این در صورتیست که هبه، مناسب شأن و حال او باشد پس اگر مناسب شأنش نباشد از فوائد سال، محسوب است و باید خمس آن را بدهد خواهد آن را هبه نماید یا هبه ننماید.

صفحه : ۳۵۱

س

- حقوق ماهیانه گرفته می‌شود و برای ماه بعد، مصرف می‌گردد حال اگر سال شرعی برسد و گیرنده حقوق، مبلغ موجودی را به زن یا بیکی از فرزندان جهت فرار از خمس ببخشد و یک روز بعد از تمام شدن سال، دو مرتبه آن مبلغ را فرزند، و یا زن به مرد ببخشد خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- این گونه بخشش‌ها از مؤنه محسوب نیست و خمس آن واجب است.

جبران مال مخمس مصرف شده یا تلف شده از ارباح

س

- شخصی چندین سال است که حسابی پیش خودش داشته و مبلغی خمس، بدهکار بوده است و خدمت مرجع وقت، ارسال می‌داشته و امسال بنا بر عللی مبلغی ضرر کرده و جریمه داده و می‌خواهد برای سال آینده به حسابش رسیدگی کند اکنون چه تکلیفی دارد؟.

ج

- اگر این مبلغی که از او گرفته شده از سرمایه مخمس بوده در سال جاری که اضافه ندارد چیزی بر او نیست و آن چه را از بین رفته، جزء سرمایه، محسوب نکند و در نظر بگیرد سال دیگر اگر اضافه بر سرمایه فعلی داشت خمس آن را بدهد.

س

- شخصی هفتاد هزار تومان، سرمایه داشته خمس این سرمایه را داده بعد احتیاج پیدا کرده که طبقه فوقانی منزل را بسازد، لذا مقداری از سرمایه را خرج ساختمان منزل کرده، پنجاه هزار تومان برایش باقی مانده و چون جهت سرمایه او کافی نبوده مبلغ سی هزار تومان از بانک - با در نظر گرفتن طریق شرعی که دچار حرمت ربا نشود - وام گرفته و فعلاً سرمایه‌اش مبلغ هشتاد هزار تومان است و در هر ماهی باید مقدار قسط سی هزار تومان را بپردازد آیا سی هزار تومان مذکور، متعلق خمس هست یا نه؟

ج

- در فرض مسأله اگر در همان سال که سرمایه، مصرف خانه شده قرض کرده و همان سال از منافع، قرض آن را اداء نموده خمس، ندارد و اگر از منافع سالهای بعد، قرض آن را اداء کرده خمس دارد.

س

- شخصی مثلاً مقدار بیست هزار تومان سرمایه مخمس دارد بعد ضرر کرده و پانزده هزار تومان شد و به همین حال، تجارت کرد تا این که بیست و دو

صفحه : ۳۵۲

هزار تومان شد در این صورت آن کمی، جبران می‌شود و باید خمس دو هزار تومان را بدهد و یا جبران نمی‌شود و باید خمس هفت هزار تومان را بپردازد؟

ج

- ضرر هر سال را از منافع همان سال می‌توان جبران کرد و اما ضرر سال قبل را از منافع سال بعد نمی‌توان جبران نمود بنا بر این در مفروض سؤال، اگر ضرر و نفع، در یک سال بوده دو هزار تومان زائد بر رأس المال را باید تخمیس کرد و اگر در آخر سال اول پنج هزار تومان ضرر داشته و در سال بعد، نفع حاصل شده در سال دوم آن چه را که از پانزده هزار تومان زیاده‌تر باشد باید تخمیس نماید.

س

- شخصی سرمایه‌ای داشته و وجوه آن را داده و استطاعت حج هم برای او حاصل شده و مبلغی از آن سرمایه، به مصرف حج رسانیده و طلبی هم دارد که بعد از چند ماه وصول می‌شود آیا می‌تواند این طلب را جزء سرمایه خود قرار دهد که خمس آن را

ندهد یا نه؟.

ج

- اگر شخصی از سرمایه مخمس، در بین سال به مصرف حج برساند و در همان سال، ربح عائد او بشود می‌تواند خمس نداده، از ربح، سرمایه قبل را متمیم نماید لکن اگر طلب وصول شده، ربح سالهای پیش بوده خمس آن را باید بدهد و ما بقی را سرمایه نماید.

س

- کارگری که وجهی را مخمس نموده آیا می‌تواند در خلال سال، وجه مورد نیاز خود را از این پول مخمس بردارد و در ضمن همان سال، بهمان مقدار از پول غیر مخمس، به جای آن بگذارد و هر سال، این عمل را تکرار کند یا نه؟.

ج

- در صورت مفروضه آن چه را که از پول مخمس، صرف کند نمی‌تواند از پول غیر مخمس، جبران نماید و باید خمس غیر مخمس را بدهد بلی می‌تواند همه سال، منافع خمس نداده را در بین سال، صرف نماید و منافع خمس داده را نگهداری کند.

س

- شخصی مثلاً پنجاه هزار تومان سرمایه دارد ده هزار تومان آن را برای سفر مکه خرج کرد آیا میزان سرمایه او برای سالهای بعد چهل هزار تومان است یا همان پنجاه هزار تومان اولی؟.

صفحه : ۳۵۳

ج

- برای سالهای بعد چهل هزار تومان است.

س

- زارع یا کاسبی حساب سال خود را کرد و مبلغ پنج هزار تومان مثلاً سرمایه داشت و این سرمایه، در بین سال، مصرف یا تلف شد و در آغاز سال آینده صاحب سرمایه گردید آیا تخمیس سال گذشته کافی است یا باید سرمایه تازه بدست آورده را حساب کند؟.

ج

- در فرض سؤال که سرمایه مخمس، تلف شده و بعد از سال، سرمایه دیگر تهیه شده باید خمس سرمایه جدید را بدهد.

س

- آخر اسفند ۶۱ مبلغ هزار تومان وجه نقد در دفترچه پس انداز بانک داشته و خمس آن را هم دادم ولی اکنون که آخر اسفند ۶۲ می‌باشد پس از دو سه مرتبه پرداخت و دریافت، مبلغ دو هزار تومان در آن دفترچه، نقدینه دارم، لطفاً بفرمایید چه مبلغ باید خمس بدهم؟ آیا از مجموع دو هزار تومان، یا از هزار تومان امسال؟.

ج

- در فرض سؤال اگر در تمام سال بمقدار پول مخمس در بانک موجود بوده، فقط خمس هزار تومان را فعلاً باید بدهید ولی اگر تمام یا بعض مال مخمس در بین سال به مصرف مؤنه رسیده، باین معنی که مثلاً در بین سال گاهی اتفاق افتاده که در بانک، کمتر از هزار تومان داشته‌اید نمی‌توانید از عائد سال بعد، جای مصرف شده را پر کنید برای ندادن خمس.

س

- شخصی از موجودی نقدی خود که قبلاً تخمیس کرده بوده به مصرف مخارج مکه می‌رساند در این صورت می‌تواند آن مبلغ را از درآمد سال بعد، جبران کند و یا باید خمس درآمد سال بعد را بپردازد؟.

ج

- نمی‌تواند از درآمد سال بعد، آن را جبران نماید.

س

- شخصی در سر سال خمس خودش یک خروار برنج داشته و حساب کرده و خمس آن را داده و در بین سال، این برنج را مصرف کرده و باز در نزدیکیهای سال خودش برنج جدیدی خریداری می‌کند اکنون که سالش، فرا رسیده یک خروار برنج دارد آیا خمس برنج موجود سال دوم را باید بدهد یا نه؟.

ج

- بلی باید خمس آن را بدهد.

صفحه : ۳۵۴

س

- اگر کسی از مال مخمس، صرف نموده آیا جائز است مقابل آن را از ارباح جدید، استثناء کند یا جائز نیست؟.

ج

- اگر از سرمایه، صرف نموده می‌تواند در آخر سال، کسری سرمایه را از ارباح، جبران کند و اگر از سرمایه نبوده نمی‌تواند آن را استثناء نماید.

س

- اگر از پول تجارت که معمولاً سرمایه مخمس و ربح، با هم مخلوط است برای امرار معاش، آذوقه و وسائل را تهیه کند و در آخر سال، مقداری باقی بماند و آن بقیه را از نظر محاسبه سال، با سرمایه‌اش یک موجودی بحساب آورد و خمس را پردازد و سال دوم هم همین محاسبه را بعمل بیاورد در نتیجه آذوقه مخمس مصرف شده حکم مال التجاره موجود در بازار را پیدا می‌کند - که ربح جدید، کسری آن را جبران می‌کند - یا نه و آیا این محاسبه صحیح است؟.

ج

- این نحو محاسبه، صحیح نیست و فقط اگر از سرمایه، صرف کرده باشد با ارباح سال، کسری آن، جبران می‌شود.

س

- شخصی خمس یک خروار گندم را در سر سال، داده، می‌خواهد سال آینده با گندم جدید خود، معاوضه کند آیا باز آن گندم تازه، خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر با دیگری معاوضه نماید، به عوض آن نیز خمس، تعلّق نمی‌گیرد ولی اگر از مال خود بخواهد عوض آن را نگهدارد و آن گندم مخمس را مصرف کند بعد از گذشتن سال بر آن باید خمس آن را بدهد.

س

- آذوقه که از سرمایه و ربح، طبق معمول تهیه شده و در آخر سال، مقداری، از آن باقی مانده است ولی چون کاسب، خرجش از مداخلش بیشتر بوده در نتیجه، حتّی اگر آذوقه باقی مانده را هم اضافه کند باز کسر سرمایه دارد آیا واجب است خمس آذوقه را پردازد یا نه؟.

ج

- در فرض مذکور که آذوقه نیز از سرمایه یا عوائد، خریداری شده و فعلاً آن شخص کسری سرمایه دارد خمس ندارد.

چیزی که خمس آن داده شده دیگر خمس ندارد

س

- یک نفر نزد شخصی پولی را به امانت گذاشت پس از مدتی

صفحه : ۳۵۵

وصول کرد، بفرمایید اگر صاحب پول ابتداء خمس آن را داده باشد در مرتبه دوم که پول را پس گرفت باز باید خمس آن را بدهد یا لازم نیست؟.

ج

- اگر خمس آن را قبلا داده بعد که پس می گیرد دیگر خمس بر او نیست.

اگر مشکوک باشد که میت خمس اموال خود را داده یا نه؟

س

- شخصی در حیات خود، ملکی را خریداری نموده و بعد از فوت او ورثه نمی دانند که مورث، خمس آن ملک را داده یا نه؟.

ج

- با علم به این که ملک مذکور، متعلق خمس بوده مثل این که در بین سال، از عوائد سال، آن را خریده - و شک در اداء خمس، تخمیس آن بر ورثه، واجب است.

س

- اگر آب و ملکی از متوفی بعنوان ارث مانده ورثه می دانند که مورث، خمس نمی داده ضمنا این آب و ملک، در اختیار ورثه و جزء سرمایه آنها است و ملک را زراعت می کنند و حاصلش را صرف مؤنه زندگی می نمایند و تحولاتی در آن - از لحاظ گرانی و ارزانی و از لحاظ این که مقداری آبادتر و مقداری خشک و از محصول افتاده - پیدا شده، ورثه، برای تعیین خمس این ارثیه، روی چه قیمتی باید حساب کنند و خمس آن را بدهند خواهشمند است فروع مسأله را مفصلا بیان فرمائید؟.

ج

- اگر بدانند عین ملک، مورد تعلق خمس بوده و اداء نشده خمس قیمت فعلی را بدهند و اگر ملک موروثی، متعلق خمس نباشد، لکن مورث، خمس، بدهکار باشد هر یک از ورثه، بر حسب سهم الارث خود آن چه در ذمه میت، از خمس است اداء نمایند تا بتوانند در ترکه، تصرف کنند.

س

- اگر از متوفی مدرکی دال بر تخمیس اموال و حساب سال داشتن پیدا نکنند آیا بر ورثه در این صورت لازم است قبل از تقسیم

ارثیه خمس اموال را بدهند (در فرض بودن صغار)؟.

ج

– اگر یقین دارند خمس بر ذمه متوفی تعلق گرفته و شک داشته باشند که پرداخته یا نه واجب است از اصل ترکه او اداء کنند ولی اگر شک داشته باشند

صفحه : ۳۵۶

که تعلق گرفته یا نه تکلیفی ندارند. و الله العالم.

س

– ثلثی که برای میت مصرف می‌کنند باید تخمیس شود یا خیر؟.

ج

– اگر بدانند که بر مورد ثلث خمس مستقر شده و میت نداده باید اول آن را تخمیس و بعد بقیه را صرف میت نمایند.

بدهی خمسی میت از اصل ترکه خارج می‌شود

س

– شخصی فوت نموده و پدر و مادر و فرزند هم ندارد و در وصیت نامه‌اش تذکر داده که خمس مال خود را نپرداخته‌ام وصی و ناظر من خمس اموال را بپردازند و ثلث خود را هم اختصاص به کفن و دفن و نماز و روزه و حج داده، حال آیا خمس را از اصل مال باید داد یا از ثلث؟.

ج

– در فرض مسأله، خمس از اصل مال باید خارج شود و پس از اخراج خمس، ثلث باقی مانده را به مصارفی که وصیت نموده برسانند.

تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته یا مشکوک است

س

– اگر کسی پولی قرض بگیرد و قرض دهنده خمس این پول را نداده باشد بر قرض گیرنده واجب است که خمس آن را بدهد یا نه مخصوصاً در صورتی که قرض دهنده، مبلغی را که قرض گیرنده، بعنوان خمس داده قبول نداشته باشد و به قرض گیرنده ندهد؟.

ج

- اگر بداند بر خصوص آن پول، خمس تعلق گرفته، قبل از اداء خمس، جایز نیست در آن تصرف نماید.

س

- اشخاصی که خمس بدهکارند و ربا هم در مال آنها وجود دارد برای تعمیر مسجد و خرید زیلو و حصیر و کاشی و تعمیر حمام کمک مالی می‌دهند آیا مصرف چنین پولهایی در حمام و مسجد صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که شرعا صحیح نباشد راه حلی دارد یا نه؟.

ج

- اگر معلوم نباشد عین مالی که صرف مسجد یا حمام می‌شود متعلق خمس یا از حرام است تصرف در آن، مانعی ندارد و اگر یقین دارد که متعلق خمس یا زکاة است و صرف در اجرت بنا و عمله، نموده باشند نماز و غسل، اشکال ندارد و در صورتی که با آن، چیزی خریداری شده که فعلا موجود است نسبت

صفحه : ۳۵۷

به زکاة، در غیر ممتنع، با اذن خود دهنده و در ممتنع با اذن حاکم شرع، معامله را امضاء و بابت زکاة محسوب دارند و در خمس نیز مقداری از آن چه را که موجود است و کیل هستند از طرف حقیر قبول نموده و صرف مسجد و حمام نمایند و اما از جهت مال ربوی اگر صاحبان آن را می‌شناسند استحلال نمایند و اگر نمی‌شناسند حاکم شرع، معامله را امضاء کند و آن عین را به فقیر بدهد و او صرف مسجد نماید.

س

- شخصی مبلغی در حدود بیست و پنج هزار تومان پول نقد با مغازه و سرمایه داشته و خمس آن را نداده و فوت نموده و وارث غیر بالغ دارد آیا خمس اموال او را بدهند یا از جهت این که وارث صغیر دارد، خمس بمال ولی تعلق نمی‌گیرد؟.

ج

- در فرض مسأله، واجب است خمس آن را پردازند و قبل از اداء خمس، تصرف در آن، جائز نیست اگر وصی دارد بر وصی واجب است و اگر وصی ندارد با اذن حاکم شرع باید پردازند.

س

- بنده داد و ستدی نسبتا گسترده و با افراد زیادی معاشرت دارم و در موضوع کارم ناچارم که با مردم، معاشر باشم و یقین دارم که غذای میزبان و طرف معامله‌ام و پولی که از آنها تحویل می‌گیرم غیر مخمس و غیر مزگی است و اگر ترک معاشرت کنم معامله‌ام

تعطیل می‌شود و عسر و حرج لازم می‌آید در این صورت، تکلیفم چیست؟.

ج

- بعید نیست که این گونه موارد، جزء شبهه غیر محصوره و یا خارج از محل ابتلاء باشد و در چنین صورتی، احتیاط، لازم نیست. بلی اگر یقین دارید که مورد ابتلاء شما عیناً متعلق خمس است چنانچه مفروض سؤال است تصرف در آن بدون اذن ولی خمس، جائز نیست.

س

- اشخاصی که اموالی را از طریق کسب مشروع و غیر مشروع بدست آورده و حساب سال ندارند و گاهی بدون حساب، چیزی به فقرا و سادات کمک می‌کنند آیا جائز است که - بعنوان مهمانی و ضیافت - از مال آنها خورد و استفاده کرد یا نه؟.

صفحه : ۳۵۸

ج

- با علم به این که عین مال مورد ابتلاء، خمس به آن تعلق گرفته و داده نشده تصرف در آن، جائز نیست مگر آن که خود مالک و در صورت امتناع، خود متصرف با اجازه حاکم شرع، خمس آن را پردازد یا با اجازه حاکم شرع، خمس مقدار مصرفی را به ذمه بگیرد و بعد پردازد.

س

- شخصی مدت پنجاه سال خمس و وجوه دیگر بر ذمه او بوده و با ندادن وجوه، اداء فرائض می‌نموده حتی مکه معظمه هم مشرف شده اکنون می‌خواهد اموالش را حساب کند که اداء خمس نماید عبادات گذشته او چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض مسأله اگر عالم بوده که مثلاً فرشی که روی آن نماز می‌خوانده خمس به آن تعلق گرفته و از روی معصیت، تأخیر انداخته و با توجه به این که نماز در آن، باطل است نماز می‌خوانده نمازش باطل است اما در صورت عدم علم، یا غفلت، نمازش صحیح است و آن چه را نمی‌داند صحیح واقع شده یا باطل، محکوم به صحت است و هم چنین سائر عبادات، و در حج اگر قربانی و جامه احرام و نعلین در حال وقوف و سعی، غصبی، نباشد حج، صحیح است و با التفات به این که جامه احرام - و یا نعلین در حال وقوف و سعی - مورد تعلق خمس بوده یا با پول غیر مخمس به معامله عین به عین تهیه شده، حج باطل می‌شود و قربانی اگر از عین غیر مخمس باشد یا با پول غیر مخمس به معامله عین به عین تهیه شده باشد کفایت نمی‌کند و باید دوباره قربانی کند.

س

- کسانی که باید خمس بدهند و نمی‌دهند، وظیفه عیالات آنها- که نانخور ایشان هستند و اطلاع از وضعشان دارند- چیست؟.

ج

- اگر بدانند که عین مال مورد ابتلاء ایشان متعلق خمس است خوردن و تصرف در آن، قبل از اداء خمس، جائز نیست و لکن می‌توانند با اذن حاکم شرع خمس آن چه را که تصرف می‌کنند بر ذمه بگیرند و بعد ادا کنند و اگر ندانند خوردن و سایر تصرفات، برای ایشان جائز است.

س

- شخصی خانه‌ای خریده و قیمت آن را از پول غیر مخمس داده شخص ثالثی مانند مستأجر مثلاً، نمی‌داند آیا خریدار، آن را با عین پول خمس

صفحه : ۳۵۹

نداده خریده یا این که به ذمه خریده و می‌خواهد که بعد، از غیر مخمس، ذمه خود را بری نماید، اکنون تصرفات شخص ثالث چه صورت دارد؟.

ج

- تصرفات شخص ثالث، مانعی ندارد.

س

- شخصی که در پرداخت خمس، کوتاهی می‌کند چه حکمی دارد؟.

ج

- معصیت کرده و تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته جائز نیست و معاملات و تصرفات واقعه بر آن، در مقدار خمس، فضولی است.

س

- هر گاه کسی خمس و زکاء نمی‌دهد- ولی نه بر سیل انکار- و یا اموال او از طریق غیر مشروع مانند ربا و رشوه و غیرهما، بدست آمده باشد انسان می‌تواند بعنوان مهمانی و یا عناوین دیگر، در اموال چنین شخصی، تصرف نماید و آیا صدقات مندوبه و روضه خوانی و دیگر مستحبات، بحال او نافع است یا نه؟.

ج

- اگر انسان، احتمال بدهد خصوص اموالی که مورد ابتلاء او است حرام نباشد یا شک در تعلق خمس و زکاء به آن‌ها داشته باشد، تصرف در آنها جائز است و امّا اگر علم به غصب بودن یا تعلق خمس و زکاء بر آنها داشته باشد، تصرف جائز نیست و اگر در صورت تعلق خمس و زکاء بر آنها تصرف کرد ضامن است و باید خمس و زکاء آنها را خود او اداء نماید و صدقه مندوبه یا اعمال مستحبه دیگر در صورتی که از مال حلال باشد صحیح است و مأجور خواهد بود لکن موجب برائت ذمه او از دیون مالیه نخواهد شد.

س

- گاهی شخصی که خمس نمی‌دهد میهمانی می‌کند و از همان مال غیر مخمس هم مصرف میهمانی می‌نماید آیا خوردن این غذاها جائز است یا نه؟ و دیگر این که اگر تنها همان مبلغ مخارج سفره را تخمیس نماید- نه همه اموالش را - آیا خوردن آن غذاها مباح است یا نه؟.

ج

- با شک در این که عین آن چه در سفره، حاضر می‌شود متعلق خمس شده تصرف در آن، اشکال ندارد ولی اگر بداند که عین آن، متعلق خمس شده و پرداخت نشده یا با عین مالی که خمس آن اداء نشده خریداری شده تصرف در آن،

صفحه : ۳۶۰

جائز نیست. و تخمیس آن، در صورتی کافی است که خصوص آن عین، متعلق خمس شده باشد ولی اگر در ضمن اشیاء دیگر به آن خمس تعلق گرفته باشد تخمیس خصوص آن کافی نیست.

س

- زنی که خمس جهیزیه‌اش را نداده شوهر می‌تواند در آن جهیزیه، تصرف کند یا نه؟.

ج

- با علم به تعلق خمس و عدم پرداخت، نمی‌تواند در آن تصرف کند تا خمس آن پرداخت شود.

س

- اگر از پولی که خمس آن را نداده‌اند مسجد درست کنند نماز در آن مسجد چه صورت دارد؟.

ج

- اگر معلوم نباشد که مصالح آن به عین پول متعلق خمس، خریداری شده اشکالی ندارد و الا در صورتی که صاحب پول، حاضر نباشد که خمس آن را بدهد محتاج به مراجعه به مجتهد است.

س

- شخصی با مال غیر مخمس، به مکه رفته و بحاکم شرع، رجوع نکرده در این صورت حجش صحیح است یا نه؟.

ج

- خمس را باید بدهد ولی حجش صحیح است مگر آن که لباس احرامش را بعین مالی که متعلق خمس باشد خریده و با التفات به غضب بودن، آن را پوشیده باشد.

س

- کسی مستطیع شد و در سال استطاعت، به حج نرفت و سال بعد به مکه رفت و پس از مراجعت، جهت ولیمه، از نتاج گوسفندان خود استفاده کرد و هم چنین قرضی را که داشت از گوسفندان خمس نداده، اداء نمود، حال آیا باید خمس گوسفندانی را که جهت ولیمه و یا قرض، مصرف شده بدهد یا نه؟.

ج

- اگر ولیمه و قرض را از ارباح سالهای پیش داده، باید خمس آن را بدهد و اگر از ارباح سالی است که ولیمه و قرض را داده، خمس ندارد.

پدر و فرزندی که زندگی و کسبشان با هم است چگونه خمس بدهند

س

- پدر و فرزندی که با هم زندگی می کنند و فرزند، هیچ گونه اختیاری از خود ندارد و در شئون زندگی، جدائی ندارند و هر کدام چیزی پیدا کردند

صفحه : ۳۶۱

با هم خرج می کنند آیا باید هر کدام، حساب سالیانه جدا داشته باشند یا اگر پدر مثلاً دارای حساب سال باشد کافی است؟.

ج

- هر یک از این دو نفر، خمس آن چه را که از مخارج سالشان زیاد آمده با وکالت از دیگری بدهد- بقصد ما فی الذمه هر کدام - کافی است.

در تعلق خمس و زکاة کدامیک مقدم است

س

- کسی که از ربح و سود سرمایه خود قبل از تمام شدن سال خمس، تعدادی از گاو یا گوسفند که به حد نصاب است خریداری کند آیا دادن زکاة و خمس هر دو واجب است یا یکی از آنها؟.

ج

- در فرض مسأله که قبل از تمام شدن سال زکاة، سال خمس تمام می‌شود واجب است خمس را بپردازد و بعد از اداء خمس، اگر بمقدار نصاب، باقی باشد پس از حلول حول زکاة، واجب است زکاة جنس زکوی باقی مانده را - چه عین سرمایه باشد چه سود- بپردازد.

س

- کسی که حساب سال ندارد و ذمه او، هم به زکاة و هم به خمس مشغول است و فعلاً می‌خواهد اداء نماید کدام را مقدم بدارد؟.

ج

- باید زکاة را حساب کند و بدهد و بعد هر اندازه ربح، پس انداز کرده خمس آن را بپردازد.

س

- شخصی چند سال، مالی را که متعلق خمس و زکاة بوده - از قبیل نقدین - در اختیار داشته و خمس و زکاة آن را نداده اکنون که در مقام اصلاح برآمده آیا باید اول خمس بدهد و بعد زکاة را یا اول زکاة را بدهد و بعد، خمس آن را اداء نماید؟.

ج

- اگر نقدین را در یک روز بدست آورده و سال خمس نداشته به نحوی که همان روز حصول فائده، مبدأ سال خمس بوده قهراً چون استقرار زکاة، قبل از استقرار خمس است باید اول زکاة را اخراج کند و بعد خمس ما بقی را بدهد و اگر سال خمس داشته و پایان سال خمس او قبل از استقرار زکاة باشد باید خمس آن را بدهد و اگر بقیه بمقدار نصاب بوده زکاة آن را نیز بپردازد و نسبت به سالهای بعد اگر بر نقدین اضافه نشده و با کسر خمس از آن و کسر بدهی زکاة سال یا سالهای

صفحه : ۳۶۲

قبل، باز هم بمقدار نصاب است فقط باید زکاة داده شود.

تعلق خمس و زکاة بنحو اشاعه است

س

- اگر کسی با سرمایه‌ای که متعلق خمس بوده و با ربح خمس نداده آن مشغول کسب شده و چند سال به همین وضع، کسب کرده باشد خمس اصل سرمایه و زیادی ربح و اشیائی که می‌داند بعد از تمام شدن سال ربح، از ربح، تهیه کرده - اعم از این که آن اشیاء، مؤنه و ما يحتاج باشند یا غیر آنها - بدهد کافی است یا این که مستحقین خمس، در سرمایه و تمام ارباح چند سال و اشیائی که با آنها تهیه شده شریکند، و باید از آنها هم حَقشان را بدهد و هم چنین در چیزی که متعلق زکاء بوده و زکاء آن را نداده و چند سال با آن کسب نموده یا از نماء آن استفاده کرده است. خلاصه خمس و زکاء که متعلق بعین است نه به ذمه، حق متعلق به شخص عین است یا به مالیت آن یا بنحو اشاعه یا کلی فی المعین و در هر صورت چه در سرمایه غیر مخمس و غیر مزکی چه اشیائی که از نماء و منفعت آنها تهیه شده امضاء حاکم شرع هم لازم است یا لازم نیست؟.

ج

- بنظر حقیر خمس و زکاء، بنحو اشاعه است پس اگر معاملاتی که واقع شده بعین مال زکوی یا متعلق خمس، واقع شده، آن معامله نسبت بخمس و مقدار زکاء آن، فضولی است و اگر حاکم شرع، امضاء نماید ملک ارباب خمس و زکاء می‌شود و احکام شرکت، در آن جاری است ولی اگر زکاء عین زکوی و خمس عین مال متعلق خمس را بدهد کافی است و اگر معامله، بنحو کلی، واقع شده چنانچه غالباً این قسم است معامله برای خود شخص، واقع می‌شود و با فرض این که پول آن را از مال خمس نداده اداء نموده باشد باید خمس آن پول را بدهد و حکم نسبت به مال زکوی نیز چنین است.

س

- بعضی از کسانی که قصد زیارت مکه معظمه را دارند مبلغی را جهت رفتن و برگشتن، قرار می‌دهند و از همین مبلغ، خمس آن را اداء می‌کنند آیا این عمل، صحیح است و یا باید از تمام اموال، خمس را خارج نمود؟.

ج

- اگر اموال او وجه نقد باشد و خمس آن را نداده، دادن خمس مقدار مصرف حج، موجب جواز تصرف در بقیه نیست و تا خمس تمام آن را ندهد

صفحه : ۳۶۳

نمی‌تواند در آن وجوه، تصرف کند. بلی اگر اعیانی مثل خانه و زمین و باغ، متعلق خمس باشد و خمس یکی از آنها را بدهد و آن را بفروشد و صرف حج نماید جائز است.

س

- گوسفند غیر مخمس را صاحب گوسفند، به قصایب فروخت و او هم ذبح کرد و تمامی گوشت آن را فروخت آیا خریداران گوشت، بعد از این که علم پیدا کردند، باید خمس آن را بدهند یا خمس آن به ذمه متلف است؟.

ج

- اگر خریدار گوشت، علم دارد که خمس به آن تعلّق گرفته و اداء نشده نمی‌تواند آن را بخرد و اداء خمس آن مقدار، در حلیّت آن، کافی نیست لکن خریدار، پس از اتلاف مقداری که خریده اگر خمس آن مقدار را بدهد ذمه‌اش بری می‌شود.

آیا از مال کسی که خمس بدهکار است بدون اذن او می‌توان خمس داد یا نه؟

س

- آیا زوجه می‌تواند بدون اجازه فرزندان از اموال شوهر خود که فوت نموده خمس بدهد- چون ممکن است ورثه اداء نکنند و بگویند خمس بدهکار نبوده - یا نمی‌تواند؟.

ج

- اگر زوجه، یقین داشته باشد که خمس بر میت واجب بوده و بداند که ورثه دیگر نمی‌دهند و مال تحت ید او باشد واجب است با اذن حاکم شرع خمس را از آن مال، اداء کند.

س

- شخصی، خمس مدیون است و نمی‌دهد، آیا متصدی حساب او می‌تواند محرمانه خمس درآمد او را بردارد و با اجازه حاکم شرع به مستحق برساند یا نه؟.

ج

- اگر ممتنع باشد با اجازه حاکم شرع جائز است.

س

- مادری نانخور فرزندش می‌باشد و می‌داند پسرش حساب خمس ندارد در این صورت مادر می‌تواند بقدر آن چه خودش از آن، صرف می‌کند از همان پولی که پسرش به او داده خمس بدهد یا نه؟.

ج

- بلی خودش خمس آن را با اذن حاکم شرع بدهد.

صفحه : ۳۶۴

س

- چند نفر، در مال التجاره، شرکت دارند یکی از آنها حاضر به اداء خمس است، ولی دیگران، امتناع می‌ورزند حال آیا آن یک

نفر می‌تواند بدون اجازه آنان، خمس مال التجاره را بدهد و بر فرض این که اداء کند، از ذمه آنان ساقط می‌شود و یا باید به اجازه مجتهد باشد؟.

ج

- اداء خمس، از مال شخص ممتنع، با اذن مجتهد، جائز است. بلی اگر شریکی که خمس نمی‌دهد ولی ممتنع هم نیست او را وکیل نماید که بهر نحو خواست عمل کند و او با قصد قربت، اداء خمس نماید کافی است.

س

- پدر من خمس بر ذمه دارد، من که فرزند او هستم اگر از طرف او خمس را اداء کنم در صورتی که می‌دانم راضی است، آیا ذمه او بری می‌شود یا نه؟.

ج

- در صورتی که خود پدر امر کرده باشد جائز است، و الا با اداء فرزند، بدون اذن پدر، ذمه پدر از خمس بری نمی‌شود.

س

- چیزی که در خانه از مخارج سال زیاد می‌آید اگر شوهر، خمس آن را ندهد بر زن، تکلیفی هست یا نه؟ و زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش خمس آن را بدهد یا نه؟.

ج

- اگر مرد از اداء خمس آن امتناع کند و مفسده‌ای در کار نباشد، زن خودش خمس آن را با اذن حاکم شرع بپردازد.

دست گردان خمس

س

- زید با امام مسجد، سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات را دست گردان می‌کند ولی مرجع تقلیدش فوت می‌نماید و مقلد مجتهد دیگر می‌شود، امام مسجد مطالبه می‌کند زید می‌گوید مرجع تقلید من که شما وکالت از او داشتید فوت کرده الآن مقلد مجتهد دیگر شده‌ام وجه را باید به او بدهم نه به شما آیا این حرف زید مسموع است یا نه؟.

ج

- امام مسجد اگر بعنوان وکالت از مرجع، وجه را با زید، دست گردان کرده حرف زید مسموع است؟.

س

- دست گردان کردن وجوه باید در محضر مجتهد اعلم باشد یا با

صفحه : ۳۶۵

هر یک از اهل علم، مانعی ندارد؟.

ج

- دست گردان وجوه، باید یا با خود مجتهد جامع الشرائط، باشد و یا با مأذون از طرف او.

س

- کسانی که سال قرار می دهند و دست گردان می کنند و بعدا وجه دست گردان شده را نمی دهند یا مقدار کمی از بدهکاری خود را داده و بقیه را نمی دهند آیا تصرف در خانه و اثاث خانه و بقیه اموالشان جائز است یا نه؟.

ج

- اگر از اول، که دست گردان نموده قصد دادن نداشته اموال او متعلق خمس است و تصرف در آن، جائز نیست و اما اگر در موقع دست گردان قصد اداء داشته و بعد، مسامحه می نماید تصرف در آن اموال، مانعی ندارد.

س

- اثر دست گردان در باب خمس چیست؟ آیا اذن فقیه، در تصرف و مقروض بودن کسی که خمس بر او واجب شده - نسبت به خمس - کافی نیست و نمی تواند کار دست گردان را بکند؟.

ج

- با اذن فقیه، در تصرف، معاملاتی که با عین مال غیر مخمس انجام می گیرد برای مدیون خمس، واقع نمی شود بلکه یا وکاله از جانب فقیه، واقع می شود و برای ولی خمس است و یا اگر اذن، وکالت نباشد فضولی است و با اجازه فقیه باز هم برای ولی خمس واقع شده است و در این دو صورت آن چه معاملات نسبت به خمس، ربح کند ملک اولیاء خمس خواهد بود و اذن، اشتغال ذمه خاصی غیر از آن چه قبلا مدیون خمس داشت نمی آورد و اثر دست گردان این است که خمس که متعلق به عین بود به ذمه دست گردان کننده تعلق می گیرد و معاملات خمس دهنده، بی اشکال و برای خودش واقع می شود و ربیعی که حاصل می شود همه متعلق به خود اوست.

س

- شخصی از یکی از آیات عظام تقلید می‌کرده و اکنون بناء تقلیدش را بر فتاوی مرجع دیگری قرار داده، در صورتی که مقداری از وجوهات خود را به نماینده مرجع اولی پرداخت کرده، و بقیه را دست گردان نموده، و بر ذمه دارد، این مبلغ پرداخت نشده چه صورتی پیدا می‌کند؟ آیا به نماینده مرجعی که فعلا از او تقلید می‌کند باید پرداخت شود؟ یا به نماینده مرجع اولی؟.

صفحه : ۳۶۶

ج

- با فرض دست گردان با مرجع اولی، باید به خود او داده شود یا با اجازه او به دیگری بدهد.

س

- افرادی که وجوه خود را نزد مجتهدین، دست گردان می‌کنند و بدهکار می‌شوند جائز است که مسامحه در پرداخت آن بنمایند؟ و نیز بفرمایید دست گردان نمودن با چک مدّت دار یا چکی که وعده آن رسیده صحیح است یا خیر؟.

ج

- باید هر وقت عرفا متمکن شدند بپردازند و در مورد سؤال دوّم، دست گردان با چک صحیح نیست.

موارد جواز یا عدم جواز مصالحه در خمس

س

- اشخاصی که از آقایان مراجع تقلید، اجازه سهم مبارک امام علیه السّلام را دارند می‌توانند با دهندگان وجه به کمتر،- مثلا هشتصد تومان را به سیصد تومان - مصالحه کنند- با این که بدهکار وجه، قدرت بر اداء آن را دارد- یا نه؟.

ج

- با فرض اشتغال ذمه، به سهم مبارک امام علیه السّلام، و تمکن از اداء آن، مصالحه به کمتر جائز نیست.

س

- گاهی بعضی از کسانی که در صدد پرداخت وجوه می‌باشند- چه آنان که پول نقد می‌دهند یا آنان که دست گردان می‌کنند- خواهش تخفیف و ارفاق و بخشش می‌کنند آیا اجازه می‌فرمایید- مخصوصا بلحاظ این که امکان دارد اگر ارفاق نشود از اصل پرداخت حقوق، منصرف شوند- موافقت نمود و قدری از آن را صرف نظر کرد یا نه؟.

ج

- در مورد خمس یقینی، تخفیف و بخشش، جائز نیست و اجازه نمی‌دهم و حاضر نبودن بعضی برای اداء واجب، بدون تخفیف، مجوز آن نمی‌باشد.

س

- عده‌ای از آایان روحانیون که به شهرستانها و قریه‌ها برای تبلیغ، می‌روند و در موقع رسیدگی به اموال مردم و پس از رسیدگی، مبلغی از خمس آن اموال را به آنها می‌بخشند آیا این بخشش، شرعی است و صاحبان

صفحه : ۳۶۷

اموال، بریء الذمه می‌شوند یا نه؟.

ج

- جائز نیست خمس را ببخشند و بخشیدن، کافی در برائت ذمه نیست بلی در موردی که مشکوک است که آیا متعلق خمس، واقع شده یا نه؟ جائز است که مجتهد و یا مأذون از طرف او مشکوک را به مبلغی مصالحه نماید.

س

- صلاحیت آقایان نمایندگان آن حضرت، در موقع حساب خمس اشخاص در بخشش آنها به خمس دهنده تا چه حد است؟.

ج

- اصلاً در خمس بخشش به خمس دهنده، صورت شرع ندارد. بلی در بعض موارد شبهه، به مصالحه عمل می‌شود و همین طور وقتی که مکلف، قادر بر اداء آن نباشد چنانچه مستحق خمس، راضی شود که به عنوان خمس بگیرد و دوباره ببخشد اشکال ندارد به نحوی که در رساله توضیح المسائل مرقوم شده، مراجعه شود.

س

- اگر عینی از درآمد سال زیاد آمد که قیمت واقعی آن در بازار، نامعلوم است و به اختلاف قیمت می‌کنند باید روی چه قیمتی این عین، تخمیس شود؟.

ج

- احوط آن است که با مجتهد، مصالحه کنند.

حکم خمس در مورد اموال کسی که قبل از حلول سال خمسی خود فوت نماید

س

- شخصی مالش را حساب کرده و خمس آن را اداء نموده و سالی هم برای خودش قرار داده و در وسط سال فوت کرده، آیا جائر است ورثه از ترکه او در تجهیز و تکفین و در سائر خیرات و مبرات او خرج و مصرف نمایند یا باید خمس مال را بدهند بعدا خرج کنند؟.

ج

- آن چه از ربح سنه فوت، در مؤنه، مصرف نشده خمس آن را باید پردازند و از مال خمس داده به مصرف تجهیز برسانند.

س

- در رساله توضیح مرقوم فرموده‌اید که اگر کسی در بین سال بمیرد، آن چه از منافع مانده خمس دارد بنا بر این اگر زارع یا غیر او در بین سال بمیرد و مقداری گندم و آرد مانده که اگر نمرده بود تا آخر سال می‌خورد، آیا خمس آن مقدار که مانده باید ورثه او بدهند و تصرف کنند یا لازم نیست که خمس آن را

صفحه : ۳۶۸

بدهند.

ج

- باید خمس آن را بدهند.

حکم خمس در باره بچه غیر بالغ

س

- بچه‌ای که ممیز نشده بولی از دست مزد خود دارد و به پدرش هم نداده آیا این پول، خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر صرف در مؤنه سال نکند خمس دارد و پدر، مکلف به اداء خمس آن است.

س

- اطفالی که اولیای ایشان آنها را به کسب و ادار می‌کنند و از درآمد کسبشان چیزی برای آنان می‌خرند یا جوانانی که فعلا در خانه پدر و مادر بسر می‌برند و برای آتیه خود خانه و اثاثیه، تهیه می‌کنند در فرض اول آیا اولیای آنان باید خمس مال ایشان را بدهند یا خود اطفال بعد از بلوغ، باید اداء کنند، و در فرض دوم، جوانان - چون فعلا احتیاج ندارند- باید خمس چیزهائی را که خریده‌اند بدهند یا نه؟.

ج

- در صورت اول اولیاء و در صورت دوم خودشان باید خمس را بدهند.

س

- پولی که والدین به فرزندان خود می‌دهند، و آنان در قَلک خود نگهداری می‌کنند، آیا تخمیس آن به عهده والدین است، یا به عهده فرزند بعد از رسیدن به سن بلوغ؟.

ج

- پدر از مال خود فرزندان در آخر سال باید خمس پول جمع شده در آن سال را از طرف فرزند بدهد.

س

- فرموده‌اید خمس دادن عوض دیگری مبرئ ذمه نیست، حال اگر پدری بخواهد پول پس انداز بچه خردسالش مخمس باشد، و از پول بچه بر ندارد بلکه از جیب خود بدهد راه شرعیش چگونه است؟.

ج

- باید ابتداء از مال خود به بچه ببخشد، و آن را عوض خمس بدهد.
بشرط آن که آن مال مخمس باشد یا خمس به آن تعلق نگرفته باشد و قصد قربت از طرف ولی طفل کافی است و هم چنین از وکیل، در صورتی که وکالت، در اداء از طرف موکل باشد.

صفحه : ۳۶۹

حکم خمس در مورد نذر

س

- شخصی نذر کرده که یک سال هر چه کسب کرده ده یک سود آن برای حضرت ابو الفضل علیه السلام باشد، چنین نذری منعقد می‌شود یا نه و در صورت انعقاد، خمس، بر ده یک درآمد- که مورد نذر است - تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر مقصود ناذر، نذر برای آن حضرت بعد از گذشتن سال و استقرار خمس بوده باید خمس مجموع ربح را بدهد و ده یک از بقیه را صرف نذر نماید و اگر مقصود، این بوده که هر فائده‌ای که در اثناء سال برای او حاصل شود ده یک آن، نذر آن حضرت

باشد باید ده یک، صرف نذر شود و خمس بقیه را بدهد و بهر حال اگر نذر، مطلق است پرداخت ده یک در محل خمس، بقصد ما فی الذمه از خمس و نذر، بی اشکال است.

سی

- شخصی از درآمد حقوق خود ماهی مبلغ معینی را نذر حضرت عباس علیه السلام نموده و به مرور ایام بدو هزار تومان رسیده، در این صورت وجوه نذری، متعلق خمس شده یا نه و در صورت تعلق، از عین برداشته می شود یا بر ذمه ناذر است و نیز آن وجوه را در چه راهی مصرف نماید؟.

ج

- در فرض مسأله، اگر نذر صحیح نموده و صیغه عربی یا فارسی به نحوی که در رساله نوشته شده خوانده باشد و نذر بنحو نذر نتیجه باشد، وجه، مال حضرت ابو الفضل است و خمس ندارد و اگر نذر بنحو نذر فعل کرده که در راه آن حضرت صرف نماید پس از تمام شدن سال، خمس دارد و نسبت به مصرف اگر جهت خاصی را در نظر نگرفته در هر امر خیری در راه آن حضرت مصرف نماید کافی است.

سی

- شخصی با مراعات تمام شرائط، نذر کرده که ۵-۱ عوائد از وجه نقد را کنار گذارم، فقط برای رفتن و برگشتن به زیارت یکی از چهارده معصوم علیهم السلام حال اگر در عرض سال خمسی موفق نشدم، آیا این ۵-۱ پول نذر شده جزء مؤنه سال محسوب است که خمس نداشته باشد یا زائد بر مؤنه است که خمس

صفحه : ۳۷۰

تعلق بگیرد؟.

ج

- در صورتی که در بین سال به مصرف نذر برساند، خمس ندارد، ولی اگر سال بر آن بگذرد و بعد بخواهد به مصرف نذر برساند خمس آن واجب است.

خمس سرقفلی

سی

- اگر کسی از پول خمس نداده، سرقفلی مغازه‌ای را بخرد چنانچه در آخر سال، آن را بفروشد ما زاد را باید جزء منافع سال بیاورد یا نه؟ و اگر از منافع سال، سرقفلی را خریده باشد مانند منافع دیگر، حکم ارباح تجارت را دارد که باید در آخر سال، حق سرقفلی را قیمت کرده و خمس آن را پرداخت کند (چه قیمت آن زیاد شده باشد یا کم) یا پرداخت خمس، لازم نیست؟.

ج

- در فرض اول اگر بنحو مشروع بفروشد به اضافه خمس اصل، ما زاد را باید جزء منافع سال بیاورد و خمس آن را بپردازد و در فرض دوم اگر با رضایت مالک خریده که فعلا واگذار نمودن آن به دیگری به ازاء وجه، شرعا بر او جائز باشد حکم ارباح تجارت را دارد و این در صورتی است که سرقفلی را برای تجارت خریده باشد ولی اگر برای این که مورد سرقفلی را محل کسب خود قرار دهد خریده باشد اگر خمس آن چه که بابت خرید سرقفلی داده بدهد کافی است و اگر حق واگذاری بغیر ندارد در حکم تلف است و خمس ندارد مگر آن که بدون رضایت مالک بنحو غیر مشروع گرفته باشد که در این صورت ضامن خمس پول است که در حرام صرف شده.

س

- شخصی سال خمس نداشته و مبلغ پنج هزار تومان برای سرقفلی داده اکنون در صدد تعیین سال، جهت خمس است، و اگر بخواهد سرقفلی را بفروشد پنجاه هزار تومان می‌خرند، آیا باید خمس پنج هزار تومان را بدهد یا پنجاه هزار تومان را؟.

ج

- خمس پنج هزار تومان را بدهد و تا نفروخته زیادتى قیمت آن خمس ندارد.

س

- شخصی در زمان گذشته مغازه‌ای خریداری نموده برای سنگ تراشی به مبلغ دوازده هزار تومان اکنون صد هزار تومان ارزش دارد و از ابتداء

صفحه : ۳۷۱

امر تخمینی نکرده و از نظر مادی می‌گوید قدرت ندارم به قیمت روز حساب کنم زیرا در آمد روزانه تقریبا دویست تومان است که آن هم مخارج خانواده می‌شود.
بفرمایید می‌تواند به قیمت خرید حساب کند یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال اگر عین مغازه را خریده‌اید باید خمس قیمت فعلی آن را بدهید و اگر بعنوان سرقفلی بوده چنانچه خمس همان مقداری که بعنوان سرقفلی داده‌اید، بپردازید کافی است.

س

- سرقفلی - در موردی که صحیح باشد- اگر از منافع سال، داده شود جزء مؤنه است یا نه؟ و در صورت زیاد شدن یا کم شدن

ارزش آن، چه حکمی دارد؟.

ج

اگر مالک، به ذمه گرفته که در موقع خارج شدن مستأجر پولی را که بعنوان سرقفلی داده، پس بدهد یا ملتزم شده که اجازه یا حق بدهد که از غیر بگیرد به نحوی که فعلاً خود را مالک بداند در حکم سرمایه است و خمس دارد و الا جزء مؤنه کسب است و خمس ندارد بلی اگر بعد بنحو شرعی، فروخت و پول آن را مصرف مؤنه سال نمود خمس دارد و در صورت اول تا نفروخته زیادی قیمت خمس ندارد مگر آن که شغل خود را خرید و فروش سرقفلی قرار داده باشد که در این صورت قیمت سر سال، میزان است اگر چه نفروخته باشد.

س

مغازه‌ای را اجاره نموده علاوه بر مال الاجاره معین، وجهی به اسم سرقفلی، بر وجه شرعی تعیین می‌کنند و پس از گذشتن یک یا چند سال، ارزش آن سرقفلی، چندین برابر می‌شود آیا این گونه ترقی و ارزش مالی که فعلاً پول نیست مشمول خمس می‌شود یا نه؟.

ج

تا نفروخته‌اند ترقی قیمت سوقیه، خمس ندارد و پس از فروش، زائد بر قیمت خرید، ربح همان سال است و بعد از رسیدن سال، باید خمس آن را پردازد.

س

کسی که دو باغ انگوری دارد یکی از آنها را فروخته و جهت فرزندش سرقفلی مغازه‌ای را خریداری کرده و سرمایه مختصری هم به او داده و فرزند، مشغول خرید و فروش شده که از عوائد آن، مقدمات و مخارج ازدواج خود را

صفحه : ۳۷۲

فراهم نماید آیا پدر که باغ خود را جهت کسب فرزندش فروخته لازم است خمس سرمایه آن مغازه را پردازد و یا مربوط به پدر نیست و بر پسر واجب است؟.

ج

در فرض سؤال اگر باغ، متعلق خمس بوده و خمس آن را اداء نکرده بر خود پدر واجب است خمس آن را بدهد و اگر متعلق خمس نبوده یا خمس آن را داده بوده بعد آن را سرقفلی و سرمایه کسب برای خود قرار داده است خمس، در اصل آن واجب نیست فقط به منافع آن اگر زائد بر مؤنه باشد تعلق می‌گیرد. بلی در صورت دوم اگر پول باغ را ملک پسر نموده و پسر، صرف در سرقفلی و سرمایه نموده است بر پسر واجب است خمس تمام آن را بدهد مگر آن که گیرنده سرقفلی، تعهد رد آن را در موقع

تخلیه مغازه نکرده باشد و اذن استیفاء آن را از دیگری نیز نداده باشد که در این فرض، مبلغ سرقفلی، جزء مخارج کسب است و خمس ندارد.

چیزی که ملک جهت است خمس ندارد

س

- در نفت و چیزهائی که از نفت درست می شود خمس، لازم است یا نه؟.

ج

- به نظر این جانب، نفت که برای جهات مملکت، استخراج می شود ملک جهت مملکت است و خمس ندارد.

س

- نمک و نفت که بدست ما می رسد و یقین داریم که مستخرجین، خمس آنها را نداده اند بر ما واجب است که خمس آنها را بدهیم یا نه؟.

ج

- بنظر این جانب چون نفت برای جهت مملکتی استخراج می شود مالک معین ندارد- نظیر موقوفه - و لذا خمس ندارد و نسبت به نمک اگر اشخاص، آن را استخراج کنند و برای جهت مذکوره نباشد، تخمیس آن اگر بحدّ نصاب برسد لازم است و اگر خریدار بداند متعلق خمس شده و اداء نشده باید خمس آن را بدهد و اگر در رسیدن آن، بحد نصاب، شک داشته باشد خمس، واجب نیست.

س

- درآمد ملک یا مستغلات موقوفه‌ای که باید پس از وضع مخارج، خرج روضه خوانی شود، بعد از برگزاری مجالس روضه، مبلغی زیاد آمده که برای روضه خوانی سال بعد، مانده آیا این مبلغ زیادی، در سال بعد مثل ما زاد از

صفحه : ۳۷۳

مؤنه خود انسان، خمس دارد یا نه؟.

ج

- خمس ندارد.

س

- اشیاء معدنی مانند نفت و نمک و نایلون و غیر اینها اگر خریدار یقین یا گمان قوی داشته باشد که مستخرج، خمس اینها را نمی‌دهد و هم چنین یقین یا گمان داشته باشد که فروشندگان بازار هم خمس اینها را نمی‌دهند بر خریدار واجب است که خمس هر یک از اینها را که خریده بدهد یا خیر؟ و اگر خریدار، شک داشته باشد که مستخرج یا فروشندگان بازار خمس اینها را می‌دهند یا نه تکلیف چیست؟.

ج

- اگر مستخرج، برای تملک خود یا شرکاء مخصوص، استخراج نماید و بدانیم خمس آن را نمی‌دهد باید خمس آن چه بدست ما می‌رسد بدهیم و اگر بقصد تملک عموم باشد خمس ندارد و اگر در تعلق خمس به آن، شک داشته باشد چیزی بر او نیست.

مال موهوب خمس دارد

س

- آیا وجهی که به اشخاص، بخشیده می‌شود - چه از مال موروثی و چه غیر آن - در صورتی که پرداخت کننده وجه، خمس آن را داده است آنان هم بایستی خمس آن وجه را بدهند یا نه؟.

ج

- آن چه بخشیده می‌شود خواه واهب آن را به ارث مالک شده باشد یا بغیر آن، اگر زائد بر مؤنه موهوب له باشد خمس دارد.

س

- کسی که خمس زمین زراعتی را داده و بعد آن را به فرزندش بخشیده در صورتی که فرزندش در آن ملک کشت می‌کند آیا خمس دارد؟ و در صورت واجب بودن به چه قیمت تخمیس می‌شود؟.

ج

- بعد از گذشتن یک سال از زمان بخشش، فرزند باید مجدداً خمس آن را به قیمت روز بدهد.

س

- اگر پدری که اهل خمس است از عوائد وسط سال برای پسرش یا دخترش خانه مسکونی خریداری نماید آیا به آن وجهی که برای خرید خانه داده خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- اگر در سال خرید، مورد احتیاج فرزند برای سکونت بوده و به او بخشیده، و در همان سال فرزند، در آن سکونت کرده خمس ندارد، و اگر در آن سال در آن ساکن نشده فرزند باید خمس آن را بدهد و اگر به فرزند نبخشیده پدر باید خمس آن را بدهد.

س

- کسی که سال خمسی دارد هر گاه کمی قبل از فرا رسیدن سالش چیزی به او هدیه کنند آیا باید موقع حساب، آن را نیز با ارباح سالش حساب کند و خمس را پردازد یا باید یک سال از تاریخ اهداء بگذرد.

ج

- باید آن را نیز از ارباح همان سال حساب کند و خمسش را بدهد.

میزان در ابتدای سال خمسی

س

- در متن وسیله النجاة مرحوم آیه الله اصفهانی قدس سره دارد که مبدأ سنه خمس زرع، وقت حصول فائده است. بنا بر این اگر قبل از تمام شدن سال خمس، فائده و محصول جدید را بردارد چون ما زاد بر مؤنه است باید تخمیس شود یا این که - ما یفضل عن مؤنه السنه - نسبت به محصول هر سال علی حده، سنجیده شود؟.

ج

- اگر مقصود اینست که از محصول سال پیش، چیزی اضافه آمده، که البته محصول امسال را که برمی دارد باید خمس زیادی محصول سال قبل را پردازد و اگر مقصود، سؤال از محصول فعلی است، در اینجا - بحکم آن که مبدأ سنه، حین حصول زرع است - می تواند خمس محصول فعلی را ندهد تا یک سال بگذرد وقت خرمن سال بعد، خمس هر چه را که از این محصول، زیاد آمده بدهد و می تواند - بحکم این که جلو انداختن خمس، از سال، جائز است - همان وقت رسیدن سال خمس خودش پیش از حصول زرع بعدی، خمس این محصول را هم بدهد.

س

- تعیین ابتداء سال، جهت تخمیس، به اختیار خود شخص است یا باید ابتداء شروع به کسب را ابتداء سال خود قرار دهد و اگر ابتداء آن را نداند و یا فراموش کند و با فکر هم معلوم نشود وظیفه او چیست؟.

ج

- ابتداء سال را در مثل تجارت و امثال آن که فائده اش تدریجا حاصل می شود باید از حین شروع در کسب، قرار دهد و نیز می تواند

در وسط سالی که

صفحه : ۳۷۵

مشغول کسب شده فوائد خود را تخمیس کند و در سال بعد، پس از گذشتن یک سال تمام، از خمس دادن اوّل، فوائد یک ساله خود را تخمیس نماید و اما در مثل زراعت و امثال آن که فائده، دفعی، حاصل می شود مبدأ سال را موقع حصول فائده، قرار دهد و چنانچه مبدأ کسب خود را نداند یا فراموش کرده باشد بقدر متیقّن، عمل کند.

س

- کسی که در آمدی ندارد یا اگر دارد وافی به مخارج او نیست اگر از هدایایی که به او می دهند در بعض اوقات چیزی زیاد آمد باید خمسش را بدهد یا نه؟ و آیا لازم است که تعیین سال، جهت اداء خمس نماید؟.

ج

- تعیین سال برای چنین شخصی لازم نیست. بلی اگر بعد از یک سال از تاریخی که هدیه را به او داده اند تمام یا چیزی از آن باقی بماند باید خمس آن چه را باقی مانده بدهد.

س

- شخصی جهت خمس اموال خود، سال معین کرده مثلاً اوّل ماه مبارک رمضان اوّل سالش بوده ولی چند سال است در اثر غفلت و یا به خیال این که هر ساله قرضش بیشتر از ما زاد است بحساب خود رسیدگی نکرده فعلاً تکلیفش چیست؟.

ج

- فعلاً باید رسیدگی کند و اگر معلوم شد در سالهای پیش، خمس بدهکار شده اداء نماید ولی اوّل سالش همان اوّل ماه مبارک رمضان است.

س

- شخص زارع جهت اداء خمس، سال قمری را مبدأ سال خود قرار داده پس از برداشت محصول و قبل از اداء دیون، سالش رسید آیا تمام محصولش را باید تخمیس نماید یا پس از اداء قروض و مخارج سالیانه، خمس باقی مانده را بدهد و در صورتی که بخواهد سال قمری را به سال شمسی تبدیل نماید به چه کیفیت عمل کند که ضرر به اهل خمس نرساند؟.

ج

- در فرض سؤال، آن چه زائد بر مؤنه سال گذشته است باید خمس آن را پردازد و اگر دیون، در مقابل سرمایه یا عوائد آن نباشد هر سالی که اداء نمود از مؤنه همان سال، محسوب است و راجع به تبدیل سال قمری به شمسی، ده روز تأخیر از سال قمری اشکال

ندارد و در زیادت‌تر از ده روز اگر در آخر سال خود، خمس زائد بر

صفحه : ۳۷۶

مؤنه را بدهد و مثلاً اگر دو ماه بعد نیز حساب عوائد خود را نموده و خمس زائد بر مؤنه این مدت را نیز بپردازد می‌تواند این وقت را اول سال خود قرار دهد.

س

- کسی که یک رشته کار و کسب دارد و منافعش بتدریج حاصل می‌شود و از اداره هم ماهیانه حقوق می‌گیرد آیا می‌تواند برای هر ربح، سالی جداگانه قرار دهد یا برای مجموع باید یک سال قرار دهد؟.

ج

- در فوائد تدریجی، روز اول شروع به کسب، اول سال است و بعد از یک سال دیگر باید هر چه دارد خمس آن را بدهد.

س

- کسی که بیشتر سال، خرجش از سهم مبارک امام علیه السلام تأمین می‌گردد اگر در بین سال از غیر سهم، پولی بدست آورد و بعد از پایان سال، مقداری پول، برایش باقی بماند خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟ و تصور سال برای این گونه اشخاص، چگونه است؟.

ج

- مبدأ سال، حصول فائده است و چنانچه بر عین فائده، سال گذشته، باید تخمیس نماید و اگر با سهم مبارک امام علیه السلام مخلوط شده به نسبت آن چه فعلاً دارد خمس بدهد و سهم مبارک امام علیه السلام خمس ندارد.

س

- کسی که سال خمس ندارد اکنون منفعی بدست آورده آیا باید یک سال از آن بگذرد و خمس آن را بدهد یا فعلاً باید تخمیس کند؟.

ج

- چنین شخصی اول سال خمس او حین حصول فائده است و تا یک سال اگر صرف در مؤنه نشد خمس آن را بدهد.

س

- شخصی اول سال خود را نیمه شعبان قرار داده و چند سال به همین نحو عمل نموده اکنون که از نیمه شعبان تا موقع خرمن چند ماه مانده مقداری گندم و غیره جهت مخارج تا موقع خرمن را خریداری کرده و فعلاً موجود است. حال آیا در وقت حساب که عبارت از نیمه شعبان باشد اشیاء مذکوره را هم تفریق حساب نماید یا نه و اینها از مؤنه حساب می‌شود و سال مؤنه، سال جداگانه است؟.

ج

- در فرض مذکور، باید خمس ما زاد بر مؤنه را در آخر سال که فرضاً نیمه شعبان است بدهد. بلی از آن به بعد می‌تواند موقع برداشت محصول، حساب

صفحه : ۳۷۷

نماید و خمس ما زاد تا آن موقع را نیز بدهد و از آن موقع به بعد برداشت محصول را سر سال قرار بدهد.

س

- اگر عین را که برای انتفاع، نگاهداری شده، برای هر منفعتی از آن، اول حصول آن را سال قرار بدهند مثلاً برای بیچه گوسفند وقت زاییدن و برای پشم آن وقت پشم چیدن و جهت شیرش وقت دوشیدن را سال قرار بدهند صحیح است یا نه؟.

ج

- مانعی ندارد ولی ضرر هر یک را به نفع دیگری نمی‌تواند جبران کند.

س

- شخصی گوسفندی دارد که خمس ندارد می‌خواهد بیچه او را نگهدارد آیا ابتدای سال بیچه، همان وقت تولد اوست یا بعد از گذشت سال او؟ و آیا هر سال، خمس دارد یا این که یک خمس، در انتهای ترقی، کفایت می‌کند؟.

ج

- اول سال بیچه، اول تولد آن است و در آخر سال، باید حساب نموده خمس آن را بدهد و در سنوات بعد نیز خمس نماء متصل را در آخر بدهد.

س

- کسی که تا حال، حساب سال، نداشته مقداری گندم یا پنبه یا غیر اینها از اجناس، در انبار دارد که هم از این اجناس موجوده، صرف مخارج سال خود می‌کند و هم مقداری را به فروش رسانده و بکارهای دیگرش می‌رساند چگونه باید حساب این اجناس را از لحاظ خمس بنماید؟.

ج

- اگر از موقع استفاده اجناس مذکوره، یک سال نگذشته خمس بر او واجب نیست. بلی اگر بذر آنها غیر مخمس باشد باید خمس بذر را بدهد.

س

- در توضیح المسائل در بعضی از فتاوی است که (کسی که از اوّل تکلیف، خمس نداده اگر از منافع کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد) حال آیا از وقت خرید باید حساب کند که یک سال گذشته باشد یا از وقت حصول فائده؟.

ج

- از وقت حصول فائده. بلی اگر حصول فائده تدریجی باشد باید از وقت شروع به کسب یک سال بگذرد.

س

- شخص زارع، مبدأ سنه خمس او اوّل شهریور ماه هر سال است که وقت حصول فائده می‌باشد و هر سال، همان موقع، خمس خود را اداء می‌نماید

صفحه : ۳۷۸

حال مثلاً اول شهریور سال ۴۵ می‌خواهد فاضل بر مؤنه خود را تخمیس نماید، بفرماید که زراعت شتوی که سنبل و غله در خرمن و زراعت صیفی که مانند علف در صحرا است از زیادی بر مؤنه و مشمول خمس هست یا از فوائد سال حاضر است و تا یک سال، مورد اذن صرف در مؤنه می‌باشد.

ج

- از فوائد سال حاضر، محسوب است که اگر حاصل آن را تا سال دیگر این موقع، به مصرف مؤنه نرساند خمس آن را باید بدهند بشرط آن که به بذر آنها خمس، تعلق نگرفته باشد و یا خمس آن را داده باشند.

نحوه رسیدگی به حساب سال

س

- شخصی تا کنون، خمس نمی‌داده اکنون می‌خواهد مال خود را تخمیس کند دارای اثاث البیت و خانه‌ای است که آن را به اقساط، خریده و مبلغی را از قیمت خانه، پرداخته و در ضمن، مبلغی هم پدرش به او بخشیده و چون کارمند دولت است اثاثیه خانه را از حقوق خریده خواهشمند است طرز حساب او را بیان فرمائید.

ج

- بنظر حقیر، هبه، جزء فواید است و در صورتی که از مؤنه سال زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد و خمس اثاثیه منزل، در صورتی واجب است که آن را از عوائدی که سال، بر آن گذشته خریده باشد ولی اگر سال بر آن نگذشته صرف خرید اثاثیه منزل - که مورد حاجت است - بنماید خمس ندارد و هم چنین پول اقساط خانه را اگر از عوائدی که سال بر آن نگذشته، داده باشد خمس ندارد و بدهکاری را هر سالی که پرداخت، جزء مؤنه آن سال، حساب کند.

س

- شخصی سال گذشته زمینی را برای خانه خریده و بابت قیمت آن، چک داده و امسال وجه آن را رد کرده آیا این وجه، مشمول خمس هست یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، اگر آن زمین را بنا کند و مورد حاجتش باشد و وجهی که پرداخته از عوائد سال پرداخت باشد خمس ندارد.

س

- اگر کسی زمین بخرد برای استفاده و پول آن را در وسط سال خرید زمین، اداء کند آیا سر سال، باید زمین را حساب کند یا موقعی که زمین،

صفحه : ۳۷۹

فروش رفت؟.

ج

- سر سال باید حساب شود مثل مال التجاره. بلی تأخیر اداء تا موقع فروش، با اذن حاکم شرع مانعی ندارد.

س

- کسی که امکان ندارد که حساب دکان و اجناس آن را بنماید- مانند دارو فروش - تکلیفش در آخر سال، چیست؟.

ج

- در فرض سؤال، لازم است منافع سال را در آخر سال، حدسا تعیین کند و خمس را بپردازد و بعد از آن رسیدگی نماید چنانچه بیش از مقدار تعیین شده بوده بقیه را نیز بدهد و چنانچه کمتر بوده، به نسبت، از بدهی خود، کسر نماید.

س

- شخصی - با گذشت چندین سال از تکلیفش - تا کنون خمس نداده ملک‌ی را به قیمت کمی خریده بعد قیمت آن بالا رفته و با ملک دیگر معاوضه نموده و به چند برابر قیمت خریدش فروخته و باز از این پول، ملک دیگر خریده اکنون باید خمس قیمت سابق را بدهد یا خمس قیمت زمان معاوضه و بیع را اداء نماید؟.

ج

- این مسأله، صور مختلف دارد یک صورت آن اینست که ملک را با پول خمس داده یا پولی که متعلق خمس نمی‌شود - مثل ارث - برای غیر تجارت خریده باشد در این صورت پس از معاوضه با ملک دیگر، به مبلغی که عوض، با بهای خریداری شده معوض، تفاوت دارد خمس تعلق می‌گیرد و وقتی عوض را فروخت معامله، نسبت به خمس آن، فضولی، و با اجازه ولی خمس، بهای آن به او پرداخت می‌شود و نسبت به چهار خمس بقیه، آن چه از قیمت روز معاوضه، ترقی کرده خمس دارد و اگر با عین پول زمین معوض، بدون مراجعه بولی خمس، زمین دیگر، خریده باشد در صورتی که ولی خمس، معامله، قبلی را با این معامله که فضولی واقع شده اجازه نماید، معادل خمس قیمت عوض و خمس ترقی قیمت چهار خمس آن را باید بابت خمس پردازد و خمس آن چه را از معامله سوّم نیز فائده برده پس از فروش، بدهد و صورت دیگر مسأله اینست که با پول خمس نداده زمین را خریده باشد و صورت دیگر این که معامله سوّم با ثمن کلی واقع شده باشد. صورت دیگر اینست که معاملات بقصد تجارت انجام شده باشد. دیگر آن که ولی خمس معامله فضولی

صفحه : ۳۸۰

را اجازه نکند که با ملاحظه هر یک از این صورتها با صور دیگر صورتهای زیادی بدست می‌آید و هر کدام حکم علی حده دارد.

س

- کاسبی است که سالها به کسب مشغول بوده ولی تا کنون اداء خمس نکرده و فوایدی برده و ضررهایی هم کرده و در حال حاضر دارای اجناس و اثاث و ابزار و مبلغی پول نقد است و مقداری هم مقروض است تکلیف این شخص چیست؟.

ج

- موجودی را حساب کند آن چه قرض برای اجناس موجودی باشد یا آن اجناس نسبه باشد کسر شود و تتمه، هر چه از ارباح باشد خمس آن را بدهد مگر خانه و اثاث آن که خمس ندارد الا آن که بداند که خمس به پولی که به ازاء آنها داده تعلق گرفته بوده که خمس آن را نیز باید بدهد و زائد بر آن چیزی بر او نیست مگر آن که معلوم باشد که سابقا از خمس، تلف کرده که آن را ضامن است.

س

- شخصی سرمایه‌ای به کسی می‌دهد که بعنوان مضاربه، معامله کند و خودش به مسافرت می‌رود و مسافرت او به مدت چند سال،

طول می‌کشد و شخص عامل که قبلاً سال برای خودش معین نموده از منفعت و درآمد، از برای خودش اثاثیه منزل که مورد احتیاجش می‌باشد خریداری می‌کند پس از مدت چند سال شخصی که سرمایه داده از سفر برمی‌گردد و با عامل، حساب می‌کند حال آیا پس از تصفیه حساب، خمس به اثاثیه خریده شده عامل، تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- این مسأله، فروض متعدده دارد و رفع اشکال، در تمام فروض، باین می‌شود که صاحب سرمایه هم خمس سرمایه و عوائد آن را بدهد.

س

- شخصی چند درخت گز دارد در وهله اول که سال برای خودش تعیین می‌کند گزها را هم جزء دارائی، حساب نموده خمس آن را می‌دهد آیا- با این که گزها در هفت سال یک مرتبه قابل استفاده می‌باشد- این شخص باید هر سال گزها را هم حساب کند یا این که هر وقت موقع استفاده گزها شد حساب نماید و اگر از درآمد آنها در وسط سال، استفاده نمود جزء مؤنه سال، محسوب می‌شود یا این که باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- هر وقت، موقع استفاده شد حساب کند کافی است اگر صرف در

صفحه : ۳۸۱

مؤنه شود خمس ندارد لکن اگر صرف در مؤنه نشود، زائد بر آن چه قبلاً خمس آن را داده خمس دارد و منافع آن نیز، اگر صرف مؤنه شود خمس ندارد.

س

- هر گاه در منزل مقداری آذوقه در آخر سال خمسی اضافه بماند و شخص نخواهد از عین آن، خمس را اداء نماید چنانچه از ارباح کسب خود خمس آن را بدهد در حالی که می‌خواهد آن آذوقه را مصرف نماید یا به کسی هدیه کند و بطور کلی بنا دارد آن را در مؤنه زندگی صرف کند آیا باید خمس ربحتی را که بعنوان خمس می‌دهد نیز بدهد یا خیر؟.

ج

- در فرض سؤال که می‌خواهد آذوقه باقی مانده را صرف مؤنه کند خمس آن ربح را در صورتی که از ارباح سال جدید باشد لازم نیست بدهد.

س

- شخصی که از اول تکلیف تا کنون حسابی نداشته حال می‌خواهد حساب کند آیا پولی را که چند ماه قبل بدست او آمده نیز جزء سرمایه، حساب کند و یا چون سال بر آن نگذشته لازم نیست آن را به حساب بیاورد؟.

ج

- فعلا که می‌خواهد حساب کند و سر سال خود را تعیین نماید باید خمس این پول را هم بدهد.

س

- شخصی دو یا سه رقم جنس می‌خرد و می‌فروشد برای هر یک از این اجناس، مبلغی سرمایه گذاشته حال سر سال کسبش، رسیده قدری از این اجناس، فروخته شد و پولش موجود است مقداری هم به فروش رفته ولی وجه آن، وصول نشده و قدری هم خود جنس باقی است و خیلی مشکل است که تمام اجناس از نقد و نسیه همه را حساب کند تا به دست بیاورد که چقدر استفاده، حاصل شده آیا این شخص می‌تواند هر چه فروش رفته و پولش نقد شده بعنوان اصل سرمایه بردارد و بقیه اجناس فروخته نشده، یا نسیه را بگذارد هر وقت نقد و یا فروخته شد خمس استفاده آن را بدهد یا نه؟.

ج

- بلی می‌تواند آن چه را نقد شده سرمایه، حساب کند ولی جنسی که موجود است باید تخمیس شود و آن چه را طلب کار است هر وقت وصول شد خمس آن را بدهد و اگر فعلا وصول آن، ممکن است باید وصول نماید.

س

- کشاورزی اول فروردین، جمیع اموال و سرمایه خود را از قبیل

صفحه : ۳۸۲

زمین خریداری شده و چاه نیمه عمیق و موتور و ابزار کشاورزی مانند تراکتور و تریلی و گاو کار و شالی و گندم و جو و پول نقد را تخمیس می‌کند و دست گردان می‌نماید و مبلغی را می‌پردازد، سال آینده، اول فروردین، قسمتی از اموالش عین آنها باقی است مانند زمین و تراکتور، و بعضی عین آنها تبدیل شده مانند گاو کار و شالی و گندم و جو و پول نقد، در این صورت سرمایه تخمیس شده سال گذشته را از مجموع سرمایه فعلی منها کند و باقی مانده را تخمیس نماید- مانند شخص تاجر- یا چیزهایی را که عین آنها تبدیل شده مانند شالی و گندم و جو و پول نقد که از سال گذشته، مصرف کرده و از سال جاری، به جای آن آمده باید همه ساله تخمیس نماید و خلاصه فرقی بین تاجر و زارع در مسأله خمس هست یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، آن چه سرمایه زراعت است مثل بذر و زمین و چاه و اثاث زراعت که خمس آن را داده ثانیاً خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد و هم چنین اگر آنها را تبدیل نموده بر بدل آنها نیز خمس تعلق نمی‌گیرد. بلی اگر مثلاً- تراکتور یا غیر آن را تبدیل به

گران‌تر از اول نموده و از عوائد بین سال، آن را اداء نموده باشد خمس آن مقدار از عوائد را که ضمیمه سرمایه نموده باید بپردازد لکن چنانچه تراکتور اولی را در اثر کهنه شدن و غیره به کمتر از قیمتی که قبلاً حساب کرده و خمس آن را داده بفروشد می‌تواند به اندازه نقص قیمت، از عوائد، کسر کند و ما زاد بر آن، را تخمیس نماید و اما گندم یا پول مخمس اگر عین آن تا سال دیگر باقی باشد خمس ندارد و اما اگر صرف در مؤنه نمود معادل آن را نمی‌تواند از عوائد سال، استثناء نماید.

س

- کارگری در اول سال، مجموع آن چه از سال قبل اضافه بوده از حبوبات و ذغال و غیر اینها همه را به قیمت درآورده با وجه نقدی که دارد مجموع سرمایه تخمیس شده او معادل با دو هزار تومان شد سال دیگر هم وقتی بحساب خود رسیدگی نمود مجموع آن چه دارد از اجناس و وجه نقد باز بیش از دو هزار تومان نیست و لکن اینها از عوائد همین سال می‌باشد، اکنون آیا خمس به این‌ها تعلق می‌گیرد یا نه و اگر تعلق می‌گیرد، در چه صورتی از ربح سال می‌تواند به مقداری که از سرمایه برای مخارجش برداشته است کنار بگذارد؟.

صفحه : ۳۸۳

ج

- در فرض سؤال اگر اشیاء مذکوره برای مؤنه تهیّه شده باشد آن چه از اعیان تخمیس شده سال سابق، باقی است خمس ندارد و آن چه را مصرف کرده و از عوائد سال بعد، تهیّه نموده بعد از تمام شدن سال، باید خمس آن را بدهد بلی اگر سرمایه کسب بوده بمقدار سرمایه اول، خمس ندارد و زائد بر آن، خمس دارد.

س

- شخصی اموالش را جهت اداء خمس، رسیدگی و حساب نموده و تخمیس کرده ولی برای سالهای بعد، حساب نگاه نداشته بعد از چند سال دیگر که می‌خواهد حساب کند خمسی را که قبلاً از اموالش پرداخت کرده کم می‌شود یا خیر؟.

ج

- بلی تمام اموال را حساب کند و آن چه را قبلاً خمس داده کسر بگذارد.

کسی که برای خود سال خمسی قرار نداده

س

- شخصی سال، برای خود تعیین نکرده و هر وقت بدهکار بوده با اجازه مجتهد، سهم مبارک امام علیه السلام را پرداخته آیا ذمه آن شخص، بری می‌شود یا نه؟.

ج

- بلی پرداخت مزبور، موجب برائت ذمه می شود.

س

- اگر کسی سالهای متعدده برای خودش سالی قرار نداده و بعضی از سالها خمس، به اموالش تعلق گرفته و بعضی از سالها هم خمس تعلق نگرفته و خانه مسکونی هم برای خودش خریده است تکلیف او چیست؟.

ج

- فعلا هر چه زائد بر لوازم دارد خمس آن را بدهد خانه و سایر لوازم، خمس ندارد مگر آن که یقین داشته باشد که به پول آن، خمس تعلق گرفته که در این صورت خمس آن پول را باید بدهد.

س

- شخصی سال خمس نداشته اگر بخواهد مهر زوجه خود را بدهد باید بعد از اخراج خمس بدهد یا قبل از اخراج خمس می تواند آن را اداء نماید؟ مثلا شخص، بیست و پنج هزار تومان سرمایه دارد و مهر زوجه اش پنج هزار تومان است، اکنون باید خمس بیست و پنج هزار تومان را بدهد یا بیست هزار تومان را؟.

ج

- منافی که سال، بر آن گذشته ابتدا باید خمس آن را بدهد و بعد مهر را بپردازد و منافی که سال بر آن نگذشته می تواند خمس نداده مهر را از آن اداء کند.

صفحه : ۳۸۴

س

- آیا داشتن حساب سال، جهت پرداخت وجوه برای غنی و فقیر واجب است و باید انسان در هر وضعی که باشد، حساب سالیانه داشته باشد یا نه؟.

ج

- برای کسی که فقیر است و عوائد و زائد بر مخارج سال ندارد نگاه داشتن حساب سال، واجب نیست.

س

- شخصی هر ماه، حقوق می‌گیرد و از آن، آذوقه منزل می‌خرد و هیچ وقت پس انداز ندارد که یک سال بر او بگذرد با این وضع، آیا واجب است برای تخمیس اموال، سال قرار بدهد؟

ج

- لازم است روز اول اشتغال بکار را اول سال قرار دهد و چنانچه روز آخر چیزی برایش باقی ماند هر چند درآمد همان روز باشد خمس آن، واجب است.

مستحق و مصرف خمس

س

- اگر سیدی در حال استحقاق، بقدر مؤنه سنه یا کمتر، سهم سادات بگیرد و آن مبلغ یا مقداری از آن را به کسی یا بهمان دهنده خمس، قرض دهد و بعد که قرض گیرنده، پول را به او پرداخت کرد آن پول، اضافه بر مؤنه سنه یا اضافه بر کمبود مؤنه سنه او باشد جائز است تصرف کند یا نه؟

ج

- اگر پولی که قرض داده هر وقت مطالبه کند، بدهکار به او می‌دهد با لحاظ آن پول، از کسی زائد بر مؤنه سنه نگیرد و اگر آن قرض را نمی‌دهد و لو با مطالبه، برای آن سید گرفتن سهم سادات، جائز است، ولی اگر اخیانا آن قرض به او اداء شد نسبت به آن چه از مردم گرفته در مقدار زائد بر مؤنه سنه، تصرف نکند.

س

- وجوهی که در زمان حیات مجتهد گذشته با او یا وکلای او دست گردان شده به چه مصرف باید برسد؟

ج

- باید به مجتهد حیّ جامع الشرائط برسد.

س

- فقهاء اطال الله بقائهم در رسائل عملیه خود می‌فرمایند که سید نمی‌تواند بیشتر از مخارج سالش خمس بگیرد، حال اگر سیدی می‌خواهد به تنهایی یا با کسی مشترکاً ماشین بخرد ولی سرمایه ندارد یا کسری دارد و مبلغی را از شخصی جهت بهاء ماشین، قرض می‌کند و فعلاً نمی‌تواند آن وجه را اداء کند در

این صورت کسی که قرض داده می‌تواند آن وجه را بابت خمس با او محسوب دارد یا نه و آیا جائز است که شخص دیگری وجهی بابت خمس بدهد که آن سید، قرض خود را اداء نماید؟.

ج

- در فرض سؤال اگر ماشین مورد احتیاج او برای سواری باشد و زائد بر شأن او نباشد، دادن خمس به او یا اداء قرض ماشین، مانعی ندارد اما اگر برای کسب باشد جائز نیست و هم چنین اگر زائد بر شأن باشد.

س

- شخصی از سهم امام علیه السلام و یا سهم سادات خانه و حمام و دکان و غیره می‌خرد و وقف مسجد می‌کند آیا این عمل، جائز است یا نه؟ و سکونت در آن خانه و غسل کردن در آن حمام چه صورت دارد؟.

ج

- از سهم سادات، جائز نیست و امر سهم مبارک امام علیه السلام با حاکم شرع جامع الشرائط است.

س

- اگر سیدی به چیز مخصوصی احتیاج ندارد یا این که احتیاج ضروری ندارد اما داشتن آن چیز برای او مطابق شأنش هست جائز است از سهم سادات آن چیز را برای خود تهیه کند یا نه؟.

ج

- در صورتی که زائد بر شأن نباشد مانعی ندارد.

س

- از سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات، می‌شود خانه برای مسجد خریداری کرد که امام راتب و یا خادم، در آن سکونت نماید؟.

ج

- سهم سادات را باید به فقرا سادات بدهند و سهم مبارک امام علیه السلام امرش با حاکم شرع است.

س

- سهم سادات را که شخص، بدهکار است آیا خودش شخصا می‌تواند به مستحق بدهد یا موکول به اجازه مجتهد است؟.

ج

- بلی جائز است خودش به مستحق بدهد اگر چه اولی و احوط آنست که به وسیله مجتهد، به سادات فقیر برساند.

س

- شخصی فرزند ندارد کودک سیدی را به فرزندی قبول کرده آیا می تواند مخارج او را بابت خمس، حساب کند یا نه؟.

ج

- بلی می تواند از بابت سهم سادات، حساب کند.

صفحه : ۳۸۶

س

- سیدی که جوان و صحیح و سالم است ولی دنبال هیچ کاری نمی رود و اهل علم هم نیست می تواند سهم سادات، بگیرد یا نه؟.

ج

- تا وقتی که قدرت بر مؤنه دارد غنی است و نمی تواند سهم سادات به او داد بلی تا مدتی که عاجز از تحصیل مؤنه است اشکال ندارد.

س

- در مجلس عزا و سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام از سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات می شود اطعام نمود یا نه؟.

ج

- امر سهم مبارک امام علیه السلام در عصر غیبت با فقیه جامع الشرائط است و سهم سادات باید به فقرا سادات داده شود.

س

- شخص فقیر، از باب این که مصداق فقیر است می تواند خمس و زکاء خود را به خودش بدهد یا خیر؟.

ج

- نمی تواند.

س

- مادری غیر سیده سرپرست بچه‌های خود که سید هستند می‌باشد آیا ممکن است سهم سادات را به مادر بدهند که با هم مصرف کنند؟.

ج

- دادن سهم سادات به بچه‌های سید با اذن ولی شرعی، اشکال ندارد و مادر غیر سید آنها نیز با اجازه حاکم شرع می‌تواند در مصرف نمودن سهم سادات با فرزندان، شرکت نماید و بابت حق الزحمه خود، محسوب دارد.

س

- کسی که از سید فقیری طلبکار است آیا- بعد از فوت سید مدیون - می‌تواند طلب خود را بابت خمس با ورثه او حساب کند یا نه؟ و هم چنین اگر مدیون، غیر سید باشد طلبکار می‌تواند بعد از فوت او بابت زکاء یا مظالم حساب کند یا نه؟.

ج

- اگر وارث، سید فقیر است طلبکار بمقدار طلب خود از ترکه میت بگیرد و بعد بعنوان خمس، به وارث سید او بدهد و اگر مدیون، سید نباشد قرض او را می‌شود از بابت زکاء، حساب کرد ولی مظالم را باید به فقیر غیر سید، صدقه بدهند و اگر فقیر خواست آن را از بابت دین میت، به طلبکار بدهد اشکال ندارد.

س

- سیدی است فقیر و مدیون و اداء دین، برایش مقدور نیست در این صورت دائن می‌تواند از بابت خمس، ذمه او را بری کند؟ و هم چنین غیر

صفحه : ۳۸۷

سیدی است، فقیر و مقروض، و اداء قرض برایش غیر مقدور است، آیا دائن می‌تواند از سهم مبارک امام علیه السلام ذمه او را بری کند یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر مدیون، سید فقیر باشد به نحوی که نتواند دین خود را اداء نماید جائز است از بابت خمس ذمه او را بری کند و احوط آنست که خمس را به او بدهد و سید، بابت طلب به دائم برگرداند و حکم در غیر سید، نسبت به زکات نیز چنین است و امام امر سهم مبارک امام، علیه السلام موکول به اجازه حاکم شرع است.

س

- آیا می‌توان به شخصی که خودش سید نیست ولی هم‌سر او سیده است خمس داد یا نه؟.

ج

- اگر شوهر، قادر به اداء نفقه او نیست مانعی ندارد که به زوجه او خمس بدهند ولی به شوهر نمی‌شود خمس داد و برای غیر نفقات واجبه که بر حسب عرف، لازم است نیز از بابت سهم سادات می‌توان به او داد.

س

- کسی که کاملاً به خرج خود و عیالش نمی‌رسد، آیا می‌توان به عیالش که سیده است و یا به مادرش که علویّه است خمس داد که از شوهر و یا فرزندش، دستگیری کند یا نه؟.

ج

- بلی جائز است ولی نسبت به علویّه‌ای که شوهرش متمکن از نفقه و مخارج او و خودش نیست احتیاط این است که بمقدار تکمیل معاش او به خودش بدهند و او- بعد از تملک - به شوهرش بدهد و بعد چون استحقاق پیدا می‌کند باز به او پرداخت نمایند.

س

- از سهم سادات که ۵۰ درصد آن را خود شخص می‌پردازد می‌توان به سادات محصل، جهت تأمین لباس و لوازم التحریر و شهریه دبستان آنها پرداخت نمود یا نه؟.

ج

- بلی جائز است ولی اگر صغیر، هستند به ولی شرعی آنان بپردازد بشرط آن که کمک به فساد عقیده و اخلاق آنان نشود و به مصرف کتابهای گمراه کننده نرساند.

س

- ساداتی که متأهل نیستند و وقت تأهلشان رسیده و فقیر

صفحه : ۳۸۸

می‌باشند ولی مخارجشان به عهده والدشان می‌باشد می‌توان برای مخارج عروسی‌شان از سهم سادات داد؟ و در صورتی که پدرشان توانائی مختصری داشته باشد، چه صورت دارد؟.

ج

- خود پدر اگر فقیر نباشد و متمکن از خرج عروسی پسر باشد نمی‌تواند خمس بگیرد، ولی اگر پسر فقیر باشد و پدر مخارج عروسی به او ندهد، می‌تواند خمس بگیرد.

س

- هر گاه جنسی که به آن خمس تعلق گرفته موجود باشد و مالک نخواهد از عین آن، خمس بدهد بلکه می‌خواهد عوض آن، پول یا جنس دیگری بدهد آیا در قبول آن، رضایت مستحق یا مجتهد نسبت به سهم امام علیه السلام معتبر است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، رضایت آنان معتبر نیست. بلی اولی اعتبار رضایت است مخصوصا در سهم امام علیه السلام.

س

- هر گاه شخصی زمینی را برای مسجد یا مدرسه طلاب علوم دینیّه واگذار کند آیا می‌تواند آن را بابت سهم امام علیه السلام محسوب دارد یا خیر؟

ج

- اگر قربة إلى الله زمین را در اختیار قرار داده و فعلا می‌خواهد بحساب سهم امام علیه السلام باشد نمی‌شود.

س

- اشخاصی که در یک منطقه، معروف به سادات فاطمه نسبند با این که مدرک دیگری بدست ندارند بلکه خودشان نیز مردّد هستند، می‌توانند خمس بگیرند یا خیر؟

ج

- اگر از طرف پدر، معروف و مشهور به سیادت باشند در صورت احتیاج، می‌توانند خمس بگیرند.

س

- در بعضی از مساجد، صندوقی تأسیس شده که از وجوه این صندوق، با شرائطی به افراد مسلمان قرض الحسن داده می‌شود و ضمنا جهت تعمیر مساجد و تبلیغات و نشر معارف اسلامی و کمک به مسلمانان و کودکان بی سرپرست و غیره از محل وجوه صندوق، پرداختهایی انجام می‌گیرد اکنون به این دو سؤال جواب بفرمایید

اول: این که آیا انسان می‌تواند سهم امام علیه السلام را به یکی از صندوقهای مذکور بسپارد تا به مصارف فوق برسد با این شرط که خود و یا وارث او نتواند آن وجه را مسترد نماید؟.

دوم: این که آیا انسان با فرض این که شخص واجد شرائط دریافت سهم سادات - از نظر پرداخت کننده - موجود نباشد می‌تواند سهم سادات را به صندوق بسپارد که هر وقت، شخص واجد شرائط دریافت - از نظر پرداخت کننده - شناخته شد آن را مسترد نموده و به مصرف، برساند؟.

ج (۱ و ۲)

- امر سهم مبارک امام علیه السلام با مجتهد جامع شرائط است و باید با اجازه او مصرف شود و سهم سادات را باید به دست سید فقیر داد و ریختن در صندوق مزبور جایز نیست.

س

- به سید کبوتر بازی که در پشت بامها کبوتر بازی می‌کند می‌شود خمس داد؟.

ج

- در صورتی که سید و فقیر است، خمس به او بدهید اما او را از این عمل، منع کنید.

س

- در بعضی از جاها، اهالی محل وجهی را که به مبلغ می‌دهند از وجوهات حساب می‌کنند آیا صحیح است یا خیر؟.

ج

- اگر قربة إلى الله مشغول تبلیغ باشد و مردم هم وجوه شرعی خود را قربة إلى الله به او بدهند و به مورد هم باشد اشکال ندارد ولی اگر بعنوان حق الزحمه بدهند مشکل است و ذمه آنها هم چنان مشغول است بلی اگر قبلا از حاکم شرع اذن گرفته باشند عیبی ندارد و الله العالم.

س

- برای سادات علوی غیر از سادات فاطمی خمس و صدقه چه حکم دارد و ضمنا بفرمایید آیا اولاد حضرت عباس بن علی (ع) هم حکم سید دارند یا خیر؟.

ج

- مصرف سهم سادات ساداتی هستند که از طرف پدر از اولاد هاشم باشند و استحقاق نیز داشته باشند و صدقه سید به سید می‌رسد و صدقه واجبه غیر سید باید به غیر سید داده شود و صدقات مستحب مانعی ندارد و کسی که از طرف

پدر منسوب به حضرت ابو الفضل العباس علیه السلام باشد می تواند در صورت فقر سهم سادات بگیرد و سید علوی است.

س

- آیه‌ای که برای اثبات وجوب خمس، استناد به آن می شود آیه ۴۱ از سوره انفال است و این آیه و آیات قبل و بعد آن، در مورد جنگ بین مسلمین و کفار است و مفاد آیه و اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ .. خمس غنائم جنگی است نه آن چه انسان از درآمد و حقوق و کسب خود پس انداز می کند کما این که اهل جماعت که این کلام، زبان مادری آنها است این چنین استنباط کرده اند دیگر آن که این آیه، خمس را خاص خدا و رسول و یتیمان و بینوایان و ابن السبیل بطور مطلق نموده و دلالت بر این که ابن السبیل و یا یتیم و یا بینوایان، از سادات باشند ندارد مطلب سوم این که بر فرض، با استفاده از روایات مثلاً گفتیم باید این سه گروه، از سادات باشند ولی چه کنیم با گفتار پیغمبر (ص) که فرموده من چیزی از شما نمی خواهم جز دوستی خویشانم مگر غرض از دوستی، غنیمت جنگی و یا دادن خمس به سادات است وانگهی بر فرض قبول این مطالب، با چه ملاک و معیار صحیحی که دور از اشتباه باشد سادات را بشناسیم با توجه به گذشت زمان و هزاران عامل دیگر، آیا کلیه افرادی که عمامه و شال سبز و سیاه دارند از نسل ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین هستند و حال آن که تعدادی حتی از امام زاده های ایران که شجره نامه مشخص و معینی ندارند از نظر عامه مردم مورد شک و تردید می باشند؟.

ج

- راجع به آیه خمس، مجرّد این که آیات قبل و بعد آن، راجع به جهاد و جنگ با کفار است سبب اختصاص کلمه (غنمتم) به غنائم جنگی نمی شود با این که در عرف لغت، به ارباب مکاسب و فوائد دیگر مثل هبه و گنجها و معادن نیز اطلاق می شود چنانچه صاحب مجمع البیان تصریح دارند. و این که نوشته اید این کلام، زبان مادری اهل جماعت است عجیب است، مگر اهل جماعت، همه عرب بوده اند و یا شیعه همه عجم؟ تمام ائمه شیعه و علمای بزرگ امثال سید مرتضی و سید رضی و شیخ مفید و اصحاب و خواص ائمه، اکثراً زبان مادریشان عربی بوده است و بعکس، بعضی از پیشوایان اهل سنت مثل ابو حنیفه از عجم بوده اند به علاوه

فرضا اهل سنت بگویند آیه، اختصاص به غنائم جنگی دارد، لیکن روایات از طریق اهل بیت متواتر است بر این که ارباب مکاسب و تجارات و کنوز و معادن و غوص نیز خمس دارد و آیه، بطور مسلم، دلالت بر نفی خمس، در اشیاء مذکوره ندارد و اما مطلب دوم: در تقسیم غنائم جنگی، بین اهل سنت اختلاف است و اقوال آنها در این موضوع، یا بدون مستند صحیح، و یا مخالف با قرآن مجید است و قول شیعه، موافق با قرآن است زیرا سهم خدا و رسول و ذی القربی را که امام علیه السلام است می دهند و نسبت به سهم یتامی و مساکین و ابن السبیل نیز علاوه بر این که بر حسب روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیه، مراد از یتام و مساکین و ابناء السبیل، بنی هاشم هستند، موافق با احتیاط است زیرا یتامی و مساکین و ابن السبیل، شامل بنی هاشم نیز هست و شیعه نسبت به سهم این سه طایفه اخیر به این قسم، عمل می کنند و به این سه طایفه از سادات، بمقدار حاجت می دهند و ما بقی، امرش با امام و ولی وقت است و اما مطلب سوم: این ایراد شما مبنی بر این که این سه طایفه، را از سادات بدانیم یا ندانیم نیست زیرا در آیه خمس، صریحاً ذوق القربی فرموده و در آیه دیگر هم فرموده قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فی الْقُرْبی بهر حال منافات ندارد که پیغمبر،

اجری از مردم غیر از مودّت ذوی القربی نخواسته باشد و خداوند، برای ذوی القربای او این حکم را فرموده باشد نه از باب اجر رسالت بلکه به جهت حفظ شرافت انتساب به مقام نبوّت و عوض این که بر آنها زکوات را تحریم کرده است در اینجا دستور مقرر است که در حقیقت، ایتم و مساکین و ابن سیل سادات، و در تقسیم، مقدّم باشند و با دقّت در مفاد این دو آیه، معلوم می‌شود که با هم منافاتی ندارند و حکم، اجر رسالت نیست و اما مطلب چهارم: شناختن سادات، یا به این است که شجره نامه‌های معتبره‌ای در دست داشته باشند یا این که در بین اهل محلّ و شهر خود به سیادت، معروف باشند.

س

- چرا عده‌ای از مردم را سید می‌گویند و سید به چه معنی است و به کسی که از طرف مادر به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌رسد هم سید می‌گویند یا باید از طرف پدر به آن حضرت برسد و هم چنین اولاد حضرت عباس و

صفحه : ۳۹۲

محمد حنفیه و عقیل و جعفر طیار را هم سید می‌نامند یا نه و چرا یک عده از سادات را حسنی و عده‌ای را حسینی می‌گویند؟

ج

- سید بمعنی آقا است و از القابی است که در عرف فارسی زبانان و شیعه، کسانی که نسبشان به واسطه فاطمه زهرا سیده النساء علیها سلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منتهی می‌شود و بر سائر علویین نیز که به واسطه حضرت عباس یا جناب محمد حنفیه نسبشان به امیر المؤمنین علیه السلام می‌رسد احتراماً گفته می‌شود بلکه بر سایر هاشمیین مانند کسانی که نسبشان بجناب جعفر طیار و عقیل می‌رسد نیز سید می‌گویند و این یک نوع احترام از منتسبین به رسول خدا صلی الله علیه و آله و از خاندان بنی هاشم است چنانچه شیعه و اهل سنت، سادات خصوص علویین بالأخص فاطمیین را شرفاء می‌گویند و به کسی که از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام باشد شریف حسنی و به کسی که از اولاد حضرت امام حسین علیه السلام باشد شریف حسینی گفته می‌شود و فرزند سیده علویه نیز اگر چه در عرف، سید و شریف، نامیده نمی‌شود به واسطه مادرش باین دودمان شریف و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم انتساب دارد و اگر مادرش از اولاد فاطمه زهرا علیها سلام باشد از فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله محسوب است بلی فقط کسانی که به وسیله پدر هاشمی هستند استحقاق خمس دارند.

س

- حضرت امام حسین علیه السلام و یزید لعنه الله علیه هر دو، جدّشان عبد مناف است با این حال چرا فرزندان امام حسین علیه السلام سید باشند ولی یزید و نسل او سید نباشند؟

ج

- بنا بر آن چه از کامل بهائی، نقل شده امیه، غلامی بوده رومی در تحت ملکیت عبد شمس بن عبد مناف، و عبد شمس او را آزاد کرده و او را بعنوان پسر خود معرفی نموده. با ملاحظه این تاریخ، امیه پسر خوانده عبد شمس بن عبد مناف است نه این که فرزند صلبی او باشد بنا بر این عبد مناف، جدّ یزید لعنه الله علیه نیست. و در عرف شیعه، سید به کسانی می‌گویند که از اولاد حضرت

امیر المؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام باشند و سهم سادات هم به اشخاصی می‌رسد که نسبشان به جناب هاشم جد پیغمبر اکرم (ص) متصل باشد.

صفحه : ۳۹۳

س

- به عقیده این جانب هر کس در هر صورت و کیفیت رهنورد راه خداست بنا بر این امتیاز سید را بر غیر سید مرقوم فرمائید.

ج

- در تکالیف و احکام شرعیه همه امت علی السواء می‌باشند و سادات، بر غیر سادات امتیازی ندارند که از احکام شرعیه به این عنوان معاف باشند ولی مزیت انتساب به حضرت رسول اکرم و ائمه، صلوات الله علیهم اجمعین مزیتی است که هم ذاتی است و هم از جهت روانی، در نفوس، اثر می‌گذارد و هم از جهت حق شناسی، دیگران را به احترام از آنان به ملا حظہ خدمات و حقوق حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به جامعه بشریت، وادار می‌کند و شما خودتان به وجدان خود مراجعه کنید می‌بینید که از فرزند کسی که به شما خدمتی و احسانی کرده باشد احترام می‌کنید و می‌خواهید که با احترام فرزندش، اداء حقّی از او بنمایید و در بعضی از موارد هم شرعا مزایا و حقوقی برای سادات هست که بر اساس مصالح عقلی و عرفی و شرعی است که تفصیلش در نامه، ممکن نیست مع ذلک سادات هم به واسطه این شرف انتساب، مسئولیت بیشتری دارند که رعایت احکام و تکالیف را نسبت به آنها موکّدر می‌نماید خداوند متعال، مسلمین را قدردان نعمت هدایت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار دهد و به ولایت اهل بیت و محبت سادات، موفق و ثابت بدارد.

س

- سیدی خانه ندارد که در آن سکونت نماید، آیا می‌تواند در ظرف چند سال، سهم سادات از مردم بگیرد و جمع کند و خانه‌ای بخرد یا نه؟

ج

- به این نحو خالی از اشکال نیست ولی اگر خانه را نسیه خریداری کند و بعد بتدریج از آن چه بابت سهم سادات به او می‌دهند قرض آن را اداء کند اشکال ندارد.

س

- سیدی نمی‌خواهد برای خودش خمس بگیرد ولی پسری دارد که فقیر و دارای چند فرزند صغیر است آیا می‌تواند برای پسر خود یا فرزندان پسر، خمس بگیرد؟

ج

- بلی جائز است که وکاله یا ولایه سهم سادات بگیرد و به موکل یا موّلی علیه برساند اگر موکل یا موّلی علیه استحقاق داشته باشند.

صفحه : ۳۹۴

س

- سهم مبارک امام علیه السّلام و یا سهم سادات را که اهل آن، دریافت می کنند با گرفتن، مالک آن می شوند یا فقط جواز تصرف دارند تا با فوت آنها به ورثه نرسد؟.

ج

- سهم امام علیه السّلام را با اذن حاکم شرع، به تملک، مالک می شوند و سهم سادات را بعید نیست که به تملیک مالک، بمقدار مؤنه یک سال، با تملک، مالک شوند.

س

- خمس که یکی از فروع دین است به چه کیفیتی باید مصرف شود؟.

ج

- نصف خمس، سهم سادات است که منحصرأ باید به سیّد فقیر داده شود و نصف دیگر آن، سهم مبارک امام علیه السّلام است که امر آن با مجتهد جامع الشّرائط است و بنظر حقیر مصرف آن امری است که علم به رضایت امام زمان علیه السّلام در آن باشد مثل اقامه حوزه‌های علمیه دیتیه و تبلیغ احکام دین و غیر اینها.

س

- سیّد فقیری است که با آن که فرزندانش حاضرند مخارج او را بدهند او خود نمی خواهد زیر بار منّت فرزندانش برود و می خواهد که از مسیر غیر آنها به او کمک مالی شود حال آیا می شود سهم سادات را به چنین کسی داد یا نه؟.

ج

- جواز گرفتن سهم سادات، در فرض مذکور، مشکل است بلی اگر واقعا گرفتن مخارج از فرزند و تکفّل او بر خلاف شأنش باشد و عرفا توهین، محسوب شود جائز است.

س

- آیا به سیّد فقیری که نماز می خواند ولی روزه اش را می خورد می توان سهم سادات داد یا نه؟.

ج

- اگر آشکارا و در انظار مردم، روزه نخورده دادن سهم سادات به او اشکال ندارد ولی کسی که مطلع است او را نصیحت نماید.

مصرف نمودن سهم امام باید با اجازه مجتهد باشد

س

- مسجدی را در قریه‌ای بنا کرده‌اند و در اثر مسامحه و عدم

صفحه : ۳۹۵

مساعدت اهالی، ناتمام مانده آیا از سهم مبارک امام علیه السلام، می‌شود این مسجد را به اتمام رساند یا نه؟.

ج

- شخصی که می‌خواهد وجه را پردازد باید از حاکم شرع، استجازه کند اگر اجازه داد مانعی ندارد.

س

- وجهی که در سالهای گذشته برای ساختمان مسجد یا به اشخاص مستحق بدون اجازه مجتهد، پرداخت شده باشد می‌شود بحساب خمس، منظور نمود یا نه؟.

ج

- اگر بقصد سهم مبارک امام علیه السلام داده باشد و مجتهد، عمل او را امضاء نماید اشکال ندارد.

س

- چون مسأله سهم امام علیه السلام محل ابتلاء عامه است و برای این جانب شبهه و اشکالی روی داده استدعا دارم برای رفع شبهه و اشکال، جواب را مستدلّا بطور اختصار، مرقوم فرمائید که مزید امتنان و تشکر خواهد بود: شکی نیست که سهم امام، مال امام علیه السلام و ملک آن حضرت است و جواز تصرف در آن، منوط و موقوف به اذن و اجازه آن حضرت می‌باشد و دلیلی هم از کتاب و سنت که بالعموم یا بالخصوص دلالت کند بر این که آن حضرت به شخص خاص و یا به صنف خاصّی اذن داده باشند نداریم این که مشهور است که مجتهدین، نائب امام هستند و از باب نیابت، تصرف می‌نمایند (ربّ شهرة لا اصل لها) زیرا کلمه نیابت در هیچ حدیث و روایتی وارد نشده بلی در مقبوله ابن حنظله می‌فرماید: (قد جعلته علیکم حاکما) و در مشهوره ابی خدیجه می‌فرماید: (قد جعلته علیکم قاضیا) و امام عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید (هم حجّتی علیکم) و مدلول این روایات، فقط نفوذ قضاء و حجّیت فتوی و جواز تصرف در امور حسیّه است بنا بر این دلیل و مدرک این فتوی که آقایان در رسائل عملیه می‌نویسند: باید سهم امام را

به مرجع تقلید یا به مجتهد داد چیست و کجا است اگر بگوئید از این باب، باید به مجتهد یا به مرجع تقلید داد که او به مصرف امور طلاب و محصلین علوم دینی برساند و حفظ حوزه علمیه بنماید جوابش این است که این امور، باید از طریق زکوات و صدقات و سایر امور مالی، اداره شود. خواهشمندم برای رفع شبهه و حل مشکل، جواب را مرقوم

صفحه : ۳۹۶

فرمائید. در پایان، دوام عمر و عزت و استدامه ایام افادت و افاضت از خدای متعال خواهانم.

ج

- به عرض محترم می‌رساند: مرقوم شریف، و اصل و از تأخیر جواب به واسطه کثرت مشغله، معذرت می‌خواهم امید است توفیقات جناب عالی برقرار و مورد عنایات حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء باشید.

راجع به سهم مبارک امام علیه السلام در این موضوع، ادله ولایت فقیه در عصر غیبت بطور تفصیل و دقت باید ملاحظه شود و اجمالاً از همین احادیثی که جناب عالی خود مرقوم فرموده‌اید نیز به مناسبت حکم و موضوع و این که امور عامه در عصر غیبت، مهمل و بلا نظام نیست و احکام هم - جز آن چه که مشروط به مباشرت شخص امام علیه السلام یا نائب خاص آن حضرت است - تعطیل نمی‌شود استفاده می‌شود که ولایت فقیه، بر تمام اموری که متولی آن باید حاکم و والی امر باشد ثابت می‌باشد و سهم مبارک امام علیه السلام از امور مالی اسلام است که امر آن (بید من بیده الامر) است چنانچه در عصر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این امور مالی اسلام، در دست خودشان بوده و در عصر سایر ائمه علیهم السلام در مواردی که مانع از مداخله نداشتند و شیعیان مراجعه می‌کردند مداخله می‌فرمودند و بحسب طبع حکم، و اصل تشریع، عهده‌دار و متولی امور مالی مثل گرفتن و تقسیم آن باید ولی امر باشد و جواز (استقلال من علیه الحق) به آن، محتاج به دلیل است بنا بر این ولایت بر امر سهم مبارک امام علیه السلام از ادله حکومت، قابل استظهار و ادعاء شمول آن قریب و قوی است مع ذلک با قول به ثبوت ولایت فقیه، بر مال غائب که قول معتمد و مقبول است ولایت بر اموال آن حضرت ارواحنا فدا به این معنی نیز ثابت است بلکه اولولیت دارد زیرا وقتی برای حفظ مصالح اموال مردم، فقهاء ولایت بر اموال غائب داشته باشند چنانچه از فرمایش امام علیه السلام در مثل روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع: (إن كان القيم مملوك و مثل عبد الحمید فلا بأس) هم استفاده می‌شود، حفظ و رعایت اموال امام علیه السلام که قوام امور مالی دین، منوط به آن است بطریق اولی لازم، و فقیه، بر آن ولایت دارد و لا اقل این مورد نیز هست و بر فقیه،

صفحه : ۳۹۷

واجب است که اموال آن حضرت را اخذ نماید و به مصرفی که یقین به رضایت آن حضرت دارد برساند و بالأخره هیچ وجهی برای تفکیک بین اموال آن حضرت سلام الله علیه و سایر غائبین بنظر نمی‌رسد علاوه بر این، جواز تصرف فقیه از اخذ و به مصرف رساندن از باب حسبه چنانچه جناب عالی هم دلالت روایات را در تصرف در امور حسیه استظهار کرده‌اید ثابت است و وجوب صرف آن در محلی که در نظر حاکم، صلاح باشد به این بیان نیز ثابت می‌شود که: اصل اشتغال ذمه به مال امام علیه السلام معلوم است و مکلف نمی‌داند که اگر خودش آن را بنظر خود صرف نماید برائت ذمه حاصل می‌شود یا آن که فقیه که ابصر به موارد و احکام و جهات و مصالح شرعی است برساند و بدیهی است که با امکان پرداخت به فقیه، احتیاط و تحصیل برائت یقینی عقلاً لازم است و اکتفاء به امثال و برائت احتمالی، در نظر عقل، کافی نیست و معلوم است که در مثل اینجا که اصل اشتغال ذمه، معلوم و

شک. در امثال است تمسک به ادله برائت، برای رفع وجوب اداء به فقیه، صحیح نیست. و اما این وجه که اداء آن به مجتهد، از باب این باشد که وی به مصرف طلب و حفظ حوزه علمیه برساند، وجیه نیست گمان ندارم کسی گفته باشد، بلکه بعد از ثبوت وجوب اداء به فقیه، و وجوب اخذ آن بر فقیه، این کلام - که مربوط به کیفیت تصرف و حدود آن و مطالب عنوان شده در اینجا است - مطرح می‌شود و وجوهی که در این مقام گفته شده از دفن مال یا نگهداری و وصیت بحفظ آن یا صدقه دادن از جانب آن حضرت یا دادن به سادات و بنی هاشم، همه ضعیف و بلکه معلوم البطلان است زیرا دفن یا وصیت، معرض تضییع و در حکم اتلاف است و اگر چه نسبت به مال غائبی که یقین به دسترسی او نیست یا نسبت به مجهول المالک، حکم، تصدق دادن است اما در صورتی که بدانیم در نظر صاحب مال، مصارف دیگر - که راضی به ترک آن نیست مثل حفظ اساس دین و رفع قواعد شرع و نشر لواء توحید و حفظ معارف و فقه و آثار و ذب از اسلام و رفع شبهات و تبلیغات - اهم و لازم الملاحظه است باید در همان موارد، صرف شود چنانچه احتمال این که به سادات داده شود - از باب این که خویشان و اقارب آن حضرت و صله رحم ایشان است - نیز با این موارد اهم و مصالحی که می‌دانیم

صفحه : ۳۹۸

امام علیه السلام بیش از هر چیز به آن اهمیّت می‌دهند قانع کننده نیست. و الله العالم. سلامت و دوام تأییدات جناب عالی را مسألت دارم و ملتزم دعا هستم.

س

- سهم امام علیه السلام که ملک آن حضرت است شخصا یا بعنوان منصب و مقام، آیا در عصر غیبت آن بزرگوار، اخذ و تصرف نائب و مرجع بعنوان مالکیت است یا نیابت در اخذ و یا اباحه تصرف؟ و به هر تقدیر، منظور اینست که ایادی متصرفه بعدی که از طرف مرجع و نائب حضرت، مجاز در تصرف سهم می‌باشند اخذ و تصرفشان برای اعاشه، بنحو اباحه است یا بنحو ملکیت؟ و اگر وجه ثانی نیست که ظاهرا به احتمال قوی باید همان طور باشد اگر مبلغی از ملک شخصی داشته که سال بر آن گذشته و مشمول خمس گردیده آیا می‌تواند خمس آن را از سهم، اداء کند و دست به آن وجه، نزند چنانکه سایر دیون شخصی و شرعی از قبیل کفّارات و نذور و غیر اینها جزء مؤنه زندگی و از شئون اعاشه است و می‌تواند از سهم بپردازد یا این که اداء خمس آن وجه، از سهم جائز نیست و مبری ذمه نمی‌باشد نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

- در فرض سؤال، تصرفات مجتهد در سهم امام علیه السلام بلکه سهم سادات، بعنوان ولایت در مصرف (در مصارفی که مقتضای نظریه و فتوای اوست) می‌باشد و کسانی که به اذن مجتهد، اخذ این سهام را می‌نمایند نحوه اخذ آنها دائر مدار اذن مجتهد است پس اگر مجتهد، اذن در تملک بدهد می‌تواند تملک نماید و اگر مأذون از جانب مجتهد بخواهد سهمی را که دریافت کرده و تملک نموده بعنوان خمسی که به مالش تعلق گرفته بدهد مانع ندارد و مبری ذمه او می‌باشد و در مقدار مصرف هم کما و کیفا تابع اذن مجتهد است.

هر گاه به مستحق قرض بدهد و بعدا بابت خمس حساب کند

س

- شخصی در اثناء سال، به سادات مستحق و هم چنین به مستحقین غیر سید، بقصد قرض، پول و اجناس دیگر می‌داده و نمی‌دانسته آنها هم بقصد قرض می‌گرفته‌اند یا نه، هر سال حساب می‌کرده مقداری خمس بدهکار می‌شده طلبی که - بقصد خودش بعنوان قرض - از سادات داشته از بابت سهم سادات، حساب می‌کرده و آنان را بریء الذمه می‌نموده و آن چه را که از غیر سادات

صفحه : ۳۹۹

می‌خواسته با اجازه حاکم شرع، از بابت سهم امام علیه السلام حساب می‌نموده این عمل بنظر مبارک چه صورت دارد؟.

ج

- در فرض سؤال، ذمه قرض گیرنده در صورتی مشغول می‌شود که وجه را بقصد قرض بگیرد مثل این که خودش بگوید قرض بدهید و شما هم به همین قصد بدهید و یا شما بگوئید قرض است و او قبول کند و بگیرد و در غیر این صورت اگر آن چه را به او داده‌اید تلف کرده باشد ضامن نیست بلی تا عین، باقی است شما می‌توانید پس بگیرید یا بگوئید قرض باشد و او هم قبول کند تا ذمه‌اش مشغول شود.

خمس دادن به واجب النفقه

س

- آیا پسر می‌تواند از پدر خود خمس بگیرد و برای خود کتاب درسی و غیر درسی و همین طور نوار درسی تهیه کند یا خیر؟.

ج

- فرزند واجب النفقه پدر است و پدر نمی‌تواند نفقات واجبه فرزند خود را از خمس بدهد ولی کتاب و نوار درسی از نفقات واجبه نیست و پرداخت خمس برای آنها مانعی ندارد لکن نسبت به سهم امام علیه السلام باید از حاکم شرع اذن بگیرد.

س

- سیدی مبلغی وجوه، بدهکار است و پسری دارد بی‌بضاعت و کارگر که جدای از پدر زندگی می‌کند و مبلغی مقروض است و از ادای آن عاجز شده آیا پدر می‌تواند از بابت سهم سادات، وجهی به او بدهد که قرضش را اداء نماید یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، جائز است پدر، سهم سادات به پسر بدهد که قرض خود را اداء نماید.

س

- آیا جائز است که فرزند، خمس اموال پدرش را بگیرد و کتابهای دینی مورد لزومش - که خود، استطاعت خرید آنها را ندارد - خریداری کند؟.

ج

- اما سهم مبارک امام علیه السلام امرش با فقیه جامع الشرائط است و با اجازه او جائز است و سهم سادات را برای مخارجی که غیر از نفقه واجب است

صفحه : ۴۰۰

ولی شخص، عرفا آن مخارج را دارد مانند کتب مورد حاجت می تواند به فرزند خود، بدهد.

خمس مال حلال مخلوط به حرام

س

- پولهایی که فعلا در دست مردم است و مخلوط به حرام می باشد تصرفات در آنها چه حکمی دارد و اگر بفرمایید تا معلوم الحرام نباشد اشکالی ندارد در صورتی که شخص، مبالغ کثیره از این پولها را که معلوم الحرام نباشد تدریجا تحصیل کند و مقداری از آنها را صرف هزینه زندگی نماید بعد علم اجمالی پیدا کند که در بین آنها حرام بوده به طوری که نه عین و نه مقدار آن هیچ کدام معلوم نباشد این علم اجمالی اثری دارد یا نه؟ و اگر شخص از مجتهدی تقلید می کرد که تمام پولها را مجهول المالک، می دانست و به وکالت از آن مجتهد، قبض و تملک می نمود بعد از فوت آن مجتهد می تواند در این مسأله باقی باشد و به وکالت از مجتهد حی، اخذ و تملک نماید یا نه؟.

ج

- تا علم به حرمت خصوص پولهایی که مورد ابتلاء او است نداشته باشد تصرف در آنها جایز است و در صورتی که بعد از تصرف، علم حاصل نماید که مقداری از آنها حرام بوده ولی مقدار و صاحب آن مجهول باشد قدر یقینی از معلوم بالاجمال را باید بعنوان مظالم بدهد و اگر علم دارد که یا در پولهای خرج شده و یا در پولهایی که فعلا مالک است مقداری حرام هست و مقدار و صاحب آن معلوم نباشد لازم است قدر متیقن از معلوم بالاجمال پولهای خرج شده را مظالم بدهد و پولهای موجود را تخمیس نماید و چون مبانی، مختلف است و بقاء در مورد سؤال، خالی از اشکال نیست، تا علم به غصبیت اموال مورد ابتلاء نداشته باشید مجازید در تصرف آن.

س

- شخصی شغل او حفر چاه در داخل منازل اشخاص بوده و صاحب کار با او قرارداد می نموده که مثلا ده متر چاه بکند و او خیانت می کرده و نه متر می کنده و به جای ده متر، تحویل می داده و از این شغل مبالغی اندوخته کرده اکنون از افعال قبلی پشیمان شده و دسترسی به صاحبان کار ندارد که آنها را راضی نماید در این صورت اگر خمس آن مبالغ را بدهد بری الذمه می شود یا خیر؟.

صفحه : ۴۰۱

ج

- اگر عین آن وجوه، باقی نباشد و مصرف شده و صاحبان آن را نمی‌شناسد به مقداری که یقین به اشتغال ذمه دارد از طرف صاحبان حقوق، به فقیر غیر سید، صدقه بدهد و نسبت به کسانی که می‌شناسد باید از خودشان استرضاء نماید و چنانچه عین آن وجوه باقی است و مخلوط به اموال دیگرش می‌باشد و مقدار و صاحبان آن را نیز نمی‌داند خمس آن اموال را به عنوان مخلوط به حرام بپردازد.

س

- شغل سلمانی به علت تراشیدن ریش، حرام است بنا بر این مالی را که از این راه بدست آورده با دادن خمس، حلال می‌شود یا نه؟.

ج

- تراشیدن ریش، حرام و مزد آن هم حرام است و اجرتی را که گرفته اگر صاحبانش مجهول باشند و آن مال حرام، جدا باشد و یا مخلوط به مال حلال شده لکن قدرش معلوم است با اذن حاکم شرع، صدقه بدهد و اگر مقدار و صاحب آن معلوم نیست و با مال حلال مخلوط شده خمس آن را بدهد بقیه، حلال است.

س

- اگر وارث بداند که ترکه میت، از کسب حرام یا از حلال و حرام هر دو جمع شده و مقدار حرام را نداند تکلیف این وارث، در فرض اول و دوم چیست؟.

ج

- در فرض اول اگر صاحب مال حرام، معلوم باشد به او رد کنند و الا با اذن حاکم شرع، مظالم بدهند و در فرض دوم که مخلوط بحرام باشد اگر نه صاحب حرام معلوم باشد و نه مقدار آن، واجب است خمس تمام مخلوط را بدهند.

س

- مال مخلوط حرام که باید دو مرتبه، خمس آن داده شود مصداق آن کجا است؟.

ج

- اگر هر چه پیدا کرده خمس نداده و بعلاوه، حرام دیگر غیر از خمس، مخلوط به مال شده باشد که نه صاحب آن را بشناسد و نه مقدار آن را باید یک خمس، از جهت مخلوط بحرام بدهد و بعد خمس تتمه را از جهت ارباح مکاسب، پردازد.

خمس معدن

س

- معدنی که در زمین مملوک است آیا اجاره دادن آن به دیگری جائز است یا نه و بر فرض جواز، خمس معدن، بر صاحب و مالک زمین است یا بر

صفحه: ۴۰۲

مستأجر و مستخرج آن؟.

ج

- اجاره زمین، جهت استخراج معدن - به نحوی که به اجاره، معدن، ملک مستأجر شود- محل تأمل است بلی اگر صاحب زمین وجهی بگیرد که اجازه بدهد به شخصی که برای خودش معدن را استخراج و تملک نماید جائز است و در این صورت خمس، با مستخرج است.

س

- کسی که از معادن، منفعتی بدست آورد و بحد نصاب برسد و پس از اخراج هزینه آن، خمس آن را اداء نماید آیا در سر سال پس از صرف مؤنه، مجدداً بایستی از وجه مخمس ما قبل، که دارد خمس دیگری بدهد یا همان خمسی که بعنوان معدن داده کفایت می کند؟.

ج

- در معدن، یک خمس، واجب است و پس از اخراج آن، دیگر خمس ندارد اگر چه چند سال بماند و صرف مؤنه نشود.

س

- در شمال پاکستان کوه‌های بلندی هست، مردم از آن کوه‌ها با سعی و زحمت بسیار با کندن کوه چیزی استخراج می کنند و این چیز بسیار مفید و برای رفع امراض مختلفه خیلی مؤثر است و رنگش سیاه است و قیمتش هم خیلی زیاد است لطفاً بفرمایید آیا به آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- بلی اگر بعد از مؤنه استخراج ارزش آن به پانزده مثقال صیرفی، طلا برسد خمس واجب است و اگر به این حد نرسد از عوائد بین سال محسوب است که اگر در بین سال به مصرف مؤنه رسید خمس ندارد و اگر تا آخر سال باقی ماند خمس باقی مانده باید داده شود.

خمس در مورد زمینی که مسلمان از کافر ذمی بخرد

س

- چنانچه مسلمانی زمینی را از کافر ذمی بخرد و بداند که آن ذمی از مسلمانی خریده که خمس آن را نداده این معامله صحیح است و یا نسبت بمقدار خمس آن موقوف به اجازه حاکم شرع است و مسلمان دوّم باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- نسبت بخمس آن، فضولی است و باید خمس آن را بدهد.

س

- زمینی که ذمی از مسلمان بخرد و خممش را ندهد اگر دو

صفحه : ۴۰۳

مرتبه مسلمان از او بخرد باید خمس آن را بدهد، حال بفرمایید اگر شک داریم که ذمی قبلاً از مسلمان خریده یا از پدر به او ارث رسیده باز خمس دارد؟ و آیا پرسش و تفحص هم لازم است یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله که معلوم نیست ذمی از مسلمان خریده یا به ارث مالک شده است خمس ندارد و تفحص هم لازم نیست.

مسائل متفرقه خمس

س

- کسی که شغل او روضه خوانی است و گاهی از سهم مبارک امام علیه السلام استفاده می کند چنانچه در آخر سال، از مؤنه زیاد بیاورد و نداند از روضه خوانی زیاد آمده یا از سهم مبارک امام علیه السلام، آیا این زیاده، خمس دارد یا نه؟.

ج

- اگر مخلوط کرده حکم شرکت را دارد و باید از آن چه باقی مانده بالتسبّه از مقدار روضه خوانی خمس بدهد و اگر مخلوط نکرده و نمی داند باقی مانده از سهم امام است یا وجه روضه خوانی، تخمیس آن، واجب نیست.

س

- اگر یک نفر یا چند نفر، حَمّامی را با پول خمس نداده بسازند آیا استفاده از چنین حَمّامی جائز است یا نه؟.

ج

- اگر اعیان مصالح آن، به ذمه خریده شده باشد و یا معلوم نباشد که بعین خمس نداده خریده شده یا به ذمه، غسل در آن، صحیح است.

س

- اگر از درآمد کسب که مال امانت داخل آن است خمس بدهد چه صورت دارد و آیا دین خود را اداء کرده یا نه؟.

ج

- اگر عین مال غیر را بعنوان خمس، داده باشد خمس، اداء نشده است.

س

- کسی که از اول تکلیف، تا مدتی پیرو مذهب اهل تسنن بوده بعد مستبصر شده و مذهب تشیع را اختیار کرده و در زمانی که سنی بوده ثروتی از راه حلال بدست آورده آیا باید خمس آن را بدهد؟.

ج

- بلی خمس اموال مذکوره را باید بپردازد.

س

- کسی ملکی دارد که به سبب آن، مستطیع شده ولی فعلا آن

صفحه : ۴۰۴

ملک، مشتری ندارد پول قرض می کند و به مگه می رود که بعد از مراجعت، آن ملک را بفروشد و قرض خود را بدهد آیا به این پول که قرض کرده خمس تعلق می گیرد یا نه؟.

ج

- خمس، تعلق نمی گیرد.

س

- ماه رمضان گذشته حساب اموال را نموده و خمس آن را دادم اکنون متوجه شده‌ام که در حساب، اشتباهی شده و مبلغی بلا حساب مانده حال آیا خمس اموالی که به حساب نیامده را پردازم و یا اول سال آینده، حساب کنم؟.

ج

- لازم است خمس آن مبلغ را که اشتباه شده فعلاً پردازید.

س

- وصی می‌تواند از ثلث میت، به سید مستمندی شخصا خمس پردازد یا نه؟.

ج

- اگر می‌داند وصیت کرده که از ثلث، خمس واجب او را اداء کند مانعی ندارد و اگر میت، وصیت بخمس نکرده باید اول دیون مالی او را - که خمس نیز یکی از آنها است - از اصل مال، خارج نموده و ثلث بقیه را به مصارفی که تعیین کرده برساند.

س

- مبلغی پول از بابت خمس، بدست شخص داده می‌شود که به ارباب خمس بدهد آیا آن شخص می‌تواند از پول خودش همان اندازه از بابت خمس پردازد و مبلغی را که گرفته تصرف نماید؟ یا حتما باید همان پول را پردازد؟.

ج

- باید عین آن پول را پردازد.

س

- شک در تعلق خمس، چه وظیفه‌ای را ایجاد می‌کند؟.

ج

- مختلف است، در مثل شک در این که آیا سرمایه، عایدی زائد دارد یا نه تفحص لازم است و باید حساب نماید و اما شک در این که آیا این مال معین، یک سال بر آن گذشته و خمس به آن تعلق گرفته یا نه؟ اصل، عدم تعلق خمس بر آن است و هم چنین اگر شک کند که مالهایی را که در سابق به مصرف رسانیده آیا خمس به آنها تعلق گرفته بوده یا نه؟، اصل، برائت ذمه است.

س

- صدقه مستحبی را مثل صدقه اول ماه به سادات می‌توان داد یا

صفحه : ۴۰۵

نه؟.

ج

- بلی جائز است.

س

- آیا مجهول المالک یا مظالم عباد را جائز است که به سید بدهند یا نه؟.

ج

- احوط آنست که به سید داده نشود.

س

- کسی که مدعی سیادت نیست اگر شال سبز، به کمر و عمامه سیاه یا سبز بر سر بندد چگونه است؟.

ج

- در صورتی که موجب اشتباه و اغراء به جهل شود احوط، ترک است.

س

- مبلغ هزار تومان پول، قریب پنج سال است که امانت شخصی نزد من بوده، و من از آن پول استفاده می‌نمایم، لطفا در مورد خمس آن راهنمایی فرمائید؟.

ج

- مادامی که بدل آن را به صاحبش نپرداخته‌اید خمس ندارد.

س

- ما می‌دانیم که سادات صحیح النسب که با پیروی از برنامه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السّلام، رفتار و کردارشان نمونه پیروان واقعی دین مقدّس اسلامست احترامشان بر فرد فرد شیعه لازم است ولی انسان ملاحظه می‌کند که رفتار و

کردار بعضی از سادات، بر خلاف دستور اسلام است و علنا منکرات را انجام می‌دهند و یکی از گویندگان در منبر می‌گفت: سید هر چند شراب خوار و قمارباز باشد، باز باید به او احترام کرد. اکنون بفرمایید که واقعا مطلب این چنین است؟.

ج

- در خبر است که (خلق الله الجنّة لمن اطاعه و لو كان عبدا حبشيا و خلق الله النار لمن عصاه و لو كان سيدا قرشيا).

س

- کسی که سهم سادات قبول می‌کند، آیا می‌تواند از سهم سادات یا مالی که غیر از سهم سادات دارد صدقه یا هدیه بدهد یا برای اموات خود خیرات نماید یا خیر؟.

ج

- سید فقیری که سهم سادات می‌گیرد می‌تواند صدقه و هدیه بدهد، و برای اموات خود خیرات بدهد بمقدار شأن خود.

صفحه : ۴۰۶

س

- کسی که در زندگی، غفلت کرده خمس اموال خود را نپرداخته و حالا از هستی، ساقط شده و نیت او هم از اول، دادن خمس بوده حالا تکلیف او چیست؟.

ج

- فعلا استغفار کند و تصمیم بگیرد که هر وقت، متمکن شد پردازد و اگر مأیوس از تمکن است چنانچه مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

س

- شخصی که حساب دقیق جهت اداء وجوه سالیانه ندارد ولی بطور متفرّق، خمس می‌پردازد بفرمایید که شرکت با چنین شخصی در معامله و هم چنین زراعت در زمین او بطور شراکت، - که مثلا زمین و بذر و کود و اجرت شخم زدن مال او و کار زراعت هم به عهده زارع باشد و طبق قرارداد، مالک، سهم زمین و سهم بذر و کودش را ببرد و زارع هم سهم کارش را - چه صورت دارد؟.

ج

- معامله با چنین شخصی، مانعی ندارد بلی اگر عین معینی را بدانید که متعلّق خمس شده و خمس آن را نداده تصرّف در آن، جائز

نیست.

س

- مرد و زنی با هم کار می‌کنند مرد، شغلی دارد زن هم قالی می‌بافد و یا چرخ ریزی می‌کند. مرد، جهت پرداخت حقوق شرعیّه خود، سال دارد آیا زن هم باید از درآمد سالیانه خود، خمس بدهد یا نه؟.

ج

- زن هم مانند مرد آن چه ربح بدست بیاورد و به مصرف مؤنه نرساند باید خمس آن را بدهد.

س

- شخصی حساب سال دارد و در بین سال، مثلاً از فروش یک قطعه زمین، منفعتی بدست می‌آورد آیا واجب است خمس آن را فوراً بدهد یا می‌تواند صبر کند سر سالش برسد آن گاه اداء نماید؟.

ج

- اگر خمس اصل زمین را داده باشد نسبت به منفعت آن، می‌تواند بگذارد سر سالش بدهد لکن اگر خمس به زمین، تعلّق گرفته بوده و نپرداخته هر وقت فروخت باید خمس آن را بپردازد و تأخیر، جائز نیست.

س

- مظالم عباد، چیست و موارد مصرف آن کجا است؟.

ج

- اعیان و دیونی است که بر ذمه اشخاص باشد و صاحبان آن معلوم

صفحه : ۴۰۷

نباشند و مصرف آن اگر مدیون، سید نیست فقیر غیر سید است و احتیاط لازم آن است که از مجتهد نیز اذن گرفته شود.

س

- جهیزیه عروس را قبل از عروسی و حمل آن به خانه شوهر یا پس از عروسی و حمل آن به خانه شوهر- اگر فروختند- به منافع آن خمس تعلّق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- در صورتی که جهیزیه را به قیمت گرانتر بفروشند زیادی قیمت آن از عوائد سال فروش، محسوب است.

س

- شخصی سالها ربا گرفته و اکنون پشیمان و تائب شده و بنا به اظهار خودش اشخاصی را که از آنها ربا گرفته می‌شناسد، و مبلغی را هم که بعنوان ربا گرفته می‌داند و بعضی از آنان را با دادن مبلغی راضی کرده و دیگران را هم در صدد است که راضی نماید و گاهی هم معاملات مباحه داشته حال می‌خواهد اموالش را تخمیس نماید آیا می‌شود خمس را بعنوان خمس ارباح بدهد یا نه؟ و اگر عین مأخوذه بعنوان ربا، موجود باشد و یا تلف کرده و یا این که تبدیل شده باشد فرقی دارد یا نه؟.

ج

- با فرض آن که همه را راضی کرده باشد تخمیس آن، اشکال ندارد و هم چنین اگر بعضی را راضی کرده و بعضی را هنوز راضی نکرده باشد، در صورتی که آن چه را که بابت خمس می‌دهد عین مال غیر نباشد و بخواهد سائرین را هم راضی کند دادن خمس، اشکال ندارد.

س

- شرکت در تجارت و کسب با کسی که اعتقاد به وجوب خمس ندارد مانند کافر و یا مسلمانی که خمس را واجب نمی‌داند چه صورت دارد؟.

ج

- اشکالی ندارد.

س

- اشخاصی که در کارخانه‌های دولتی، مشغول کار و از حقوق آنها صدی پنج بعنوان دکترو دوا کسر می‌کنند و پس از مدتی اشتغال، مبلغی بعنوان باز خرید به ایشان پرداخته و از کار، بر کنارشان می‌کنند ولی معلوم نیست که این مبلغ، همان صدی پنج از حقوق ایشان است که کسر شده یا بخشی از طرف دولت است که ارفاقاً به ایشان پرداخت شده آیا آن مبلغ، متعلق خمس هست یا

صفحه : ۴۰۸

نه؟ و فرقی بین این که در همان سال صرف در مؤنه شود یا از مؤنه سال زیاد بیاید و نیز بین این که در اخذ و صرف حقوق خود از طرف حاکم شرع مجاز باشد یا نباشد هست یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، وجه مزبور، جزء منافع همان سال، محسوب است که به او پرداخته‌اند هر چند از صدی پنج حقوق باشد چنانچه در آن سال صرف مؤنه نشده واجب است خمس آن را بپردازد و احتیاط لازم آنست که از حاکم شرع، در مطلق امور دولتی، استجازه نماید.

س

- هر گاه شخصی خمس مال خود را که مثلاً هزار تومان است جدا کند و قبل از پرداختن آن، به دیگری بگوید تو مبلغ هزار تومان از مال خودت برای من خمس بده، بعداً من به تو می‌دهم و او قبول کند و بپردازد آن گاه شخص مذکور آن چه را که بعنوان خمس کنار گذاشته بود به وی بدهد صحیح است یا خیر؟

ج

- کنار گذاشتن مالی بعنوان خمس، آن را متعین در خمس نمی‌کند و اداء خمس بنحو مذکور با رعایت قصد قربت اشکال ندارد.

س

- شخصی مغازه‌ای دارد و در ضمن، مشروب فروشی هم می‌کند اگر این شخص، وجهی بعنوان سهم سادات به سیدی بدهد با این که یقین دارد که پول اجناس مباحه، با پول فروش مشروب مخلوط است، آن سید می‌تواند آن پول را بگیرد؟

ج

- در صورتی که بعنوان سهم سادات می‌دهد قبول آن اشکال ندارد چه بعنوان خمس مخلوط بحرام بدهد و یا بعنوان خمس فوائد کسب.

س

- به پولی که بعنوان بیمه عمر داده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- پولی که به بیمه می‌دهند اول باید تخمیس شود و بعد بپردازند.

صفحه : ۴۰۹

مسائل زکاة

اجناسی که مورد تعلق زکاة است

س

- پولهای طلا و نقره سکه داری در ازمینه سابقه، رایج بوده و مانند اسکناسهای فعلی بکار می‌رفته ولی اکنون در ردیف اجناس عتیقه، قرار گرفته و شاید ارزش آنها بیش از سابق باشد، آیا این مطلب، سبب می‌شود که عرفاً گفته شود که رایج در معامله نیست و زکاة به آن تعلق نمی‌گیرد یا نه؟.

ج

- مقصود از رایج بودن این است که با آن مانند اسکناس معامله شود مثلاً همان طور که در مقام معامله گفته می‌شود این جنس را به چند تومان می‌فروشی، گفته شود این جنس را به چند سکه آزادی مثلاً، می‌فروشی و چون با سکه‌های طلا و نقره قدیم یا زمان حاضر این نحو معامله نمی‌شود و آنها را مانند متاع خرید و فروش می‌کنند و قیمت آنها مانند اجناس کم و زیاد می‌شود رایج نیست و به آنها زکاة تعلق نمی‌گیرد.

س

- بعضی از اقسام انگورها قابل کشمش شدن نمی‌باشند و اگر هم خشک شود کشمش آن قابل استفاده نیست و هیچ ارزشی ندارد بفرمایید این گونه انگور زکاة دارد یا خیر؟.

ج

- در صورتی که خشک آن بعد نصاب برسد زکاة دارد، کشمش آن قابل استفاده باشد یا نباشد.

س

- شخص زارعی دارای زمین کشاورزی بالغ بر ۲۰۰ کیلو تخم انداز است و در آن زمین جو می‌کارد، و زمین پست و بلند است که به وسیله گاو و الاغ

صفحه : ۴۱۰

شخم زده می‌شود، و با داس هم چیده می‌شود، و هنگام کشت به تیت مصرف حیوانات کاشته می‌شود، که شدیداً بدان نیازمندند و ماده بقاء و حیات حیوانات محسوب می‌شود، پس از برداشت، مقدار کمی جهت خوراک عائله شخص مصرف می‌شود که زکاة آن پرداخت می‌گردد، تکلیف ما بقی که به مصرف حیوانات می‌رسد از حیث پرداخت زکاة چگونه خواهد بود؟.

ج

- در فرض سؤال زکاة مجموع حاصل اعم از مصرف خوراک شخصی و مصرف حیوانات باید داده شود.

س

- به اسکناس، زکاء تعلق می‌گیرد یا نه؟.

ج

- تعلق نمی‌گیرد.

اعتبار نصاب در زکاء

س

- در بعضی از محلها رسم است که گندم و جو را در هم و مخلوط می‌کارند پس از چیدن، اگر از هم جدا شود هیچ کدام، به نصاب زکاء نمی‌رسد و اما مخلوط آن - که نه گندم بر آن صدق می‌کند و نه جو، و آن را خلطک می‌گویند- بمقدار نصاب است آیا زکاء آن واجب است یا نه؟.

ج

- میزان در نصاب این است که هر یک از گندم یا جو بحدّ نصاب برسد و اگر مجموعاً بمقدار نصاب باشد زکاء واجب نیست.

س

- طلائیست مسکوک که مقدار آن بیش از حدّ نصاب و چند سال است که زکاء آن داده نشده آیا نسبت بتأخیر در پرداخت زکاء سنوات گذشته، اشتغال ذمه است یا فقط معصیت کرده و با پرداخت زکاء فعلی، تدارک می‌شود و اگر از چهل دینار یک دینار را باید بدهد در صورتی که به پول رایج، به قیمت درآورده و پرداخت و آن یک دینار در ملک او باقی ماند باز هم نصاب زکاء، نسبت به چهل دینار باقی است یا نه و بعد از پرداخت زکاء اگر در سالهای بعد، بقیه طلا که باز هم بیش از حدّ نصاب است باقی ماند مجدداً مشمول حکم زکاء می‌شود یا نه؟.

ج

- در فرض مسأله، علاوه بر معصیت، هر قدر تأخیر شده زکاء آن را باید پردازد تا از نصاب ساقط شود مثلاً اگر چهل دینار طلای مسکوک به سکه رایج را سی سال نگاهداشته بیست دینار و سه دهم (۱۰-۲۰۳) زکاء باید بدهد که کمتر از

صفحه : ۴۱۱

نصاب باقی بماند و اگر از مال دیگر زکاء را بدهد و عین طلا را نگاهدارد هر سال باید همان زکاء سال قبل را بدهد.

س

- املاک زن و مادر که در دست شوهر و فرزند است و با املاک خود، مخلوط و زراعت می‌کنند و زن یا مادر، دخالتی در املاک

خود ندارند آیا غله هر کدام باید بحدّ نصاب برسد یا مجموع زراعت، روی هم حساب شود؟.

ج

- چنانچه زراعت، بنحو مزارعه باشد سهم هر یک از مالک و زارع باید جداگانه بحدّ نصاب برسد ولی اگر املاک بنحو اجاره و یا مَجّانا در اختیار شوهر یا فرزند باشد به طوری که زن و مادر، سهم در زراعت نباشند چون همه زراعت ملک شوهر و یا فرزند است اگر مجموع بحدّ نصاب رسید زکاة دارد.

س

- هر گاه گندم یا جو یا خرما یا کشمش به حدّ نصاب برسد زکاة را از همه باید داد یا از بالاتر از حدّ نصاب؟.

ج

- هر کدام که بحدّ نصاب برسد بعد از مخارج، زکاة تمام آن را باید بدهد.

زکاة غلات اربعه یا عشر است یا نصف عشر

س

- زراعت گندم و جو که فعلا در اکثر جاها معمول است که با آب چاه عمیق و یا نیمه عمیق به وسیله موتور، آبیاری می نمایند، آیا حکم آبیاری، با دلو را دارد که زکاة را بیست یک حساب کنند یا در حکم آن نیست و باید ده یک بدهند و آیا مخارج چاه و موتور و غیره نسبت به سهم غلات زکوی کسر می شود- که اگر ما بقی، بعد از کسر مخارج بحدّ نصاب برسد زکاة آن را خارج نمایند- یا نه؟.

ج

- زکاة گندم و جو که با چاه عمیق و نیمه عمیق مشروب شده، بیست یک است و مخارج احداث اصل چاه و خرید موتور در مقام احتساب نصاب، کسر نمی شود ولی به مقداری که از موتور، کاهش می یابد و مخارجی که در عرض سال می شود اگر گندم یا جو بحد نصاب برسد کسر شود و زکاة بقیه را بدهند و مخارج باید نسبت بمال زکوی و کاه و زراعت دیگر توزیع شود.

س

- هر گاه زارع، از مالک، آب چاه را خریداری و در زمینهای خود، زراعت می کند زکاة چنین زراعتی عشر است و یا نصف عشر؟ و پولهایی که از بابت خرید آب به مالک چاه، داده از مؤنه زراعت است یا نه؟.

ج

- نصف عشر است و اگر آب بخرد پول آن از مؤنه است اما اگر چاه را بخرد از مؤنه، محسوب نیست.

س

- هل يجوز رفع نسبة الزكاة من ۱۰-۱ ام لا خصوصا اذا كان المجتمع الاسلامي بحاجة ماسة للأموال؟.

ج

- لا يجوز رفع نسبة الزكاة ولا وضعها، هذا بحسب الحكم الاوّلی و اذا كان المجتمع الاسلامي في حاجة ماسة للأموال يطلب الحاكم الشرعي من ارباب الاموال ما يكفي لها بحسب ما يرى من المصلحة على أنّه يستحب الزكاة في كثير من الاشياء كمال التجارة و كل ما يكال او يوزن ممّا أنبتته الارض غير الغلات الا ربع التي اشرنا إليها و حاصل العقار المتخذ للنماء من البساتين و الدكاكين و المساكن و الحمامات و الخانات و بعض الاشياء الاخر التي ذكرت بشرائها في الرسائل العملية.

س

- زمینی دارم بدون آب موتور و قنّاء و باید آب بخرم، بفرمایید زکاء آن چند یک است؟.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زراعت را با آب موتور مشروب نمایید زکاء آن بیست یک و اگر با آب قنّاء مشروب نمایید ده یک است.

حكم مخارج زراعت و تقسيط مخارج بر جنس زکوی و غیر آن

س

- شخصی ملکی را به ده هزار تومان اجاره می کند و تخم و سائر مخارج را خودش می پردازد آیا موقع پرداخت زکاء وجه اجاره را کسر نماید و زکاء ما بقی را بدهد و یا کسر نکرده زکاء آن را پردازد؟.

ج

- بلی مال الاجاره را کسر کند و زکاء ما بقی را بدهد لکن اگر مزروعات مختلفه‌ای در این ملک داشته باشد مال الاجاره باید بر مزروعات مختلفه، حتّی نسبت به کاه تقسيط شود.

س

- گندم یا جو، یا پولی که به میراب داده می‌شود تا آب به زراعت برساند می‌توان از حاصل، کسر نمود و سپس ملاحظه نصاب کرد، یا نه؟.

ج

- اگر متعارف باشد که اجرت میراب را از خود گندم بدهند بعد از کسر آن اگر به حد نصاب رسید زکاء، تعلّق می‌گیرد و اگر بحد نصاب نرسد زکاء ندارد و

صفحه : ۴۱۳

اگر متعارف، این باشد که اجرت میراب را پول بدهند بنا بر احتیاط لازم نصاب را بدون کسر این اجرت ملاحظه نمایند و بعد از کسر اجرت میراب، زکاء باقی مانده را بدهند.

س

- شخصی ۲۵ من به وزن محلی (که هر من هفتاد کیلو است) گندم داشته ۲۰ من آن را به کارگر می‌دهد که آن را درو و پاک کند آیا به آن پنج من که برای خودش باقی می‌ماند زکاء تعلّق می‌گیرد یا نه؟ و آیا آن بیست من که عاید کارگر شده زکاء دارد یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال اگر متعارف باشد که اجرت درو کردن و پاک نمودن را از عین غله بدهند بر پنج من باقی مانده زکاء تعلّق نمی‌گیرد و اگر متعارف نیست که از عین غله بدهند احتیاط لازم آنست که زکاء پنج من را بدهد و اما کارگر اگر فقط اجیر برای درو نمودن و پاک کردن بوده و قبل از تعلّق زکاء، مالک سهمی از زراعت نبوده زکاء بر او واجب نیست.

س

- شخصی می‌خواهد زکاء گندم و جو بدهد مبلغ ده هزار تومان خرج جوی تلمبه یا قنّاء کرده است آیا این ده هزار تومان، همان سال اول از مخارج حساب می‌شود یا خیر؟ چون نمی‌داند این جوی چند سال دوام دارد و نیز مقنّی برای تلمبه یا قنّاء پشته زده و مثلاً پنج هزار تومان شده آیا این پنج هزار تومان را از سال جاری کسر کند بعد زکاء دهد یا خیر؟.

ج

- خرج ایجاد نهر یا استخر یا کنندن چاه یا نصب تلمبه از مؤنه زراعت نیست.

س

- گندم را چیده و در خرمن دج نموده‌ایم آیا می‌شود مخارج کارگرانی که مزد گرفته‌اند از گندم کسر نماییم و بعد زکاء بدهیم یا

خیر؟.

ج

- اجرت کارگر از کاه و گندم بالنسبه اخراج می شود و پس از اخراج آن زکاء ما بقی داده می شود.

زکاء به عهده کسی است که حین انعقاد حبه مالک زراعت باشد

س

- زکاء مال به عهده موجر است یا مستأجر و یا از خود مال باید برداشته شود؟.

صفحه : ۴۱۴

ج

- زکاء به عهده مستأجر است.

س

- ملکی که به رعیت، اجازه داده می شود زکاء زراعت آن به عهده مالک است یا رعیت و آیا رضایت زارع و عدم رضایت او موجب تفاوت در حکم می شود یا نه؟.

ج

- در فرض سؤال، زکاء بر رعیت است که حین انعقاد حبه مالک غله می باشد چه اجاره با رضایت زارع باشد و چه بدون آن، نهایت در صورت اول باید اجرة المسماء به مالک بدهد و در صورت دوم اجرة المثل، لکن اگر بنحو مزارعه باشد سهم هر یک که بحد نصاب برسد باید زکاء خود را بدهد.

س

- شخصی زمینی را در تصرف دارد ولی مالک آن نیست و با زید قرار داد می کند که زید با بذر خود، زمین را کشت کند و درو نماید و گندم آن را با آن شخص، تنصیف کند و او هم گندم خود را با پسرش که جدا زندگی می کند قسمت می نماید در این صورت زکاء بر، کیست؟.

ج

- هر کس مالک گندم باشد اگر سهم خودش بحد نصاب رسید زکاء بر او واجب است چه مالک زمین باشد و یا نباشد. بلی اگر

زمین را که تحت اختیار زارع گذاشته غصب باشد، مزارعه، صحیح نیست و مقداری که مقرر شده که سهم غاصب باشد در صورتی که مالک، مزارعه را امضاء کند مال مالک زمین است و زکاة هم بر او است و اگر رد کند مال زارع است.

س

- شخصی عوض اجرت کارش به قدری گندم بدست آورد که به حد نصاب بود آیا زکاة به این گندم تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- زکاة به آن تعلق نمی‌گیرد.

در زکاة، اداء عین لازم است یا قیمت هم مجزی است

س

- گوسفند یا گاوی که انسان از بابت زکاة باید بدهد، جائز است که بفروشد و پولش را تقسیم نماید یا نه؟

ج

- فروش زکاة بدون اذن حاکم شرع مشکل است لکن جائز است قیمت گاو یا گوسفند را بدهد و اداء عین، لازم نیست و قیمت را می‌تواند بین چند نفر تقسیم کند و چنانچه بخواهد از عین بدهد واجب است یک حیوان تمام به یک فقیر،

صفحه : ۴۱۵

داده شود.

در وجوب زکاة، غنی معتبر نیست

س

- اگر شخصی مؤنه سالش را نتواند فراهم نماید و به عسرت بگذارند یا قرض دارد و نتواند قرضش را اداء کند و مقداری زکاة هم بر او واجب شده، باید اداء نماید یا نه؟

ج

- زکاة را باید اداء کند و اگر فقیر باشد دیگری می‌تواند به او زکاة بدهد.

چیزی که ملک جهت است زکاة ندارد

س

- در محلی، شرکت زراعی تشکیل شده گندم و آرد در معرض فروش قرار می‌دهند. خریدن این گندم و آرد با آن که زکاء آن را نمی‌پردازند چه صورت دارد؟.

ج

- با علم به تعلّق زکاء بعین گندم مورد ابتلاء، معامله نسبت به مقدار زکاء، فضولی است و خریدار، مالک آن مقدار و فروشنده هم مالک پول آن نمی‌شود و اگر فروشنده، زکاء آن را ندهد واجب است خریدار با اذن حاکم شرع، زکاء آن را بدهد لکن اگر دولت، شریک در سهام باشد سهم دولت، زکاء ندارد.

س

- غلات اربعه که از ملک ثلث و یا وقفی بدست می‌آید زکاء دارد یا نه؟.

ج

- اگر کسی ملک وقف یا ثلث را اجاره کرده و محصول غلات اربعه آن به تفصیلی که در رساله‌های عملیه ذکر شده بحدّ نصاب برسد مستأجر باید زکاء آن را بدهد و اگر ملک وقف یا ثلث برای جهتی از جهات عامّه باشد و برای همان جهت که در وقف یا ثلث معین شده کشت کرده باشد زکاء به آن تعلّق نمی‌گیرد و اگر وقف خاصّ باشد مثل وقف بر اولاد، سهم هر یک به حدّ نصاب برسد زکاء آن واجب است.

حکم بذری که زکاء آن پرداخت شده و بذری که زکاتش پرداخت نشده

س

- تخمی که زکاء آن را داده‌اند در سالهای بعد، می‌توانند همان مقداری که در سال قبل زکاء آن را پرداخته‌اند از محصول بردارند و زکاء آن را ندهند

صفحه : ۴۱۶

یا این که باید در سالهای بعد، زکاء آن مقدار تخم را بدهند؟.

ج

- از مخارج زراعت، محسوب است و ثانیاً زکاء، به آن تعلّق نمی‌گیرد.

س

- اگر کسی گندمی را که خمس و زکاء به آن تعلّق گرفته و نپرداخته بکار حق فقرا را تلف کرده و یا این که تمام محصول آن

گندم، متعلق خمس و زکاة است؟.

ج

- بنا بر اقوی فقهاء در گندم آن شریکند لکن بعید نیست که اگر خمس و زکاة بذر را بپردازد کافی باشد.

مستحق و مصرف زکاة

س

- آیا کمک به جبهه جنگ ایران و کمک به قحطی زدگان اتیوپی بابت زکاة گندم و جو قبول است یا خیر؟.

ج

- کمک به جبهه از زکاة بابت سهم سیل الله مانع ندارد و اما نسبت به قحطی زدگان اتیوپی اگر یقین دارد بدست مسلمان فقیر می‌رسد اشکال ندارد و در صورت شک زکاة محسوب نمی‌شود و مبرئ ذمه نیست.

س

- به یک خانواده مسلمان، که همه آنها احکام دینی را قبول دارند، و بعضی شان نماز می‌خواند و بعضی شان هم گاهی می‌خواند، و گاهی نمی‌خواند، دادن خمس یا زکاة جایز است یا خیر؟.

ج

- در صورت فقر جایز است.

س

- چه می‌فرمایید در این دو مسأله: ۱- مصرف زکاة برای جبهه جنگ ۲- مصرف زکاة برای بنای مسجد؟.

ج

- صرف زکاة از سهم سیل الله برای جبهه و مسجد جایز است.

س

- در روستایی که حمام ندارند و غالباً یا همه اوقات در جنابت بسر می‌برند و داخل شدن در مسجد با جنابت، حرام و نماز باطل است و مسجدشان معمولاً مثل یک ساختمان معطل می‌ماند با این حال اگر زکاتشان را به مصرف ساختن مسجد برسانند آیا تضييع زکاة نیست؟.

ج

- در صورت مفروضه صرف زکاء در ساختن مسجد برای محل مذکور مانعی ندارد و تضييع نیست.

صفحه : ۴۱۷

س

- زکاء و خمس را به اشخاص معتاد به تریاک در صورتی که نتوانند ترک کنند می شود داد یا نه؟.

ج

- با فرض آن که نتوانند ترک کنند اشکال ندارد بشرط آن که اکتفا به مقداری که اضطرار به آن رفع می شود بنمایند.

س

- شخص می تواند زکاء مال را به داماد و یا به عروس خود بدهد یا نه؟.

ج

- اگر داماد، فقیر باشد دادن زکاء به او مانعی ندارد و دادن زکاء به عروس اگر شوهرش قدرت بر اداء نفقه او ندارد یا آن که با تمکن، نمی دهد چنانچه عروس، فقیر باشد جائز است.

س

- در رساله عملیه فرموده‌اید (غیر سید نمی تواند زکاء را به سید بدهد) حال اگر غیر سید زکاء گرفت آیا می تواند خرج خود و عیالش که سید می باشد بنماید و یا این که مقداری از زکاء را وقتی گرفت و مالک شد به عنوان صدقه مستحبیه یا هبه به سید بدهد یا نه؟.

ج

- در هر دو صورت، اشکال ندارد.

س

- مرسوم است یک نفر با سواد را اجیر می کنند تا قرآن و بعضی از کتب دینی را به اطفال تعلیم نماید، آیا جایز است اولیای اطفال اجرت او را از زکاء مال خودشان حساب کنند یا نه؟.

ج

- چنانچه کسی او را جهت تعلیم قرآن به اطفال مؤمنین اجیر نماید جایز است که مال الاجاره را بعنوان سهم سیل الله از زکاء بدهد لکن اگر او را فقط برای طفل خود اجیر کند پرداخت اجرت از زکاء مشکل است.

س

- بدهی مستحق را - چه زنده و چه مرده - می شود عوض وجوه شرعی و مظالم عباد، حساب کرد یا نه؟.

ج

- جائز است از زکاء، دین فقری را که مرده اداء نمود لکن از خمس و مظالم، جائز نیست بلی دین فقیر زنده را مطلقا جائز است که در ازاء وجوه منطبقه، بر او محسوب دارند اگر چه دست گردان کردن احوط است.

س

- صدی دو، که در موقع خرمن طبق مقررات دولت برای عمران

صفحه : ۴۱۸

محل از زارعین گرفته می شود آیا می توان به مصرف تعمیر حمام و مسجد و خریداری حصیر جهت مسجد رسانید یا نه؟ و زارعین می توانند آن را بابت زکاء، محسوب نمایند یا نه؟.

ج

- با رضایت صاحبان گندم صرف آن، در موارد مذکوره، اشکال ندارد و می توانند مصارف مذکوره را بابت زکاء محسوب بدارند.

س

- چه مقدار از زکاء را می توان فی سیل الله مصرف کرد؟.

ج

- توزیع، لازم نیست می شود تمام آن را فی سیل الله مصرف نمود.

س

- آیا می شود جهت تعمیر مساجد و عزاداری حضرت ابا عبد الله علیه السلام از زکاء مصرف نمود؟ و آیا می توان زکاء را به فقراء غیر محل داد یا نه؟.

ج

- بلی تعمیر و بناء مساجد از زکاء، جائز است و نیز صرف زکاء، جهت مجالس بیان احکام شرع و مواعظ و اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام و هر کاری که موجب تقرب به خدا و جنبه عمومی داشته باشد و هم چنین نقل زکاء بالخصوص به اماکنی که رجحان داشته باشد- مثل آن که جهت اعطاء به علماء و صرف در حوزه علمیه نقل دهند- جائز است.

س

- با وجود فقراء می شود زکاء را صرف ساختن یا تعمیر حمام کرد یا نه؟ در صورتی که اهالی محل، تمکن مالی دارند که از غیر زکاء، حمام را تعمیر کنند؟.

ج

- در صورتی که حمام، مورد حاجت عموم و وقف عام باشد جائز است از سهم سبیل الله، زکوات را به مصرف حمام برسانند هر چند فقیر هم در محل باشد.

بلی اگر فقراء، مضطر باشند به طوری که حفظ آنان موقوف به اداء زکاء باشد واجب است صرف آنها بنمایند.

س

- کتب دینی را که محل ابتلاء است می شود از زکاء، خریداری کرد یا نه؟.

ج

- صرف نمودن زکاء در خرید کتاب دینی برای خود، جائز نیست ولی خریدن کتاب دینی، برای دیگران، از زکاء مانعی ندارد.

صفحه : ۴۱۹

س

- برای تعمیر قنّاه و استفاده بیشتر از آب آن جهت زراعت و غیر زراعت آیا می شود از زکاء صرف کرد یا نه؟.

ج

- صرف زکاء در منافع شخصی خود یا اغنیاء جائز نیست بلی اگر مثلاً قنّاه وقف برای شرب و مصارف عمومی مردم باشد صرف زکاء در تعمیر آن، جائز است.

س

- آیا انسان می‌تواند به ربیبه خود که خرج او را عهده‌دار است زکاة بدهد؟

ج

- اگر فقیر باشد اشکال ندارد.

س

- آیا انسان می‌تواند جزئی زکاتی را که مدیون است جهت عروسی پسرش مصرف کند؟

ج

- اگر پسر، فقیر است پدر می‌تواند زکاة خود را برای مخارج عروسی به پسر خود بدهد.

س

- آیا زکاة فرزند به پدر و مادرش می‌رسد یا نه؟

ج

- اداء زکاة به پدر و مادر - جز در مواردی که استثناء شده - جائز نیست.

مسائل متفرقه زکاة

س

- تقریباً چهل سال یا پنجاه سال از سن شخصی می‌گذرد در این مدت کم و بیش زکاة داده ولی یقین ندارد که تمام آن چه را که تعلق گرفته، داده باشد اکنون می‌خواهد خود را بری الذمه نماید، چه اندازه از مالش را اخراج کند؟

ج

- قدر یقینی را اداء کند و زائد بر قدر یقینی، واجب نیست.

س

- زارعی از ابتداء، زکاة گندم یا جو، را نداده فعلاً مقدار زیادی زکاة بایستی بدهد که از نظر وضع مالی اداء آن برای او مشکل است آیا می‌تواند کمتر از مقدار یقینی، زکاة بدهد یا لازم است تمام مقدار یقینی را پردازد؟

ج

- اگر دو نفر این گونه باشند ممکن است هر یک زکاء خود را به دیگری بدهد و آنگاه می‌تواند در صورتی که واقعا تمکن عرفی ندارد با مستحقین، دست گردان نماید.

صفحه : ۴۲۰

س

- آیا انسان می‌تواند وجهی را به مستحق بدهد باین نیت که اگر زکاء به ذمه‌اش هست زکاء و اگر مظالم هست مظالم محسوب شود یا نه؟.

ج

- اشکالی ندارد.

س

- شخصی با علم به این که گندم و یا جو زکاتش پرداخت نشده بعنوان عامل فروش و یا عامل حمل با کامیون، اجرت فروش می‌گیرد و یا کرایه حمل می‌گیرد آیا زکاء به ذمه عامل فروش و یا به ذمه عامل حمل، می‌آید یا نه؟.

ج

- در فرض مرقوم، عامل و حامل جنس، نیز ضامن زکاء آن هستند. بلی اگر مالک، آن را اداء کند ذمه عامل و حامل نیز بری می‌شود.

س

- هل يجوز للدولة الإسلامية أو الجمعية الإسلامية كما في أمريكا مثلاً جمع الزكاة من الناس ثم توزيعها على المستحقين أو على كل شخص إن يدفعها لمن بحسب من اقربائه المحتاجة و ممن يعرفهم الفقراء .. و هذا قد يدفع الاشخاص للتقاعد احياناً عن دفع الزكاة عند ما لا يكون هناك من يطالبه بدفعها مع افتراض غياب الدافع الشعور بالمسئولية امام الله؟.

ج

- يجوز للحاكم الشرعي جمع الزكاة و توزيعها على اربابها و اما الجمعيات الإسلامية إذا كان بعضهم من المجتهدين يجوز لهم ذلك باذنه و الا يستأذنون من الفقيه.

مسائل زکاة فطره

اداء فطره قبل از نماز عید و بعد از آن

س

- فطره را به امام مسجدی می‌دهند که به اهلش برساند و امام، وکالت از فقیه معینی ندارد و قصد دارد به فقیری بدهد که اگر نماز عید فطر را یک ساعت دیرتر بخواند می‌تواند به او برساند و حال آن که این کار را نمی‌کند و چند روز بعد به او می‌دهد چه صورت دارد؟.

ج

- در صورتی که امام مسجد، فقیه باشد یا مأذون از فقیه جامع الشرائط و بعنوان ولایت برای فقیر بگیرد تکلیف دهنده ساقط شده و فقیه یا مأذون هر وقت صلاح بدانند به اهلش برسانند و اگر امام جماعت وکیل از قبل دهنده باشد احوط آنست که قبل از نماز عید ردّ کند و اگر رد نکرد بعداً نیز بعنوان زکاة ردّ کند بشرط آن که وکالت مالک، مقید به قبل از نماز نباشد و الاً ثانیاً وکالت لازم است.

س

- علماء فرموده‌اند: (کسی که نماز عید می‌خواند احتیاطاً آنست که زکاة فطره را پیش از نماز عید بدهد و اگر نماز نمی‌خواند می‌تواند تا ظهر، تأخیر بیاندازد) حال اگر شخصی مال دارد ولی فعلاً موجود نیست یعنی پول از مردم می‌خواهد یا چک دارد که چند روز دیگر وعده آن می‌رسد آیا واجب است قرض کند و زکاة خود را بدهد یا نه؟ و اگر کسی است که قرض کردن خلاف شأن او است حکمش چیست؟.

ج

- با تمکن از قرض اگر غنی باشد قرض کردن لازم است مگر آن که تحمّل منت قرض، حرج باشد.

س

- اگر شخصی هنگام تعلّق زکاة فطره، پول نداشته باشد آیا لازم است بهر نحو که شده با قرض یا فروش لوازم زندگی پول تهیه کند تا در وقتش فطره را ادا نماید یا تأخیر آن تا گرفتن حقوق مانع ندارد؟.

ج

- در صورت تمکن واجب است قرض نموده و اداء کند و بعد قرض خود را بپردازد و در صورت عدم تمکن صبر کند تا حقوق خود را دریافت نماید. ولی در موقع پرداخت، نیت اداء و قضاء نکند و بقصد قربت مطلقه بدهد.

میزان در غنی که شرط وجوب زکاة فطره است چیست؟

س

– آیا مقصود از غنی بودن که شرط وجوب زکاة فطره است، آنست که از عید فطر گذشته تا عید فطری که رسیده و می‌خواهد زکاة بدهد خرج خود و عیالش را داشته باشد یا این که میزان عید فطر آینده و یا سال خمس است؟

ج

– میزان، داشتن مخارج بالفعل و یا بالقوه تا سال آینده است.

تأخیر در اداء زکاة فطره با وجود مستحق

س

– زکاة فطره را در محل داده‌ام ولی مبلغی از آن فعلاً هست که با کسب اجازه، در روز عید غدیر به مستحقین خواهم داد آیا اشکالی دارد؟

ج

– با وجود مستحق، نگاهداشتن آن تا عید غدیر جائز نیست.

نقل زکاة فطره به محل دیگر

س

– آیا ساکنین تهران که غالباً از شهرستانها هستند می‌توانند زکاة فطره را جهت خویشاوندان به شهرستان خود بفرستند یا نه؟

ج

– احتیاط واجب ترک نقل زکاة فطره است مگر این که در محل، مستحق پیدا نشود.

س

– در مسأله زکاة فطره فرموده‌اید (به خارج بلد نفرستند) آیا اگر فقری از محل دیگر بیاید دادن زکاة فطره به او مجزی است یا نه؟

ج

– حکم عدم اخراج از بلد، مختص به بعد از عزل و تعیین است چون تصرف در مال زکوی، مجوز می‌خواهد لذا گفته‌ایم چنانچه خواست به خارج بفرستد عزل نکند و مال خود را به خارج بفرستد و بعد از وصول به خارج در آنجا بقصد زکاة فطره به مستحق بدهد و دادن زکاة فطره به فقری که از خارج آمده اشکال ندارد.

صفحه : ۴۲۳

س

- در محلی زکاة فطره زیاد و فقیر پیدا نمی‌شود یا بسیار کم است اکنون آن را در چه راهی مصرف نمایند؟.

ج

- چون نقل این زکاة به شهر دیگر، خلاف احتیاط است و بنا بر احتیاط واجب، مصرف آن، شیعه اثنی عشری است پس اگر در شهر، فقیر نباشد احوط آن است که مال خود را به شهر دیگر ببرد و در آنجا بقصد زکاة فطره به فقرا آنجا بدهد.

اگر زکاة فطره چند نفر بعد از افراز بهم مخلوط شود

س

- عده‌ای بابت زکاة فطره پولهایی به امام جماعت مسجد می‌دهند و امام جماعت موقع پرداخت، قیمت یکی از اجناسی که شرع تعیین فرموده مثلاً جو، حساب می‌کند و به فقیر می‌دهد و یا بدون حساب صد تومان مثلاً که جمع شده به چند نفر فقیر می‌دهد چه صورت دارد؟.

ج

- امام جماعت لازم است وجوه مأخوذه را مخلوط نکند و هر یک را بقصد صاحب آن به فقیر بدهد و اگر مخلوط کرده در موقع اداء، مقدار مأخوذ از هر شخصی را از مجموع جدا کند و بقصد همان شخص بپردازد. بلی جائز است مجموع را به یک نفر فقیر مستحق از طرف همه صاحبان وجه بدهد و در این صورت جدا کردن برای هر نفری لازم نیست.

س

- آیا جائز است پولهایی که اشخاص، بعنوان فطره می‌دهند در صندوق ریخته شود و عالم یا شخص دیگر، تدریجاً در خلال ۷ یا ۸ ماه و بیشتر به مستحقین بدهد یا نه؟ و در صورت جواز، آیا دهنده باید به نیت صاحبان آنها بدهد یا فقط پرداختن، کافست؟.

ج

- تأخیر جز، با نبود مستحق، جائز نیست و دهنده اگر وکیل در ایصال است لازم نیست از جانب صاحبش نیت نماید و مخلوط کردن فطره‌ها خالی از اشکال نیست زیرا در اعطاء زکاة لازم است کمتر از یک صاع به هر فقیر داده نشود و در فرض مذکور، گاهی کمتر از یک صاع اعطاء می‌شود مثلاً اگر یک صاع مشاع بین ده صاع از ده نفر، به فقیر داده شود از هر نفری یک عشر صاع داده شده بلی اگر بقصد یکی از آنها یک صاع مفروز کند و بپردازد، اشکال مرتفع خواهد شد و نیز اگر گیرنده زکاة، مجتهد یا وکیل او باشد و در مقام ردّ به مستحق، به نیت هر یک

صفحه : ۴۲۴

از دهندگان، از آن مفروز نماید و بدهد خالی از اشکال خواهد شد.

فطره میهمان

س

- اگر شخصی مهمانی را دعوت کند یا مهمان خودش بیاید و چند روز در منزل او بماند نزدیک غروب شب عید فطر، بیرون برود و بعد از مغرب بیاید و صاحب خانه، یقین می‌داند که امشب موقع افطار، میهمان دارد منتهی بعد از نماز می‌آید آیا فطریه او به گردن صاحب خانه است یا نه؟

ج

- اگر میهمان بعد از مغرب با دعوت، یا بی دعوت، بیاید فطره او بر میزبان نیست و اگر از قبل میهمان باشد لکن پیش از غروب، بیرون رفته و بعد از مغرب باز می‌گردد اقوی وجوب فطره، بر میزبان است.

س

- پیش از غروب شب عید فطر، مهمان وارد شده اما از نان خودش که همراه داشته افطار کرده، آیا فطره او بر صاحب خانه است، یا نه؟

ج

- اگر مقصود از افطار این است که غذای خود را خورده و فقط در منزل او بوده فطره او بر صاحب منزل نیست و اگر مقصود از افطار اینست که مثلاً یک لقمه نان از خودش خورده ولی مهمان صاحب منزل بوده، و غذای او را خورده صدق عیال می‌کند و فطره او بر صاحب منزل است.

س

- آیا پسری که نانخور پدر است اگر اتفاقاً شب عید مهمان شد و صاحب خانه زکاء فطره او را داد از پدر ساقط می‌شود یا خیر؟

ج

- بلی از پدر ساقط می‌گردد.

س

- زکاء مهمان که بر صاحب خانه است اگر خود تنها به مهمانی آمده باشد آیا زکاء عیالش باز به عهده خودش است یا خیر؟

ج

- بلی زکاء عیال او به عهده خودش است.

مستحق و مصرف زکاء فطره

س

- سیدی هنگام غروب شب عید فطر به منزل غیر سید وارد شده آیا فطره آن سید را باید به سید داد یا به غیر سید هم می‌توان

پرداخت و حکم عکس مسأله را نیز بیان فرمائید.

ج

- کسی که سید نیست فطره سیدی را که مهمان یا نانخور اوست

صفحه : ۴۲۵

نمی‌تواند به سید بدهد و اما سید، جائز است که فطره را به سید بدهد، هر چند نانخور او غیر سید باشد.

س

- در محلّی، جهت تبلیغ در ماه مبارک رمضان، از اهل علم دعوت می‌کنند، می‌خواهند وجهی را که به او می‌دهند از زکاء فطره پردازند اگر آن عالم، محتاج نباشد آیا جایز است از سهم سبیل الله به او فطره بدهند یا خیر و چنانچه فطره را قبول نکند، تکلیف، چیست؟.

ج

- احتیاط لازم در مصرف زکاء فطره، دادن آن به فقیر است و اگر فقری قبول کند و با طیب نفس به کسی بدهد مانع ندارد بشرط آن که فقیر به مقداری که مطابق شأن خودش هست ببخشد و لکن اگر دهنده زکاء شرط کند که فقیر، زکاء را قبول کند و به دیگری بدهد جائز نیست و براءت ذمه، حاصل نمی‌شود.

س

- امام جماعتی با این که اظهار استطاعت می‌کند و درس هم نمی‌خواند مع ذلک زکاء فطره می‌گیرد حکمش چیست؟.

ج

- استطاعت، در بعضی از صور، با فقر سازگار است بنا بر این تا فعل او قابل حمل بر صحت است حمل بر صحت شود، علاوه اگر محتمل باشد که زکاء را با اجازه مجتهد می‌گیرد که به مستحقین برساند در این صورت نیز عمل او محمول بر صحت است بلی کسانی که زکاء را می‌پردازند در صورتی بریء الذمه می‌شوند که علم به فقر و استحقاق گیرنده داشته باشند یا بدانند که وکیل مجتهد است.

س

- آیا می‌شود زکاء فطره را به فقری که نماز نمی‌خواند اما مریض و علیل است و قدرت بر کار ندارد داد یا نه؟.

ج

- بلی جائز است بشرط آن که مؤمن باشد.

مسائل متفرقه زکاء فطره

س

- آیا سربازی که دولت، غذا و خوراک او را در سرباز خانه می دهد فطرّیه دارد یا نه؟ و اگر دارد چه کسی باید پرداخت کند؟.

ج

- اگر غنی باشد یعنی مخارج سال خود را فعلا داشته باشد، فطرّیه بر او واجب است و خودش باید بدهد.

س

- در زکاة فطره، قیمت جنس را که حساب می کنند آیا نرخ دولتی

صفحه : ۴۲۶

جنس که می دانیم در بازار آزاد بیش از اینها است و مقداری از قیمت آن را دولت پرداخته تا تقلیل یافته و به قیمت نازل در دست مردم قرار گرفته، حساب می شود یا به نرخ بازار آزاد باید محاسبه کرد؟.

ج

- به نرخ بازار آزاد، باید پرداخت شود.

س

- اگر ظرف یا فرشی بعنوان فطرّیه، عزل شود آیا شخص می تواند بدون اجازه فقیر در آن تصرّف بنماید و قیمت آن را بدهد یا باید با اجازه فقیر باشد؟.

ج

- بنظر این جانب غیر از اثمان، از بابت قیمت فطرّیه دادن، خلاف احتیاط است لکن فعلا- که معین کرده احوط آنست که با اذن فقیر، تبدیل نمایند.

صفحه : ۴۲۷

مسائل حج و عمره

استطاعت

س

- آیا به زنی که شوهرش بدهکار می باشد و ماهیانه مقدار زیادی نزول می دهد حج واجب می شود یا نه؟.

ج